

غذنفر بانک

ماهنشاًء اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی

سال هشتم - شماره های ۸۷-۸۸-۸۹-۹۰ جوزا، سرطان و اسد ۱۳۹۰ خورشیدی



غذنفر بانک
GHAZANFAR BANK

امضای موافقنامه ترانسپورتی و ترانزیتی بندر چابهار



● جشن صنایع ملی در مزار شریف

● گشایش بند سلما

● آغاز پروژه انتقال برق کاسا ۱۰۰۰

گزینش محترم خسرو فضلی به عنوان آمر ارشد بخش عملیاتی غضنفر بانک



In House Training

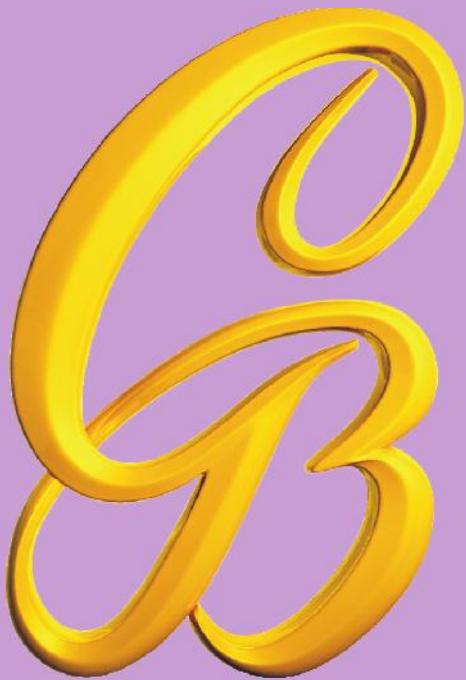




ستایش نامه وزارت اطلاعات و فرهنگ

به الحاج محمد ابراهیم غضنفر رئیس بنیاد و مجتمع های تجاری غضنفر گروپ





غذنفر بانک
GHAZANFAR BANK

اعتماد شما سرمایهٔ ماست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

فهرست مطالب

سرمقاله

- ۲ نقش محیط زیست سالم بر سلامت روان

اقتصادی

- ۳ امضای موافقنامه ترانسپورتی و ترانزیتی چابهار
- ۵ نقش سیاست های دولت در تنظیم امور اقتصادی
- ۱۰ د ملی پانکونو خخه د ملاتپ اړیتا
- ۱۴ سازمان بین المللی کار (ILO)
- ۲۰ بانکداری اسلامی در کشور های اروپایی
- ۲۳ چگونه اقتصاد خانواده خود را مدیریت کنیم
- ۲۸ نقش پول در اقتصاد اجتماعی
- ۳۱ جشن صنایع ملی در مزار شریف
- ۳۳ برگزاری نمایشگاه زراعتی در ولایت بلخ
- ۳۴ پروژه انتقال برق "کاسا یک هزار" رسماً به کار آغاز کرد
- ۳۵ گشایش بند سلما، گامی به سوی خودکفایی افغانستان در تولید انرژی

اجتماعی

- ۳۷ سخنرانی محمد اشرف غنی در سمپوزیوم بین المللی امیر علی شیر نوایی
- ۴۱ امیر علی شیر نوایی
- ۴۲ آلبوم عکس تقدیر از کارمندان
- ۴۵ راه های تقویت خود باوری
- ۴۹ کوه عروس یکی از جاذبه های گردشگری بامیان
- ۵۱ خواص درمانی توت
- ۵۳ نمایندگی های غضنفر بانک
- ۵۴ لطف الله نجفی زاده برنده جایزه آزادی بیان شد

ادبی - فرهنگی

- ۵۶ نقش قناعت در حفظ عزت و شخصیت انسان
- ۵۸ نیستان (ویژه شعر و ادب)
- ۶۰ جمله های طلایی
- ۶۲ محاوره اوزبیکی (۲۳)
- ۱ OPERATIONAL RISK MANAGEMENT IN BANKS

صاحب امتیاز: غضنفر بانک

مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر

مدیر مسؤول: نور احمد فهیم

تحت نظر هیأت تحریر

دیزاینر: عصمت الله عمری

ادارة ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل-افغانستان

+93 (0) 797 860 000

media-manager@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

چاپخانه: مطبوعه بهیر



سخن ماه

نقش محیط زیست سالم بر سلامت روان

جسم را شستشو می دهد، بلکه روح و روان انسان ها را نوازش می دهد یعنی نگاه کردن به آب جاری چشم را جلا داده و به روشنابی آن می افزاید. پس باید در حد توان در جهت حفظ و صفائی آب تلاش نمائیم و از آلودگی آن جلوگیری کنیم.

همین طور هوا نیز یکی از عوامل مهم حیاتی برای زندگی انسان است؛ حتی بدون آن لحظه ای زندگی امکان پذیر نیست. بشر اکسیجن مورد نیاز خود را به وسیله تنفس از هوا می گیرد. در هوا مقدار زیادی اکسیجن وجود دارد و گیاهان نیز پیوسته این موجود را تجدید می کنند و نمی گذارند این ماده حیاتی از اندازه لازم کسر شود. همان گونه که طبیعت بر جسم و بدن اثرگذار است، هوا نیز بر روح و روان بشر اثرگذار است. بنابرین برای سلامت بشر باید از آلودگی آن جلوگیری کنیم.

بسیاری از دانشمندان و کارشناسان علوم اجتماعی از جمله ابن سینا، ابن خلدون، هرودت، ارسطو و پیروان مکتب بقراط اثرات اقلیم و محیط زیست را روی شخصیت و عملکرد بشر مورد ارزیابی قرار داده اند. ارسطو معتقد بود که محیط زیست در زندگی بشر و طرز حرکات آن اثر گذار است. و ابن سینا موقعیت جغرافیایی و تغییرات اقلیمی را در پرورش جسم و جان بشر موثر می پندشت. وی باورمند بود افرادی که در مناطق کوهستانی زندگی می کنند نسبت به مناطق پست و هموار شجاع تر، شاداب تر، سالم تر و چالاک تر خواهند بود. ابن خلدون بر این باور بود که سلامت جسم و جان آدمی در گرو محیط زیست سالم است.

بنابرین بباید به خاطر سلامت جسم و جان خود و داشتن یک اجتماع سالم و عاری از هرگونه بیماری نه تنها در جهت محیط زیست سالم کوشنا باشیم بلکه با همکاری رسانه های جمعی، استادی مکاتب و دانشگاه ها و امامان مساجد در جهت فرهنگ سازی حفظ محیط زیست تلاش نمائیم.

شانزدهم جوزا مطالق با پنجم جون مصادف است با روز جهانی محیط زیست، در این روز انسان ها و نهاد های ذیربط یکبار دیگر تعهد می نمایند که برای بقا و سلامت بشر، حیوانات و نباتات در جهت حفظ و سلامت محیط زیست تلاش های بیشتری را به خرج دهند.

محیط زیست علاوه بر تأثیر در قد و قامت و چگونگی اندام ظاهری بشر، بر فکر و اندیشه و عملکرد انسان نیز موثر است. محیط زیست سالم و امن یکی از عوامل اساسی رفاه، خوشبختی و سلامت بشر است. زیرا جسم و جان انسان ها در محیط زیست سالم و امن می تواند به صورت سالم پرورش یابد. مناظر طبیعت، پاکی و زیبایی شهر ها، فضای سبز، آثار های جویبار ها و بوستان ها تاثیر شگفت آوری بر روان انسان ها دارد و استفاده از این نعمات الهی در سلامتی، تواضع و خلاقیت بشر مستقیماً اثر گذار است. اما تخریب محیط زیست ضمن زیان رسانی به منابع طبیعی و اقتصادی بسیاری از بیماری های روانی و افسردگی را در پی داشته و اثرات ناگواری بر اخلاق بشری خواهد داشت.

در دین مقدس اسلام نیز به حفاظت از محیط زیست تاکید شده است. زیرا در سرزمین پاکیزه، علاوه بر رشد سالم جسمانی و روانی بشر هرگونه نباتات مثمر می روید اما در سرزمین شوره زار و مناطقی که محیط زیست آن تخریب شده باشد نه تنها جز علف هرز و بی ارزش چیز دیگری نمی روید، بلکه جسم و جان انسان ها هم در امان نخواهد بود.

آب یکی از ارکان اساسی محیط زیست به شمار می رود، و چگونگی آن تأثیر بسزایی بر جسم و روح انسان دارد، آب مایه حیات توصیف شده است آب پاک از دیدگاه اسلام نیز سرشار از قداست و پاکیزگی و عظمت است، آب وسیله ای است که زمینه ارتباط مسلمانان را با معبدشان فراهم می سازد. آب نه تنها ظاهر



امضای موافقتنامه ترانسپورتی و ترانزیتی چابهار

الملى خواهد شد. وى اضافه کرد: آسيا هنوز خانه فقیرترین مردم جهان است و ما منحیت رهبران مردم مکلف هستیم، تا زندگی مردم فقیر را بصورت اساسی تغییر دهیم. رئیس جمهور غنی خاطر نشان کرد که امروز جغرافیه، سرنوشت نیست و اراده همکاریها میتواند این جغرافیه را تغییر دهد. وى افروز که همکاری های ما از چابهار آغاز شد و ختم آن در گسترش همکاری های فرهنگی، اقتصادی و منطقی خواهد بود. رئیس جمهور تصریح کرد که اراده ما در عمل پیاده میشود زیرا این پروژه بزرگ اقتصادی از مرحله نظر گذشته و بزودترین فرصت به جاده مواصلات مشترک همه جانبیه مبدل خواهد شد.

رئیس جمهور گفت، قرار است در سال های آینده ۶۰ تریلیون دالر بصورت بین المللی در بخش زیربنایها سرمایه گذاری گردد که قسمت اعظم آن در آسیا سرمایه گذاری خواهد شد. وى اضافه کرد که زیر بنا مدیریت میخواهد و اراده ما برای مدیریت آن

دکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، دکتر حسن روحانی رئیس جمهور ایران و نارنده مودی صدراعظم هند، عصر روز دوشنبه مورخ ۳ جوزای ۱۳۹۵ خورشیدی موافقتنامه سه جانبی ترانسپورتی و ترانزیتی چابهار را در شهر تهران امضا نمودند.

بعد از امضای موافقتنامه سران سه کشور در یک نشست مشترک حضور یافتند و در خصوص اهمیت ترانزیتی و ترانسپورتی چابهار و گسترش همکاری های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان سه کشور صحبت نمودند.

رئیس جمهور غنی طی سخنانی گفت: چابهار سمبل گسترش مناسبات میان افغانستان، ایران و هند می باشد، چنانکه گذشته سه کشور بر پایه ارتباطات مؤثر گره خورده است. رئیس جمهور افزود: دیدگاه ما این است که آسیا در حال تغییر به برابع اقتصادی می باشد و تحرک بزرگ آسیا، موجب ثبات و رفاه بین



نمود: امضاء موافقنامه سه جانبی میان افغانستان، ایران و هند زمینه ساز تقویت اقتصاد و تجارت سه کشور خواهد بود و باعث همکاری در سایر بخش‌ها می‌گردد.

در این نشست نارنده را مودی صدراعظم هند گفت که امضاء موافقنامه سه جانبی افغانستان، ایران و هند می‌تواند تاریخ منطقه را تغییر دهد و بنیاد همکاری میان سه ملت و دولت باشد. وی افزود که با پهنه برداری از چابهار، اقتصاد، تجارت و صنعت منطقه رشد خواهد کرد. صدراعظم هند گفت که افغانستان از این مسیر به راه مطمئن تجاری و اقتصادی دست می‌یابد و چابهار فراتر از منطقه گسترش خواهد یافت و منتج به اتصال آسیای مرکزی، جنوبی و اروپا می‌گردد.

منبع: سایت ریاست جمهوری

بصورت اساسی مستحکم می‌باشد. وی افزود: تمام منطقه در این همکاری مشترک سهیم هستند و آسیای مرکزی، اروپا و چین شامل این دیدگاه و اراده مشترک می‌باشند و روسیه نیز جز این دیدگاه و همکار خوب اقتصادی ما به شمار می‌برد. وی افزود: بعضی کشورهای منطقه صادرات شان تبرویزم است اما صادرات افغانستان، ایران و هند امید، باورمندی، رفاه و همکاری منطقوی می‌باشد.

در این نشست داکتر حسن روحانی رئیس جمهور ایران گفت، بعد از برداشتن تحریم‌ها از ایران و ایجاد فضای جدید، کشورش آماده است تا همکاری‌های خویش را با کشورهای منطقه مخصوصاً با افغانستان و هند گسترش دهد و زمینه همکاری‌های بیشتر در عرصه‌های مختلف میان کشورها بوجود آید. وی اضافه



نقش سیاست های دولت در تنظیم امور اقتصادی



نقش دولت در اقتصاد محدود به ایجاد نظم در داخل کشور و دفاع در مقابل تهاجم از خارج می باشد و عدم تعادل اقتصادی را میکانیسم بازار (دست نامرئی) به طور خود کار به تعادل تبدیل میکند. به اساس نظریات اقتصاد دانهای کلاسیک، هرگاه تعادل اقتصادی بهم بخورد (مثلاً نرخ بیکاری افزایش یابد و یا عرضه بیشتر از تقاضا صورت گیرد و یا اینکه ذخایر تولید شده افزایش یابد) دولت حق مداخله در امور اقتصادی را ندارد، به عقیده کلاسیک ها؛ بطور مثال: اگر در بازار کار، عرضه کار بیشتر از مقدار تقاضای آن باشد، افزایش عرضه کار باعث کاهش دستمزد شده و درنتیجه تقاضا برای کار افزایش می یابد) و این افزایش باعث ازین بردن عدم تعادل میگردد. و یا اینکه اگر در بازار کالا، عرضه کالا افزایش یابد قیمت آن کاهش میابد و

شده).((۱) به باور کینر علت اساسی بحران کاهش تقاضا بود او برای اشتغال کامل و تعادل در جامعه طرفدار اتخاذ سیاست های مناسب اقتصادی از طرف دولت بود. در نظریه موصوف به این نکته اشاره شده است که در صورت کاهش مصرف و سرمایه گذاری بخش خصوصی، دولت باید با افزایش مصارف خود این کاهش را جبران نماید. در حقیقت امر بعد از بحران ۱۹۲۹-۱۹۳۳ م. ضرورت دخالت دولت در امور اقتصادی صریحأً به مشاهده رسید و سبب شد که دولت ها به منظور دست یابی به اهداف اقتصادی از سیاست های اقتصادی، مثل سیاست مالی، پولی و عواید استفاده کنند و در اکثر کشور ها اعم از اکتشاف یافته و در حال اکتشاف سیاست های کلان اقتصادی بخارط رسیدن به اهداف نهایی اقتصادی (اشتغال کامل ، ثبات قیمت ها ، رشد اقتصادی و ثبات

با توجه به قانون تقاضا (هرگاه قیمت ها کاهش یابد ، تقاضا افزایش می یابد) تقاضا برای کالا های عرضه شده افزایش یافته و به تعادل می انجامد. لکن بحران های متعدد اقتصادی بخصوص بحران سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۳ میلادی به چنان شدت وحدت غرب را فرا گرفت که نرخ بیکاری در اروپا و امریکا به بیش از ۲۵٪ رسید و باعث شد تا بسیاری از کار خانه ها دروازه های خود را بینند این امر نشان داد که دیگر دست نامرئی که آدم اسمیت از آن صحبت به عمل آورده برای تأمین تعادل اقتصادی طور شاید و باید کارآبی ندارد و عوض آن نظریه بی عمومی کینز مورد توجه قرار گرفت : ((کلاسیک ها بویژه جان باتیست سه معتقد بودند که هر عرضه تقاضای خود را بوجود می آورد، لکن جان مینارد کینز عقیده داشت که هر تقاضایی موجب افزایش عرضه خواهد



تمام شده و قدرت رقابتی خود را در بازار های جهانی از دست میدهد، از همین سبب است که ثبات قیمت ها روز به روز اهمیت بیشتر کسب نموده و دولت باید با اعمال سیاست های مناسب اقتصادی آنرا تأمین و حفظ نماید. دولت میتواند از طریق سیاست پولی مناسب ثبات قیمت ها را حفظ کند.

سیاست پولی عبارت از اتخاذ تدابیر پولی به منظور حفظ ارزش پول و کمک به رشد اقتصادی کشور است. عباره دیگر سیاست پولی مجموعه اقدامات بانک مرکزی به منظور کنترول حجم پول و دستیابی به اهداف نهایی اقتصادی نظیر ثبات قیمت ها، استغال کامل و ... میباشد. مانند سیاست مالی، هرگاه جامعه در حالت انفلاسیونی قرار داشته باشد با ید حجم پول و در نتیجه تقاضای کل کاهش یابد. در این دوره دولت از طریق کاهش مخارج عمومی و افزایش مالیاتها میتواند قدرت خرید جامعه را کاهش دهد و تخفیفی در فشار تورم ایجاد کند. (۳)

بر عکس اگر جامعه در حالت رکود قرار داشته باشد، بانک مرکزی به منظور مقابله به آن به افزایش حجم پول و افزایش تقاضای کل مبادرت میورزد، زیرا در دوره رکود اقتصادی، تقاضای مؤثر، سرمایه گذاری، قیمتها و عاید ملی کاهش میابند و افزایش مخارج عمومی باعث افزایش عاید، تقاضای مؤثر در جامعه، افزایش قیمت ها و ایجاد انگیزه به منظور تشویق سرمایه گذاری میگردد. در نتیجه تقویت سرمایه گذاری، استغال و عاید ملی افزایش یافته و اقتصاد از وضعیت رکود به سوی رونق سوق داده میشود. اگر با افزایش مخارج عمومی مالیاتها کاهش یابند عواید قابل تصرف افراد افزایش می یابد و این عمل افزایش تقاضای مؤثر را در بی دارد.

یکی دیگر از اهداف اقتصادی دولت را رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی و عاید سرانه تشکیل میدهد. چون امکانات و ظرفیت های بالفعل کمتر از امکانات بالقوه میباشد لذا تلاش بخاطر نزدیک شدن به امکانات بالقوه بخاطر نایل شدن به رشد اقتصادی از جمله اهداف مهم اقتصادی در کشور میباشد. هرگاه نرخ رشد اقتصادی بیشتر از نرخ رشد نفوس باشد و این نرخ رشد با توزیع عادلانه توأم باشد باعث افزایش رفاه جامعه میگردد، در غیر آن اگر نرخ رشد اقتصادی با توزیع عادلانه همراه نباشد و

نرخ اسعار) اعمال گردید، زیرا موجودیت بیکاری، انفلاسیون، نوسانات نرخ اسعار، مصارفی را به جامعه تحمیل میکند.

رسیدن به استغال کامل یکی از مهمترین اهداف هر دولت به شمار میرود، بخاطر یکه بیکاری تنها یک پدیده نا مساعد اقتصادی نیست، بلکه مشکلات اجتماعی و سیاسی گوناگونی را نیز در قبال دارد. سیاست های مختلف دولت در مبارزه با رکود اقتصادی میتواند مشکل بیکاری را کاهش دهد؛ بگونه مثال: کاهش مالیاتها و افزایش مخارج عمومی بخصوص سرمایه گذاریهای زیر بنایی، انگیزه مناسبی برای سرمایه گذاری خصوصی میباشد و به نوبه خود باعث افزایش استغال میشود. (۲) در کشور ما ممکن است در کوتاه مدت امکانات دست یابی به استغال کامل فراهم نباشد، در چنین حالتی کاهش نرخ بیکاری به میزانی چند فیصد را نیز میتوان به عنوان هدف استغال مورد توجه قرار داد؛ بطور مثال: نایل شدن به استغال کامل را در چند مرحله و یا چند پلان انکشافی میتوان مرحله بندی کرد و بصورت تدریجی بسوی کاهش نرخ بیکاری به پیش رفت و در پایان هر مرحله فیضی معینی از کاهش نرخ بیکاری را به عنوان هدف معین نمود.

کاهش نرخ بیکاری در افغانستان به این خاطر از اهمیت خاص برخور دار میباشد که امروزه مشکلات زیاد از قبیل بی امنیتی، بی اعتمادی و فاصله بین ملت و دولت، خشونت های خانواده گی، کاهش سطح زنده گی و فقر به نحوی ریشه در بیکاری دارند، لذا بر دولت است که کاهش نرخ بیکاری را در صدر اهداف اقتصادی خود قرار دهد.

یکی دیگر از اهداف اقتصادی دولت را تأمین ثبات قیمت ها تشکیل میدهد. طوریکه دیده میشود درین برهه زمانی اکثریت فعالیت های اقتصادی در کشور ما را مشغولیت های تجاری بخصوص واردات تشکیل میدهد و کمتر مردم به سرمایه گذاری می پردازند، یکی از علل آنرا در پهلوی ضعف امنیت، بی ثباتی قیمت ها میتوان نام برد که در نتیجه کاهش سرمایه گذاری موجب کاهش استغال میگردد و از سوی دیگر انفلاسیون باعث کاهش صادرات و افزایش واردات گردیده بیلانس تجارت را نامتوازن می سازد، زیرا در اثر صعود قیم، کالاهای داخلی گران



درین صورت صادر کننده مبلغ پنج هزار افغانی فایده نموده است، لakan اگر بعداز صادر کردن فی دالر به مبلغ چهل افغانی کاهش یابد صادر کننده باوجود که در بدل قالین خود همان یکهزار دالر را بدست آورده است مگر به افغانی تنها مبلغ چهل هزار بدست می آورد که بدین ترتیب پنج هزار افغانی ضرر هم میکند که در نتیجه صادرات کاهش میابد. و یا وارد کننده کمپیوتر فی پایه کمپیوتر را از قرار دوصد دالر خریداری و وارد میکند با توجه به نرخ (۴۰) افغانی فی دالر، هر گاه هر پایه کمپیوتر را به مبلغ ده هزار افغانی بفروشد از مدرک فی پایه کمپیوتر مبلغ دو هزار افغانی فایده بدست می آورد. لakan اگر بعد از تورید، فی دالر به مبلغ ۵۰ - افغانی صعود نماید، تورید کننده مجبور است تا همان کمپیوتر را به مبلغ ۱۲ هزار افغانی بفروشد تا دو هزار افغانی فایده نماید که در نتیجه قیمت های داخلی بلند رفته و تقاضا برای کمپیوتر کاهش میابد. خلاصه اینکه نوسانات نرخ اسعار بالای صادرات و واردات و همچنان مستهلكین تأثیرات سوء دارد.

یک نکته را باید یاد آور شد که بعضی از این اهداف اقتصادی متضاد و برخی دیگر مترادف هم دیگر اند؛ بطور مثال: هدف رسیدن به اشتغال کامل و رشد اقتصادی دو هدف اند که در صورت تحقق یکی دیگری نیز تحقق میابد، چنانچه از اثر سرمایه گذاری سطح اشتغال افزایش می یابد و در این صورت رشد اقتصادی را نیز در پی دارد. اما برخی دیگر درست درجهت مقابل یک دیگر عمل میکنند؛ مثلاً: اگر بخواهیم نرخ تورم را ثابت نگهداشیم ناگزیر به اعمال سیاست های انقباضی مالی و پولی هستیم، یعنی دولت به هر نحویکه شده تلاش مینماید حجم پول و در نتیجه تقاضای کل را کاهش دهد که یکی از راه های آن کاهش مصارف عمومی و افزایش مالیات میباشد.

با توجه به توضیحات فوق چنین نتیجه بدست می آید که اعمال سیاست های مناسب اقتصادی مانند سیاست مالی، پولی، ثبات و عواید مهم ترین اقداماتی اند که دست یابی به اهداف فوق را فراهم میکنند. از طریق این سیاست ها دولت میتواند در مخارج و نرخ مالیات ها تعییر آورده و در نتیجه بالای تقاضای کل و همچنان کل اقتصاد تأثیر بگذارد. بدین معنا که تقاضای کل را در سطح مورد نظر حفظ کند. چنانچه مخارج دولت افزایش یابد در

عاید بدست آمده به یک عده معدودی تعلق بگیرد نه تنها موجب افزایش رفاه جامعه نخواهد گردید، بلکه باعث تشدید اختلافات طبقاتی خواهد شد. یا اگر افزایش تولید ناخالص ملی در مصارف نظامی بکار برده شود نیز باعث ارتقای سطح زندگی مردم نخواهد شد. بر عکس اگر افزایش تولیدات صرف خدمات عمومی (صحت، بهداشت، تعلیم و تربیه و ...) شود واضح است که با افزایش رفاه عمومی همراه میباشد. لذا وظیفه دولت است تا در پهلوی تأمین رشد اقتصادی چگونگی توزیع آنرا نیز زیر مراقبت و کنترول داشته باشد. زیرا رشد اقتصادی زمانی مؤثر می باشد که مشکلات جمعیت بیشتری از مردم را مرفوع سازد. چون هدف اصلی مخارج عمومی بر عکس مخارج خصوصی به حد اکثر رسانیدن منافع اجتماعی است. (۴)

در پهلوی سایر اهداف اقتصادی دولت یکی هم ثبات نرخ اسعار می باشد از آنجائیکه صادرات و واردات تحت تأثیر نرخ اسعار قرار دارند و نوسانات نرخ اسعار باعث نوسانات در بیلانس تجارت خارجی میگردد، لذا دولت با تعقیب سیاست مناسب اقتصادی کنترول و رهنمایی نرخ اسعار را به عنوان یک هدف مهم اقتصادی مورد توجه قرار میدهد، چنانچه وقتاً فوقتاً ما شاهد لیلام میلیونها دالر از طریق بانک مرکزی می باشیم که به منظور حفظ ثبات ارزش پول افغانی به مقابله اسعار به این سیاست مبادرت میورزد، زیرا ثبات نرخ اسعار باعث تشویق و توسعه صادرات و در نتیجه کاهش واردات میگردد. به منظور تحقق بهتر سیاست تجاری باید نرخ اسعار طور هدایت گردد که صادر کننده و وارد کننده احساس اطمینان نموده و از اجرای معاملات به اسعار خارجی در داخل کشور بدون فشار و کنترول صرف نظر نمایند، در غیر آن از بیم اینکه مبادا نرخ اسعار ناگهانی صعود نماید و باعث تحمل خساره برایشان گردد. (با وجود وضع جریمه و کنترول) از معامله به افغانی خود داری مینمایند، خلاصه اینکه در هردو صورت هم در صورت صعود نرخ اسعار و هم در صورت نزول آن یک عده از مردم خساره مند میگردد؛ بطور مثال: اگر صادر کننده قالینی را به مبلغ چهل و پنج هزار افغانی خریداری و با توجه به نرخ پنجاه افغانی فی دالر آنرا به مبلغ یکهزار دالر صادر نماید، مبلغ بدست آمده از مدرک فروش قالین متذکره پنجاه هزار افغانی میباشد که



رفع احتیاجات اکثریت نفوس کشور به مصرف رسد، زیرا ترقی و پیشرفت یک کشور مستلزم کاهش فقر، محرومیت و بیسودی و بهبود وضع صحی مردم میباشد.



منابع و مأخذ

- ۱- فرجی، یوسف، کلیات علم اقتصاد، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازارگانی، ۱۳۸۴، ص ۴۷۷.
- ۲- جعفری، صمیمی، احمد. اقتصاد بخش عمومی، تهران : سمت ، ۱۳۸۰، ص ۸
- ۳- همان اثر، ص ۷.
- ۴- قدیری، اصلی، باقر. کلیات علم اقتصاد فشرده تحلیل های از اقتصاد خورد و کلان، تهران: سپهر، ۱۳۷۹، ص ۳۵۸.
- ۵- شبان، محمد انور. تیوریها ، عوامل و سیاستهای انکشاف، پژوهش: یونین اید، ۱۳۷۵، ص ۹.
- ۶- پژویان، جمشید. اقتصاد بخش عمومی: هزینه های دولت، اصفهان: جنگل، ۱۳۸۱، ص ۷۷.

صورتیکه سایر عوامل ثابت باشند تقاضای کل نیز افزایش می یابد و بر عکس اگر مخارج دولت با درنظر داشت ثابت بودن سایر عوامل کاهش یابد تقاضای کل نیز کاهش میابد. به همین ترتیب اگر نرخ مالیاتها تغییر کند فرضًا کاهش یابد، تأثیرات مالیاتی خانوارها به دولت کاهش یافته موجب افزایش عاید قابل تصرف و در نتیجه مصرف و تقاضای کل میگردد.

در صورت که اقتصاد بحالت رکود مواجه باشد دولت از سیاست اقتصادی انبساطی کار گرفته مخارج را افزایش داده و مالیات را کاهش میدهد و بر عکس اگر جامعه در حالت انفلاسیونی قرار داشته باشد از سیاست انقباضی استفاده مینماید بدین معنی که مخارج را کاهش داده و نرخ مالیات را افزایش میدهد. با در نظرداشت اهدافیکه در مقابل دولت قرار دارد به نکات آتی باید توجه همه جانبیه مبذول گردد:

- ۱- مشکل بیکاری را ساده نه پنداشته، با تشریک مساعی سکتور خصوصی تدبیر لازم در زمینه کاهش بیکاری اتخاذ گردد؛
- ۲- طوریکه توضیح شد تأمین ثبات قیمت ها و ثبات نرخ اسعار نیز از اهداف دولت بحساب می آید، لذا دولت تنها به تأمین ثبات نرخ اسعار از طریق لیلام نمودن دالر به بازار اسعار اکتفا نکرده، بلکه تدبیر مشخص را برای تأمین ثبات قیمت کالاهای در داخل کشور نیز روی دست گیرد و یا اینکه حداقل خود زمینه ساز صعود قیم در کشور نگردد؛ بطور مثال: اگر نمی تواند و یا نمی خواهد تدبیر مشخص را در زمینه ثبات قیم اتخاذ نماید مانع تبلیغات مبالغه آمیز مسؤولین دولتی مبنی بر صعود قیم جهانی شود، زیرا در بسیاری موارد صعود قیمت در کشور ما جنبه روانی و تبلیغاتی داشته است، چه رسد به اینکه از زبان مسؤولین اقتصادی دولت به کرات شنیده شود که ((هنوز هم به مقایسه کشور های همسایه در کشور ما چندین مرتبه قیمت ها پایین است.)), زیرا این تبلیغات در بازار باعث افزایش قیمت ها و در سیاست باعث ایجاد فضای عدم اعتماد به دولت میگردد؛

- ۳- با توجه به هدف دیگر دولت که همانا تأمین رشد اقتصادی و افزایش محصول نا خالص ملی میباشد، عدالت اجتماعی را از یاد نبرده تلاش به عمل آید تا نتیجه این رشد برای



خدمات جدید غذنفر بانک

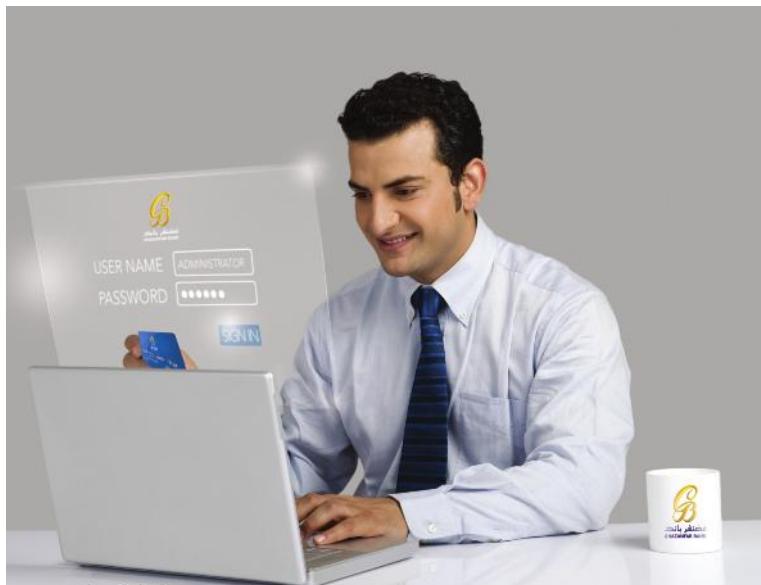
Ghazanfar Bank New Services

خریداری از طریق اینترنت

Online Purchase

انتقال پول از طریق اینترنت

Online Banking



+93 (0) 798 786 786

www.ghazanfarbank.com

خبرنواں عبدالحکیم رامیار



د ملي پانګونو څخه د ملاتې او تیا

ده، چې پایله یې اقتصادي او ټولنیزی ناخوالې لکه فقر، وزګارتیا، د بېلابلو ناروغیو خپرېدل، د ټولنیز ژوند کچې تیتوالی او ډېری نورې ستونزې دی. پانګه د توکو، خدمتونو او نورومالی لګښتونو هغه برخه ده چې د نویو کالیو او خدمتونو د تولید لامل کپری سره له دې چې د ډېر نورو اقتصادي او ټولنیزو اصطلاحاتو او مفاهیمو په اړوند د پوهانو او مکتبونو ترمنځ د نظریووالی کم دی، د پخوانیو نظرونو پرخلاف د پانګي مفهوم ډېر بدل او پراخه شوی دی. خو یا هم د هغه بنیتیز مفهوم پر خپل څای پاتې دی. که پخوا پانګه تر ډېر په ثابته او جاري پانګه وېشل کېده، اوس مهال هغه په فزیکي، مالي او انساني پانګې وېشي. فزیکي پانګه ټول مادې توکې او ساختمانی پنهونه احتوا کوي، او مالي پانګه د یوه تولیدي بنسټ

وده او پراختیا هغه موځې دی چې ټول هېوادونه خه پر مختللي دي او که وروسته پاتې، لوی دي که کوچني، د هغې غوبښتونکي دي او د هغه د لاسته راوېلو لپاره هڅې کوي. دا موځې د تولیدي عواملو د کمي او کيفي زیاتولي او سنه کېدو سره تراو لري په دې ترڅ کې د پانګې شتون یوادین رکن دی او د مالي سرچينو او پانګې په نه شتون سره وده او پراختیا ناشونی ده.

د پانګې غونډول او په بېلابلو تولیدي او خدماتي سکتورونو کې د هغه کارول د ودې او تلپاتې پراختیا په خاطر ارین عاملونه دي. دا چې ډېر وروسته پاتې هېوادونه د اقتصادي او ټولنیزو ناخوالو له کبله له ستونزو سره مخ دی یو عامل یې په دې هېوادونو کې د پانګونشوالي او یا هم د هغه نا سمه او نه موژره کارونه



کار خخه د ګنجی تمہ لري نو د یوه شرکت، د ونډو پېرل دېته ورته د کوم بل بنسته د عرضه شویو ونډو څېږي شوې پانۍ پېرل پانګونه ده خکه چې په هغې کې د ونډې اخیستونکي د پانګی زیاتېدل غښتی دي.

په ټولیزه توګه هر لکبنت چې د پانګې په مفهوم او موخه تر سره کېږي دوه ماهیته لري مصرفی او پانګه یېز. هغه لکبنتونه چې په مستقیمه توګه خدمتونه او توکې نه تولیدوي او به غیر مستقیمه توګه په ټولنیز او اقتصادي ژوند اغیز کوي لکه د یو سرک، پیاده رو او د دریاب استادی د یوال جوړول، د اوبو خاہ کیندل او نور مصرفی پانګه حسابېږي. اما هغه لکبنت چې پایله ېې د نویو توکو او خدمتونه تولیدوي لکه فابریکه جوړول، د برښنا بند او نور جوړول پانګه یېزه بنه لري او د مصرفی پانګې په پرتله ېې عمر دېروي چې اقتصادي بنستونه هم ورته واي.

پانګه د ټولنې اقتصادي خرخ په حرکت راوړۍ، د وګړو ژوند بدلوی او د هغوي غوښتې بسیاکوي او په ټوله کې د ودې او پراختیا سبب کېږي. همدا راز ددې تر خنګ چې هر پانګوال د خچلې پانګونې خخه خانګړې موخي لري نو ددې موخو په اړوند پانګونې هم یو له بله بېلېږي. د موضوع په اړوند پانګونه ته واقعی پانګونې او مالی پانګونې واي. واقعی پانګونې هغه پانګونې دی چې پانګوال د خپلو پیسو او شتمنيو په بدل کې فزیکي واقعی شیان او توکې پېږي او په وروسته کې د هغه د پلورلو او کارولو له لارې ګکه ترلاسه کوي لکه مخکه، مانی ماشین آلات او نور. اما مالی پانګونې په دې مفهوم تعیوروی چې پانګوال خچلې پیسې د بورس په بازار کې لګوی او د وندو په اخیستو سره په وروسته کې د ګنجی د ترلاسه کولو تمہ لري. همدا راز د وخت په نظر کې نیولو سره پانګه په لنډ مهاله او اورد مهاله پانګونه تقسیمېږي. بله ډول پانګونه د خطر (ریسک) د کچې په نظر کې نیولو سره پانګونه .۵۵

د هرې پانګونې اهمه خانګونه داده چې دوخت په تېرېدو سره د کارول شوې پانګې کچه زیاتولی ومومي او که په هر لامل دوخت په تېرېدو د

ټول نغدي وجوه په برکې نیسي چې د تولیداو د هغه اړوند نورو ورځنېو لګښتونو لپاره کارول کېږي. انسانی پانګه چې د پورته دوو یاد شویو پانګو په پرتله د پیژنډې لنډ تاریخ لري ډېره اړینه، او په انسانانو باندې د لګښتونو خخه عبارت ده. کله چې پر یوه کس باندې د هغه د روزلو او روغتیا په موخه لکبنت کېږي او هغه د صحت، پوهې او د کار تر سره کولو له امله وړتیا پیدا کوي، انسانی پانګه لرونکي ورته اطلاق کېږي. په عمل کې د اقتصادي تولید او خدمتونو د ترسره کولو لپاره ددې درېو واړو پانګو یو خای شتون حتمي دي او د هرې یوې په نه شتون کې اقتصادي خرخ له حرکته لوړې.

د پاکلو موخو لپاره د هغې په سر کې د تولید په خاطر د پانګو ملي امکاناتو او سرچینو کارولو ته پانګونه ويل کېږي. له هغه خایه چې مادی شتمني، لکه مخکه، ماشین، پیسې او معنوی شتمني لکه پوهه، وړتیا او تخصص ارزښت لرونکي شیان دي او کارول ېې نور ارزښتونه خلق کوي نو په هدفمنده توګه د هغوي کارول پانګونه بلل کېږي. په بل عبارت، هغه ارزښت چې د بل ارزښت د لاسته راوړلوا په موخه مصرف او وکارول شي پانګونه حسابېږي. پانګونه په واقعیت کې هغه لګښتونه دی چې موجوده پانګې ته وده ورکړي. یانې په پانګونې سره باید د ټولنې اقتصادي بنستونه بدلون ومومى او وده وکړي په دې توګه هر چوں لکبنت ته پانګه نشي ويل کډا، آن تر دې چې د خینو پوهانو په نظر د فريکي شتمنيو او د بها لرونکو او راقو پېرل پانګونه نه ده. اما له دې کبله چې د او سنمهال په نړیوال ملي اقتصادي نظام کې د پانګو د ضرورتمندانو لپاره خانګړې بنستونه او سرچینې لکه د پانګونې صندوقونه، د بورس بازارونه او شرکتونه، د پانګونې پانګونه او داسې نور منځته راغلي دي د هغوي ډېر زیات د نجدو وجوهو د پور ورکولو تر خنګ د نورو شرکتونه، او بنستونه عاطلوا وجوهو د راجلبلو په خاطر د ونډو پانۍ خپروي او هغه شوک یا بنسته چې عاطلې پیسې لري د هغه د پلورلو په بدل کې ګکه ترلاسه کوي او له بلې خوا هر مولد، سوداګر او پانګوال د خپل



خو په عمل کې د بېلابلو درندو شرایطو لکه: د سود (ربحي) کچه، د باندانيو کارګرانو استخدامول او ترڅنګ ېې د نورو امتيازات غوبنتل د پانګو اخستل ستونزمن او ډپر وختونه د پانګې غوبنتونکو خواوو (دولت، خصوصي سکتور) لپاره غير اقتصادي او د هباد د پرمختګ په خاطر نامؤثره تمامېري، اما ډپر وختونه داسې حالت منځته راخي چې متقاضي امې د بېلګي په توګه لکه زموږ هباد او یا زموږ پانګوال دي د رندو شرایطو ته په غاړه اېښدلو مجبور کېږي . مثلاً: زموږ ډپرو پانګوالو د ۲۰۰۱م. کال خخه وروسته په بېلسوکتورونو کې پانګونې وکړي ماشينونه ېې راوړل، فابریکې ېې فعالې کړي اما د جګړې د دوام، د باندانيو هبادونو د ناسالمو سیالیو او د دولت د نه پاملنې او نه ملاتړ له امله ېې کار وده ونه کړه، تولید شوي توکې ېې خرڅ نه شول او په ګودامونو کې پاتې شول. په دې توګه د پولی - مالی سرچینو او اومه موادو دنشت له کبله د دیوالی کېدو له ګواښ سره مخامڅ شول نو ډپرې پور اخیستو او د نورو لخوا مالي تمويل ته مجبور شول او دي.

جوته ده چې لوی پور ورکونکي سازمانونه او مؤسسيې ټول د خانګړيو کسانو او دولتونو دي او یا هم په هغوي پوري تراو لري او د هغوي موخي او اقتصادي او سیاسي، ګټې تاميینو نو د هغوي د پورونو تر شاهم منفي موخي پېړي وي چې د وروسته پاتې هبادونو د هغې جملې نه زموږ هباد غوندي هبادونو لپاره ګرانې او نامناسيې وي او په پایله کې هباد نورو ته د سیاسي او اقتصادي تړلتیا لورته بیاېي.

اوس دي موضوع ته راخو چې مونږ خپلي پانګې او مادي او مالي سرچینې، خه ملي دي او که له بهر خخه راغلي دي څرنګه و کاروو او مدیریت پې کړو؟

د هباد وروسته پاتېوالی او د نن ورځۍ نړیوالی حاکمي اقتصادي - سیاسي وضعې ته په کتو ليدل کېږي چې په هباد کې د لازمو پانګو او د کارول شویو پانګو ستونزې او برياووې په افغانانو، افغانۍ پانګوالو او افغان دولت پوري تراوېدا کوي. پانګوالو او

هغه ارزښت او یه راټېته شي او یا هم ثابته پاتې شي دا پانګونه غير اقتصادي وي. دا واقعيت دی چې پورته ياد شوې پانګونې په یوه یا بله د خطر او ننګونو سره منځ وي اما د اقتصادي لحاظه هغه پانګونه موثره ګنډل کېږي چې ګټې ېې د ريسک په پرتله زياتي وي. دا ثابته ده چې د پانګونې ډول، خای، موضوع د مدیریت خرنګوالی ټول د پانګونې د ريسک په کچه اغږه لري. هر پانګوال چې په پانګونه لاپسورې کوي د هغه د محصول (باز ده) او ګټې ترڅنګ د هغه په ريسک هم فکر کوي، او د ريسک د مخنيوي او کمولو په خاطر لازم پلانونه او تدبیرونه سنجوي. دا تدبیرونه او هڅې او د هغه پایلې د پرمختلليو او وروسته پاتې هبادونو ترمنځ فرق کوي. خرنګه چې ددې هبادونو اقتصادي او غير اقتصادي عاملین یو له بله توپیر لري د هغې اغږې او د عمل خرنګوالی ېې هم یو له بله توپیر کوي. په وروسته پاتې هبادونو کې د قوانینو او د قانون جوړولو او عملي کولو بنستهونو د کمزورتیا د اداري د ستګاهه تېټ کيفيت او حاکمه بیرو کراسی ټول نېغه په نېغه په پانګونو او د هغې په وده تأثير لري. په وروسته پاتې هبادونو که ددې ترڅنګ چې د سپماکولو ګلتور تېټ وي ډپر وختونه د ((اقتصادي ګلتور)) نښې نښاني په اداره او مدیریت کې د کار فرما او کاريګر دواړو له خوا خرګندېږي.

وویل شول چې د ډپرو وروسته پاتې هبادونو د پرمختګ لویه ستونزه د پانګونشنټون دی. په دې هبادونو کې د ګکرو د عايد د تېټوالی او دسپما د تېټ فرهنګ له امله د پانګونو په خاطر مالي سرچینې نه جوړېږي او که جوړې هم شي ډېږي ګمې او لړوې او د لوړو او بنسټیزو پروژو لپاره بسنه نه کوي، نو دغه راز هبادونه د خپلو پروژو د تمويل او نورو اړتیا وو د رفع کولو په خاطر اړدي چې نورو ته د مرستي لاس وغزوې او خه ناخه خپلي ستونزی حل کړي. سره له دې چې د نړیوال کېډه او ډېجیټالی انقلاب له امله نړیوالی بېلابلي اړیکې پراخې، پولې خلاصې او د هبادونو ترمنځ واتې ډپر کم شوي دي او په ظاهر کې د پانګو په خاطر اړیکې نیول او د هغه لاسته راوړل ډپر آسانه بنکاری

لري چې د پانګوالو او ملي کاروباريانو ننګه او ملاټر ټپکي. لازم او اړین قوانین منخته راوړي په بازارونو کې د باندانيو کمپنيو له خوا د دمپنګ او نا سالمې سیالي مخه ونیسي. لازم نورمونه او ستندردونه جوړ او د متشیښو سره د هغه په پلي کولو کې مرسته وکړي. د ملي محصولاتو لپاره نړیوال بازارونه ولټوي او د بې خایه بېرو کراسۍ او فساد مخه ونیسي.

خلک او ټولنه هم د پانګوالو او دولت تر خنګ مکلفيت لري د ملي پانګوالو سره همکار او سی ملي اقتصاد د پیاوړتیا په خاطر د باندانيو توکو پر خای ملی محصولاتو ته ترجیح ورکړي. د دولت سره د توکو د فاچاق او نورو تورو کارونو د مخنیوی په خاطر مرسته او همکاري وکړي. او به دې توکه خپله ملي او وطنې دنده تر سره کړي.

د پانګونو متصدیانو ته لازمه ده د پانګونو خخه مخکې د ملي او نړیوالو شرایطو په نظر کې نیولو د پانګونې خای، رشتہ، د کاروبار امکانات، د مواد و تأمین، دانسانی څواک شتون او تدارک او نور په نظر کې ونیسي او د هغه لپاره منطقې او معقول پلانونه جور او عملی کړي. پانګوال باید دینه پام ولري چې دوی په بازار کې د ورته کمپنيو د تولیداتو سره مخامنځ دي او باید د هغوي سره سیالي وکړي. له بلې خوا هر هغه څوک چې یو شي ته ضرورت لري او د هغه دلاسته راوړلو په خاطر پیسې ورکوي هغه جنس تاکي چې لوړ کیفیت ولري او په ستندرده بنې د ورځې د غوبښتو سره برابر جوړ شوی وي یانې په دې معنا چې نشي کبدای مشتری اړکړای شي د ملي محصول ترnamه لاندې هر ډول بې کیفیته او با کیفیته جنس واخلي.

د پانګو د موثریت اوښو پايلو د لاسته راوړلو په خاطر د پانګوالو تر خنګ دولت هم مکلفيت او دنده



گردآوری: مصطفی کریمی



سازمان بین‌المللی کار International Labor Organization (ILO)

صلاح به تصویب رسید. انجیزه اولیه تاسیس این سازمان موضوع انسانیت بود. شرایط کارگران، تعداد رو به رشد آنها و بهره‌کشی از کارگران بدون توجه به سلامت، خانواده و پیشرفت آنها غیرقابل قبول بود. این موضوع به طور مشخصی در مقدمه نظام نامه تاسیس ILO مشخص شده است که بیان می‌دارد: شرایط فعلی کارگران در بر دارنده بی‌عدالتی، مشقت و غیره است که به بخش بزرگی از انسان‌ها اعمال می‌شود.

دومین انجیزه تشکیل این سازمان مسائل سیاسی بود. عدم توجه به بیهود شرایط کارگران که تعداد آنها در نتیجه توسعه صنعتی روز به روز افزایش می‌یافتد می‌توانست موجب ایجاد

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ در پایان جنگ جهانی اول در زمان تشکیل کنفرانس صلح که ابتدا در پاریس و سپس در کاخ ورسای تشکیل شد ایجاد گردید.

تأسیس این سازمان در قرن نوزدهم توسط دو صنعتگر به نام (۱۷۷۲-۱۸۵۳) Robert Owen از ایالت ویلز و (۱۷۸۳-۱۸۵۹) Daniel Legrand از فرانسه پیشنهاد شد. موضوع تاسیس "انجمن بین‌المللی قوانین کار" در سال ۱۹۰۱ در شهر بازل (Basel) سوئیس مورد بررسی قرار گرفت، بالاخره ایده‌های آنها منجر به تاسیس "سازمان بین‌المللی کار" شد که نهایتاً در ماه آپریل سال ۱۹۱۹ تشکیل این سازمان در کنفرانس



ساعت کار در کارخانه، بیکاری، حمایت از مادران، شبکاری زنان، حداقل سن و شبکاری جوانان در کارخانه بود.

اعضای هیأت مدیره توسط شورای اجرایی ILO حاضر در کنفرانس انتخاب شدند. نیمی از آنها نمایندگان دولت، یک چهارم آنها نماینده کارگران و یک چهارم دیگر نمایندگان کارفرمایان را تشکیل می‌دادند، آقای Albert Thomas به عنوان اولین دبیرکل دفتر بین‌المللی کار انتخاب گردید که دبیر دائمی سازمان می‌باشد. او یک سیاستمدار فرانسوی بود که علاقه شدیدی به مسائل اجتماعی داشت و یکی از اعضای دولت در دوران جنگ و مسئول رساندن تسلیحات نظامی بود. او از شروع کار خود دستاورد بسیار زیادی برای سازمان داشت، در کمتر از دو سال، ۱۶ کنوانسیون بین‌المللی کار و ۱۸ توصیه نامه را به تصویب رساند.

ILO در تابستان ۱۹۲۰ در ژینو تاسیس و راهاندازی شد. اما اشتیاقی که باعث سرعت حرکت ILO بود خیلی سریع کاهش پیدا کرد. به اعتقاد برخی از دولت این کاهش به علت تعدد کنوانسیون‌ها، نشریات منتقدانه و بودجه بالا بود. از این رو همه چیز کاهش پیدا کرد. همچنان دیوان بین‌المللی قضا (International Court of Justice) تحت فشار دولت فرانسه بیانیه‌ای داد که حوزه و قلمرو ILO به مقررات بین‌المللی شرایط کار در بخش کشاورزی نیز تعیین یابد.

در سال ۱۹۲۶ وقتی که کنفرانس بین‌المللی کار یک سیستم سرپرستی در اجرای استانداردهای خود که امروز نیز وجود دارد، وضع نمود، نوآوری مهمی محسوب گردید. در این زمان یک کمیته کارشناسی مشکل از کارشناسان حقوقی مستقل برای بررسی گزارشات دولتها و ارائه گزارش خود تشکیل گردید و مقرر شد در هر کنفرانس آن را ارائه دهد.

در سال ۱۹۳۲، پس از اطمینان از حضور سیزده ساله قوی ILO در سطح جهان ناگهان آقای آبرت توماس در گذشت، و آقای هارولد باتلر از انگلستان که از زمان تشکیل ILO معاونیت

آشوب در جامعه و حتی باعث انقلاب شود. در مقدمه اساسنامه این سازمان بیان شده است که بی‌عدالتی موجب "آشوب بزرگی خواهد شد که باعث به خطر اندختن صلح و نظم جهانی می‌گردد".

سومین انگیزه مسائل اقتصادی بود چون تاثیر غیرقابل اجتنابی بر روی هزینه محصول داشت، هر صنعت یا کشوری که اصلاح اجتماعی را مورد تصویب قرار می‌دهد، در مقابل رقبای خود عقب می‌ماند، در مقدمه ILO بیان شده است که "شکست هر ملتی در تصویب شرایط انسانی کارگران، مانع در راه سایر مللی است که می‌خواهند شرایط کشور خود را بهبود بخشنند."

دلیل دیگر برای ایجاد سازمان بین‌المللی کار توسط اعضای حافظ صلح اضافه گردید که در خاتمه جنگ کارگران به صورت جدی هم در عرصه مبارزه و هم در صنعت مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفتند. این فکر در ابتدای تاسیس سازمان بین‌المللی کار مطرح گردیده بود به این ترتیب که: "صلح پایدار و همیشگی فقط در صورت وجود عدالت اجتماعی می‌تواند شکل بگیرد".

اساسنامه ILO بین جنوری و آپریل ۱۹۱۹ توسط کمیسیون کارگری در کنفرانس صلح تدوین گردید. کمیسیون فوق از نمایندگان ۹ کشور شامل بلژیک، کیوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، انگلستان و آمریکا به سرپرستی آقای Samuel Gompers رئیس فدراسیون کارگری آمریکا تشکیل شده بود. حاصل مباحث این کشورها، منجر به تشکیل سازمان سه جانبه شد و تنها تشکیلاتی بود که نمایندگان دولت، کارفرمایان، کارگران بدنه اجرایی آن را تشکیل می‌دادند. اساسنامه ILO، بخش سیزدهم (XIII) معاهده ورسای گردید.

در اولین کنفرانس بین‌المللی کار در ۲۹ اکتبر ۱۹۱۹ دو نماینده از دولت و یک نماینده از کارفرمایان و یک نماینده از کارگران هر کشور عضو در واشنگتن گرددهم آمدند. در اولین کنفرانس، ۶ کنوانسیون بین‌المللی کار به تصویب رسید که شامل



یافت، و سازمان نقش جهانی را به عهده گرفت، کشورهای صنعتی در برابر کشورهای در حال توسعه به حداقل رسید، بودجه سازمان به پنج برابر افزایش یافت و تعداد مشاغل رسمی چهار برابر گردید.

در سال ۱۹۶۰ سازمان بین‌المللی کار یک مؤسسه آموزشی بین‌المللی برای تحصیل کارگران در مقر اصلی در زینو تاسیس نمود و یک مرکز آموزش بین‌المللی در سال ۱۹۶۵ در تورین تشکیل داد. در سال ۱۹۴۹، ILO جایزه صلح نوبل را در گرامیداشت پنجاه‌مین سال تاسیس خود دریافت نمود.

ویلفرد جنکر انگلیسی دبیرکل ILO از سال ۱۹۷۰ تا زمان فوت اش یعنی تا سال ۱۹۷۳ با مشکلات سیاسی کارگران که ناشی از مقابله شرق و غرب بود روپرتو بود. دانش عمیق وی از ILO باعث پشتیبانی وی در کارش بود. در حقیقت او کمک کننده یاور ادوارد فلان در تهیه بیانیه فیلadelفیا بود. وی یک کارشناس حقوقی مشهور بود، او در دفاع از حقوق بشر، در روش تهیه قوانین سه جانبه گرائی و قدرت معنوی ILO در مشکلات و مسائل بین‌المللی، ثابت قدم بود. او کمک های بزرگی به توسعه استانداردها و مکانیزم سرپرستی کار آنها و به ویژه در ارتقاء آزادی انجمن‌ها و حق تشكل‌ها انجام داد.

فرانسیس بلانچارد نماینده رسمی پیشین دولت فرانسه پس از او سرپرستی ILO را به عهده گرفت. آقای بلانچارد بخش مهم شغلی خود را با ILO سپری نمود و نقش بسیار مهمی در بخش توسعه همکاری‌های فنی ایفا نمود. او از نظر سیاسی و هم از نظر اعتقاد راسخ خود از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۹ و با قدرت، ۱۵ سال در پست خود باقی ماند. او در جلوگیری از وارد شدن خسارت سنگین به ILO در هنگامی که آمریکا انصراف خود را از عضویت در ILO اعلام نمود و در حدود یک چهارم از بودجه ILO کاهش پیدا کرد، موفقیت زیادی داشت.

آمریکا مجدداً در شروع کار ریگان رئیس جمهور آمریکا به ILO بازگشت. در طول این دوره، سازمان بین‌المللی کار با عزم راسخ کار روی موضوع حقوق بشر را دنبال نمود. از این رو

وی را به عهده داشت، جانشین او شد و از همان ابتدا با فشار زیاد بیکاری مواجه گردید. در این دوره نمایندگان کارگران و کارفرمایان در موضوع کاهش ساعت کار با یکدیگر مقابله می نمودند.

در سال ۱۹۳۴، در زمان ریاست فرانکلین روزولت که ایالات متحده آمریکا جزو اتحادیه سازمان ملل نبود، به عضویت سازمان بین‌المللی کار در آمد.

در سال ۱۹۳۹، جان وینانت آمریکایی که فرماندار پیشین New Hampshire بود ابتدا رئیس سیستم تامین اجتماعی آمریکا شد و سپس جانشین دبیرکل ILO گردید، بعداً پس از استعفای هارولد باتلر جانشین وی شد. مهمترین کار وی ۱۹۴۰ آماده کردن سازمان برای جنگ قریب الوقوع بود. در ماه می ۱۹۴۰ وضعیت در کشور سوئیس، تهدید و متنزی کردن آن کشور در قلب اروپا در خلال جنگ بود که دبیرکل را مجبور نمود مقر اصلی سازمان را به مونترآل کانادا تغییر مکان دهد.

در سال ۱۹۴۱ آقای ادوارد فلان نامزد دبیرکلی ILO گردید. وی آشنایی کاملی با ILO داشت و در تهیه پیش‌نویس اساسنامه ILO مشارکت داشت. او مجدداً نقش مهم خود را در اجلاس فیلadelفیا در کنفرانس بین‌المللی کار در اوسط جنگ جهانی دوم ایفا نمود که در این کنفرانس نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران از ۴۱ کشور حضور داشتند. نمایندگان، بیانیه فیلadelفیا را که ضمیمه اساسنامه بود به تصویب رساندند که در واقع منشور اهداف ILO را تشکیل میداد.

در سال ۱۹۴۸ همچنان که ادوارد فلان ریاست ILO را به عهده داشت در کنفرانس بین‌المللی کار، کنوانسیون شماره ۸۷ در ارتباط با آزادی انجمن‌ها و حق تشكل به تصویب رسید. در سال ۱۹۴۸ یک آمریکایی به نام دیوید مورس که نقش مهمی در دستگاه اجرایی هری ترمن ایفا کرده بود به عنوان رئیس ILO منصب گردید که تا سال ۱۹۷۰ در سمت خود باقی ماند. در طول دوره ۲۲ ساله خدمت وی تعداد کشورهای عضو به دو برابر افزایش



چه در کشورهای غنی را سرلوحه کار خود قرار داده است. سازمان کار برای نائل شدن به اهداف خود، از طریق ارتقاء حقوق افراد در کار، ترغیب فرصت‌ها برای استخدام آبرومندانه، ارتقاء پوشش‌های اجتماعی و تقویت تبادل نظر و گفتگو در موضوعات کاری، اقدام می‌نماید ILO محل اجلاس‌های بین‌المللی در خصوص موضوعات کاری در سطح جهان می‌باشد.

وجود کارشناسان خبره در کار به ویژه در بخش‌های مهم و حساس، نقش مهمی در دسترسی به توسعه اقتصادی و پیشرفت دارد. ماموریت اصلی ILO کمک به کشورها در دستیابی به انجمان‌هایی است که بتوانند دمکراسی را در آن کشورها برای افراد ایجاد نمایند.

ILO استانداردهای بین‌المللی کار را در شکل کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌ها با در نظر گرفتن حداقل استانداردها درباره حقوق کارگری، آزادی انجمان‌ها، حق تشکل، داد و ستد، الغای کار اجری، فرصت‌ها و رفتار برابر و سایر استانداردهای مربوط به موضوعات کاری را تنظیم و تدوین می‌نماید. کارهای گوناگون ILO در ۴ هدف استراتژیک به صورت ذیل جمع‌بندی گردیده است:

۱. ارتقاء و واقیت بخشیدن به استانداردها و اصول اساسی حقوق کاری
۲. ایجاد فرصت‌های بیشتر برای زنان و مردان برای دستیابی به استخدام آبرومند و حقوق مکفى
۳. ارتقاء پوشش‌های اجتماعی و مؤثر برای همه
۴. تقویت سه جانبه گرایی و گفتگوهای اجتماعی

ILO ساختار

سازمان بین‌المللی کار وظایف خود را از طریق سه بخش اصلی که هر یک دارای ترکیب واحد مستقلی از سازمان بین‌المللی کار هستند یعنی ساختار سه جانبه (دولت، کارفرمایان، کارگران) انجام می‌دهد.

نقش بزرگی در صدور اعلامیه آزادی بردگان لهستان از دیکتاتوری موجود از طریق حمایت و در حقانیت و مشروعیت اتحاد و یکپارچگی بر اساس کنوانسیون ۸۷ در ارتباط با آزادی انجمان‌ها که لهستان در سال ۱۹۵۷ آن را تصویب نمود، ایفا کرد.

در سال ۱۹۸۹، میشل هانسن وزیر پیشین امور کار و خدمات غیردولتی بلژیک، اولین دبیرکل دوران جنگ سرد شد. در سال ۱۹۹۳ مجدداً به دبیرکلی انتخاب گردید، او نشان داد که نخستین مسئولیت وی با تمام اختیارات معنوی، مهارت‌های تخصصی و اثربخشی اداری که ILO در طول ۷۵ سال ارائه داد، هدایت ILO به سوی قرن بیست و یکم است. در مقابل چالش‌های جدید، او در نظر داشت ابزاری در اختیار ILO قرار دهد که نقش کاملی در شوراهای بین‌المللی عمدۀ در موارد اقتصادی و توسعه تامین اجتماعی ایفا نماید تا بتواند بع عدالت اجتماعی خدمتی انجام دهد. وی ILO را در مسیری قرار داد که فعالیتها و منابع را به سوی غیرمتمرکز شدن در خارج از ژینو و تحت سیاست مشارکتی ILO انجام شود.

در چهارم مارس ۱۹۹۹، Juan Somavia که حرفه وکالت را داشت جایگاه نهمین دبیر کلی ILO را به دست آورد. آقای سوماویا مشاغل بسیار برجسته و طولانی در امور بین‌المللی و خصوصی را تجربه کرده بود و هم‌زمان رئیس شورای آماده سازی جهانی برای توسعه تامین اجتماعی (تشکیل شده در ۱۹۹۵ در کپنه‌اگ) و رئیس امور اقتصادی سازمان ملل و شورای تامین اجتماعی (از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴) بود. او پس سفیر کشور شیلی را نیز به عهده داشت و به عنوان مشاور وزیر خارجه شیلی در امور اقتصادی و اجتماعی کار می‌کرد. او در ۲۱ آپریل ۱۹۴۱ به دنیا آمد و درجات تحصیلی خود را در رشته حقوق و اقتصاد از دانشگاه کاتولیک شیلی و دانشگاه پاریس کسب نمود.

ILO اهداف

سازمان بین‌المللی کار، کار شایسته و آبرومند و معیشت، امنیت و استاندارد زندگی بهتر برای مردم چه در کشورهای فقیر و



۱۰ عدد از کرسی‌های نمایندگان دولت به طور دائم به کشورهایی که از نظر اهمیت صنعتی مقام بالاتری دارند اختصاص داده شده است. نمایندگان سایر کشورهای عضو از طریق کنفرانس هر سه سال یکبار با در نظر گرفتن توزیع جغرافیایی انتخاب می‌شوند و همچنین کارفرمایان و کارگران به ترتیب نمایندگان خود را نیز انتخاب می‌کنند.

۳. دفتر بین‌المللی کار

دیرخانه دائمی سازمان بین‌المللی کار، کانون کلیه فعالیت‌هایی است که تحت نظر هیأت مدیره و تحت سرپرستی دیر کل که هر پنج سال یکبار انتخاب می‌شود و قابل تمدید نیز می‌باشد، کار می‌کند.

دیرخانه فوق دارای ۱۹۰۰ کارمند رسمی از ۱۱۰ کشور مختلف در مقر اصلی ILO در ژینو می‌باشد و نیز دارای ۴۰ دفتر وابسته در سرتاسر جهان می‌باشد. علاوه بر آن تقریباً ۶۰۰ کارشناس ماموریت‌های محله را در تمام مناطق جهان تحت برنامه همکاری‌های فنی انجام می‌دهند. همچنین دیرخانه شامل یک مرکز اسناد و تحقیق و مرکزی برای چاپ نشریات ILO در سطح گسترده از مطالعات انجام شده، گزارشات و غیره می‌باشد.



۱. کنفرانس بین‌المللی کار

کشورهای عضو ILO هر ساله در ماه جون در ژینو در جلسات کنفرانس بین‌المللی کار شرکت می‌نمایند. هر کشور دارای دو نماینده از طرف دولت، یک نماینده از طرف کارفرمایان و یک نماینده از طرف کارگران می‌باشد که از طریق مشاوران فنی پشتیبانی می‌شوند. معمولاً کابینه وزراء مسئول امور کارگری در کشورهای خود که سرپرست نمایندگان می‌باشد در جلسه، نقطه نظرات دولت خود را ارائه می‌دهند. نمایندگان کارفرمایان و کارگران می‌توانند نقطه نظرات خود را بیان کنند و بر اساس دستورات رسیده از کشورشان رای می‌دهند. گاهی اوقات آنها بر علیه یکدیگر و حتی بر علیه نمایندگان دولتهای خود رای می‌دهند.

کنفرانس نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کند، ILO استانداردهای بین‌المللی کار را تدوین و تصویب می‌کند. کنفرانس به مثابه مرکزی است که مشکلات کاری و اجتماعی مهم مطرح در دنیا در آن مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین کنفرانس بودجه سازمان را تصویب و اعضای هیأت مدیره را انتخاب می‌کند.

۲. هیأت مدیره

هیأت مدیره در ارتباط با سیاست گذاری ILO تصمیم‌گیری می‌کنند. آنها برنامه و بودجه ILO را تدوین و سپس جهت تصویب به کنفرانس ارسال می‌نمایند. همچنین مسئول انتخاب دیر کل نیز می‌باشند. هیأت مدیره مشکل از ۲۸ نماینده دولت، ۱۴ نماینده کارفرمایان و ۱۴ نماینده کارگران می‌باشد.



ماستر دبت کارت غضنفر بانک

مشتریان محترم می توانند با ماستردبت کارت غضنفر بانک هر مرتبه مبلغ 200 دالر امریکایی و یا معادل آن به افغانی از طریق ماشین های ATM دریافت نمایند.

مقدار معامله در یک روز:

- معاملات نقدی: 5 مرتبه – مبلغ مجموعی 1000 دالر
- خریداری از طریق ماشین های پاز: 15 مرتبه – مبلغ مجموعی 7500 دالر

+93(0)792 214 214



اسدالله خسروی

بانکداری اسلامی در کشورهای اروپایی!

عملکرد بیش از ۵۰۰ موسسه بزرگ مالی به همراه زیرمجموعه های وسیع آنها درجهان نشان می دهد که از این تعداد ۲۸۰ موسسه بزرگ بر پایه سیستم بانکداری اسلامی رفتار کرده و هر روز نیز بر تعداد آنها در دنیا افزوده می شود زیرا سیستم بانکداری اسلامی بر پایه معامله پول با خدمات، طراحی شده و کار در این بانک ها محور فعالیت به شمار می رود.

از سوی دیگر تولید پول در این نوع بانکداری از کار حاصل می شود که چنین امری به موفقیت سیستم بانکی منجر شده است. در چنین شرایطی برخی بانک های اروپایی نیز با دایر کردن غرفه بانکداری اسلامی در کنار سایر فعالیت های بانکی

بانکداری اسلامی اکنون قابلیت های خود را در اقتصاد جهانی نشان داده و اینک بخش عمده ای از نظام بانکی دنیا را معطوف خود کرده است. اینمی نسبی بانک های اسلامی در مقابل بحرانهای مالی بین المللی سبب شده که این شیوه بانکداری درجهان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

اقتصاد اسلامی

مطابق پژوهش های به عمل آمده بانک هایی که به روال سیستم بانکداری اسلامی رفتار می کنند تاکنون کمترین زیان را از بحران مالی جهان متحمل شده که این خود نشان از موفقیت قوانین مالی اسلام در اقتصاد دارد. همچنین با مطالعه



زمینه تجارت و صنعت به طور مستقیم یا با مشارکت دیگران سرمایه گذاری می کردند و منافع حاصله را بین سپرده گذاران خود تقسیم می کردند.

اقتصاد اسلامی

بانک اجتماعی ناصر در سال ۱۹۷۱ در مصر تاسیس شد و به عنوان یک بانک تجاری که بر اساس نفی بهره فعالیت می کرد، اعلام موجودیت کرد و به تدریج بانک های اسلامی در کشورهای خاورمیانه اعلام موجودیت کرد و موج بانک های اسلامی به آسیای جنوب شرقی سرتاسری کرد. قدم دوم در مسیر بانکداری اسلامی در سال ۱۹۷۰ بود که در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی دولت مصر و پاکستان به صورت مشترک از تاسیس بانک بین المللی اسلامی حمایت کردند. در نهایت در سال ۱۹۷۵ با مطالعه ۳ ساله دولت مصر در جهت تاسیس ساختار نهاد بانک اسلامی بانک توسعه اسلامی تاسیس شد.

گرچه بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف توسعه یافته است ولی بین روش های بکارگیری در بانکداری اسلامی که در کشورهای مختلف به کار می رود تفاوت هایی وجود دارد و همین مسئله عمومی سازی بانکداری اسلامی را مشکل می سازد. البته برخی تاسیس نخستین بانک اسلامی را ابتدا در شهر دبی (امارات متحده عربی) عنوان می کنند که هفت قرن قبل آغاز به کار کرد پس از مصر و دبی شیوه بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی رواج یافت و به تدریج اردن، کویت، لیبیا، سودان، عراق، عربستان، الجزایر و سپس پاکستان، ایران، اندونزیا و مالزیا، افغانستان و چندین کشور دیگر در آسیا و خاورمیانه مبادرت به تاسیس بانکهای اسلامی کردند. این شیوه بانکداری پس از آسیا به اروپا نیز سرتاسری کرد و کشورهایی چون بریتانیا، آلمان و کشورهایی که از جمیعت بالای مسلمان برخوردار بودند بانکداری اسلامی را در کنار بانکداری متعارف سنتی فعال کردند. پس از بحران مالی چند سال اخیر وزیر اقتصاد و مالیه فرانسه نیز اعلام کرد: تشدید بحران مالی جهان موجب شده تا معاملات اسلامی در نظام بانکداری این کشور رشد چشمگیری داشته باشد. وی تصریح کرد: نظام مالی اسلامی تاکید زیادی بر اصول اخلاقی دارد و این نظام می تواند در برابر بحران های مالی بین المللی به خوبی مقاومت کند.

متعارف خود اقدام کرده اند تا در صورت عملکرد سالم و درست این نوع بانکداری، در جهت طراحی بانکداری اسلامی گسترشده تری اقدام نمایند. زیرا نظام بانکی عمومی بارها با بحران مالی مواجه شده و بسیاری از بانک ها را متضرر کرده است. در سیستم بانکداری سود آور کنونی، سودآوریها همواره برمبنای درآمدزایی بول از پول بوده و مردم دیگر چنین شیوه هایی که با تضییع حقوق جامعه، موسسات بزرگ مالی فربه می شوند را قبول ندارند. در واقع توزیع منابع بانکی زمانی عادلانه و دراستای فقرزدایی است که منابع با رعایت هم زمان مولفه های اشتغال و رشد متوازن تخصیص یابند. همچنین سودها و هزینه های بانکی تنها زمانی عادلانه خواهد بود که به صورت سیستمی متناسب با ارزش افزوده ایجاد شده و با مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین شوند.

به هر حال دارایی های بانک های اسلامی جهان اکنون بیش از ۳۵ تا ۴۰ درصد رشد کرده است و در آینده با توسعه بانکداری اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان بخصوص کشورهای عربی، سرمایه بانک های اسلامی همچنان بالا می رود. اگر به تاریخچه تاسیس بانکداری اسلامی نگریسته شود خواهیم دید که بانکداری اسلامی از اواسط دهه ۱۹۷۰ در خاور میانه بوجود آمده است.

چاپ و انتشار کتاب مشهور "البنک الربوی فی الاسلام" اثر سید محمدباقر صدر در اشعه این نظرکار تاثیر زیادی داشت و بسیاری از افراد را به فکر بانکداری اسلامی اندادند. از جمله محمد الفیصل برادر زاده پادشاه عربستان که نخستین بانک های اسلامی را در اواسط دهه ۱۹۷۰ در عربستان، مصر و سودان پایه گذاری کرد. البته ناگفته پیداست که میان استقرار نظام بانکداری اسلامی و تاسیس بانک اسلامی تفاوت وجود دارد، در برخی از کشورهای اسلامی به معنای واقعی بانکداری غیر ربوی استقرار است در حالیکه در بسیاری از ممالک دیگر بانک های اسلامی در داخل یک نظام بانکداری سنتی و ربوی ایجاد شده است. برخی از کارشناسان اقتصاد اسلامی معتقدند که تلاش ها جهت اسلامی کردن بانکداری به اوایل دهه ۱۹۴۰ برمی گردد. ولی اولین بانک اسلامی که به صورت منسجم فعالیت می کرد، در سال ۱۹۶۳ در مصر افتتاح شد و این تجربه تا سال ۱۹۶۷ ادامه داشت و تا این زمان تعداد ۹ فقره از این بانک ها در این کشور ایجاد شده بود. این بانک ها نه بهره داده و نه می گرفتند و در



بانکی باید جریان داشته باشد. در بانکداری سنتی به جهت حاکمیت نظام سرمایه داری از یک سو و ماهیت حقوقی حاکم بر روابط بانک از سوی دیگر، عناصر اصلی مشارکت کننده در عملیات بانکی (سپرده گذاران، بانک و متقاضیان تسهیلات)، عناصر کاملاً مجزا از هم بوده و هر یک به دنبال منافع خاص خود می باشد که در مواردی نیز این منافع در تقابل هم قرار می گیرند. در نقطه مقابل این وضعیت بانکداری اسلامی است در این بانک به جهت حاکمیت نظام اقتصادی اسلام از یک سو و ماهیت حقوقی روابط مالی از سوی دیگر، عناصر اصلی مشارکت کننده در عملیات بانکی را به هم گره زده و مجموعه ای واحد با منافعی مشترک با ویژگی های خاص به وجود می آورد. یکی از ویژگی های برجسته نظام اقتصادی اسلام نسبت به سایر نظام های اقتصادی در آن است که نه منافع فردی را فدای منافع اجتماع می کند و نه به خاطر منافع فرد مصالح جامعه را نادیده می گیرد.

مطابق قوانین بانکداری بدون ربای برخی از کشور ها، بانک و کیل سرمایه گذاران است و به مقتضای وکالت متعهد است منابع آنان را در فعالیت های اقتصادی سودآور سرمایه گذاری کرده و سود حاصله را بعد از کسر حق الوکاله، در اختیار سپرده گذاران قرار می دهد. بنابراین مسئولین و سیاست گذاران نظام بانکی وظیفه دارند مصالح جامعه را از طریق رعایت منافع سپرده گذاران تحقق بخشنند. آنگونه که در طرح تحول اقتصادی با محوریت اصلاح ساختار نظام بانکی بر ساماندهی بانکداری اسلامی و رعایت شیوه منطقی و اصولی عقود قرارداد ها تاکید شده است.

منبع: بخش اقتصاد تبیان

اولیویر باستری، استاد دانشگاه پاریس نیز در این رابطه گفته است: تصمیم دولت فرانسه برای از بین بردن محدودیت های موجود برای عقد قراردادهای اسلامی در سیستم بانکداری فرانسه، نشانگر تلاش پاریس برای جذب سرمایه گذاران مسلمان است تا مسلمانان نیز بتوانند در چارچوب عقود اسلامی در بانک های فرانسه سرمایه گذاری کنند وی افزود: سیستم بانکداری اسلامی می تواند در هر شرایطی نقش مهمی در نظام بانکی جهان ایفا کند.

یکی از ویژگی های بانکداری اسلامی کاهش ریسک و احتمال زیان است، ولی در بانکداری ربوی چون ممکن است سود به موقع پرداخت نشود احتمال شکست بالا است. ربوی بودن شیوه عملکرد بانکهای به اصطلاح اسلامی باعث شد تا اقتصاددانان مسلمان را در دهه های اخیر با حذف ربا از نظام بانکی، نظام پولی جدیدی را براساس عقود شرعی طراحی کنند و حدود سی سال است که این نظام در خیلی از کشورهای اسلامی و غیراسلامی اجرا می شود. نگرانی خیلی از دانشمندان مسلمان در حوزه پول و بانک این بوده که فقط حذف ربا از نظام بانکی کافی نیست و برای اسلامی شدن نظام بانکی، لازم است آموزه های اقتصادی اسلام نیز تأمین شود و نظام بانکی براساس آن اصول و مبانی طراحی گردد.

منافع بانکداری اسلامی

یکی از اساسی ترین اصول نظام اقتصادی اسلام، عدالت است که در همه عرصه های نظام اقتصادی از جمله نظام





چگونه اقتصاد خانواده خود را مدیریت کنیم؟

خانوادگی و... در اختیار دارد که قابل تبدیل به پول نیست اما نقش منابع مادی هم آن قدر اهمیت دارد که کارشناسان مدیریت اقتصاد، خانواده را یکی از ارکان تحقق رویای خوبیختی و موفق عنوان می‌کنند. شیوه مدیریت اقتصادی خانواده‌ها، بخش عمدہ‌ای از هویت آنان را تشکیل داده، رونق و شکوفایی اقتصادی، رشد و ترقی خانواده را در پی خواهد داشت.

انتخاب، قلب اقتصاد خانواده

خانواده دوست دارد بهترین نوع غذا را مصرف کند، زیباترین لباس‌ها را برای اعضای خود تهیه کند، در بهترین نقطه شهر و در بهترین منزل زندگی کند، بهترین وسایل و امکانات را در اختیار داشته باشد، به طور مکرر سفر برود، بهترین آموزش‌ها را

ارسطو اقتصاد را علم تدبیر منزل می‌دانست اما هنر اقتصاد خانواده به معنی برقراری تعادل میان درآمد و مخارج است و تأمین اقتصادی یکی از رموز بقای خانواده‌هاست.

اقتصاد خانواده را می‌توان چگونگی سازماندهی و مدیریت منابع خانه تعریف کرد. می‌توان فهرست کاملی از زمان، پول، فضای زندگی و... تهیه کرد. شاید اقلام این فهرست متفاوت به نظر برسد، ولی همه آنها دارای یک ویژگی مشترک هستند. ویژگی همه این اقلام در زندگی امروز این است که کمیاب هستند. حتماً شنیده‌اید که مردم می‌گویند ای کاش وقت بیشتری داشتم، ای کاش خانه بزرگ‌تری داشتم، ای کاش پول بیشتری داشتم و... هرچند که خانواده به غیراز منابع مادی، منابعی نظیر عشق، وحدت خانواده، خاطرات خوش، لحظه‌های شادمانه



هنگام مواجهه با کمود بودجه‌شان یک متمم بودجه بیاورند و هزینه‌های اضافی را حذف کنند بنابراین باید قادر باشند هزینه‌ها را مدیریت کنند.

آنچه اقتصاد خانواده را منحصر به فرد می‌کند وجود ارتباطات درونی بین نقش‌های شغلی و خانوادگی است. با این وجود نباید فعالیت‌های اقتصاد خانواده را شوخی و سرگرمی دانست بلکه باید با جدیت و برنامه‌ریزی دقیق آنها را پیگیری کرد. این بدان معناست که تمام اعضای خانواده موظفند از سیاست‌های اقتصادی خانواده در جهت پیشبرد اهداف آن تعیت کنند. مدیریت اقتصادی خانواده در شرایط عادی باید براساس میزان درآمدهای هر یک از اعضای خانواده و هزینه‌ها تنظیم شود. همان‌طور که در خانواده، والدین باید مدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی را اعمال کنند، در بحث هزینه‌کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مدیریت است.

راهکارهای پیشنهادی برای دوام اقتصاد خانواده

۱. برنامه‌ریزی برای آینده اقتصاد خانواده

بدون تردید در تمامی خانواده‌ها برنامه‌ریزی برای آینده زندگی مطرح است. خانواده و اقتصاد آن را نمی‌توان از هم مجرزا کرد، بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه‌ریزی می‌کنیم، ناگزیریم دیگری را نیز مدنظر قرار دهیم. توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد. این کار برای تمام اعضای خانواده مفید خواهد بود. می‌توان جلسات خانوادگی را روی این موارد متمرکز کرد.

۲. انجام مشاوره‌های اقتصادی

بعضًا خانواده‌ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند و یا اینکه با مسائل و مشکلاتی مواجه می‌شوند که به تنهایی از عهده آنان بر نمی‌آیند. امروزه منابع و مراجع بسیاری تحت عنوان اقتصاد خانواده وجود دارد. شناخت مرجع شایسته و مراجعه به آن و کسب مشاوره صحیح است. از منابع بالقوه اطلاعات و مشاوره می‌توان به دولستان و آشنايان، اقام، اعضای خانواده، همکاران شغلی و... اشاره کرد.

برای فرزندان خود فراهم کند و.... واقعیت این است که اگرچه این درخواست‌ها به وسیله همه خانواده‌ها مطرح می‌شود اما واضح است که فقط درصد کمی از خانواده‌ها قادر به تأمین همه این خواسته‌ها هستند. درآمد یک خانواده متوسط فقط می‌تواند تعداد محدودی از این خواسته‌ها را برآورده کند؛ از این‌رو خانواده باید از میان خواسته‌های خود اولویت‌ها را انتخاب کند.

اینکه چه و چه قدر مصرف کنیم، چه کسی کار کند، چند ساعت کار کند، در کجای شهر زندگی کنیم، آپارتمان داشته باشیم با چند اتاق و... پرسش‌هایی است که هر روز در خانواده‌ها مطرح است. پاسخ به همه پرسش‌های بالا مستلزم تصمیم‌گیری و انتخاب است و به همین دلیل انتخاب، قلب اقتصاد خانواده است.

چگونگی مصارف خانواده و انتخاب اولویت‌ها بسیار مهم است. واضح است اگر یکی از اعضای خانواده قسمت بیشتری از درآمد خانواده را به خود اختصاص دهد، سهم کمتری برای دیگری می‌ماند. در اینجا یک راه حل طلایی برای حل مسئله توزیع مناسب منابع خانواده پیشنهاد می‌کنیم: لیستی از خواسته‌های افراد خانواده تهیه کنید. انتخاب‌های ممکن را بتوانیم. انتخاب‌ها را آنقدر با هم بررسی کنید که به بهترین انتخاب با توجه به درآمدتان دست یابید. زیرا عمل هریک بر دیگری اثر می‌گذارد.

بهترین و اقتصادی‌ترین انتخاب برای خانواده، انتخابی است که بیشترین رضایت خاطر (خشوندی) را برای خانواده به بار آورد. اقتصاددانان به جای رضایت خاطر از یک اصطلاح علمی به اسم مطلوبیت استفاده می‌کنند. آنها می‌گویند بهترین انتخاب، انتخابی است که بیشترین مطلوبیت را برای خانواده ایجاد کند.

راهکارهای موفقیت در اقتصاد خانواده

اقتصاد خانواده تنها محدود به خانواده‌های مرffe و ثروتمند نیست. این علم برای اشاره کم درآمد که دخل و خرج شان همخوانی ندارد کاربردهای بیشتری خواهد داشت. از نکات قابل توجه در اقتصاد خانواده این است که افزایش درآمد، به معنی بهبود معاش خانواده نیست بلکه افزایش درآمد افزایش هزینه‌ها را به دنبال خواهد داشت و این مدیریت هزینه‌های است که هنر گردانندگان اقتصاد خانواده را آشکار می‌کند. خانواده‌ها نمی‌توانند



چگونه اقتصاد خانواده خود را مدیریت کنیم؟

خانواده مدیریت نشود، اقتصاد خانواده دچار مشکل می‌شود. همان طور که نقش زن در جامعه سنتی در قناعت، بسیار چشمگیر بوده است، در جوامع مدرن هم در گرایش یا عدم گرایش افراد خانواده به مصرف گرایی بسیار مؤثر است. زن می‌تواند با استفاده از جایگاه ویژه‌ای که از لحاظ احساسات و عواطف در خانواده دارد، روی الگوی مصرف و نظام اقتصادی خانواده تأثیر مستقیم داشته باشد.

افزایش بهره‌وری در خانواده

برای کاهش هزینه خانواده، قبل از استفاده از هر روشی، قیمت روش‌های مختلف را با هم مقایسه کنید. آن گاه از روشی استفاده کنید که ضمن تحقق خواسته نهایی و ایجاد مطلوبیت در خانواده، پایین‌ترین هزینه را داشته باشد. مثلاً در انتخاب وسایل زندگی با توجه به قیمت انواع کالا و در نظر گرفتن کیفیت هر کدام، موردی را انتخاب کنید که در عین ارزان‌تر بودن، از کیفیت بالایی برخوردار باشد و برای استفاده شما مناسب باشد.

در زندگی خانوادگی باید تصمیمات مختلفی اتخاذ شود. می‌توان بودجه خانواده را به کالای مصرفی بادوام مثل یخچال، تلویزیون، وسایط نقلیه، مسکن یا... اختصاص داد یا آن را برای کالای مصرفی بی‌دوام صرف کرد. یعنی ما همواره باید موازب باشیم تا انتخابی را انجام دهیم که اولاً بین در آمد و هزینه‌ها تعادل برقرار باشد؛ یعنی امکان پذیر باشد ثانیاً با توجه به تفاوت در ترجیحات، سلیقه، فرهنگ حاکم در جامعه و خانواده انتخابی را داشته باشیم که وقتی به آن انتخاب دست یافتیم، بهمنظور تغییر آن، تلاش دوباره‌ای انجام نشود.

اهمیت زمان و برنامه‌ریزی در اقتصاد خانواده

زمان، منبعی در اختیار همه افراد است. این منبع مهم دارای ویژگی‌های خاص خود است که از سایر منابع که نزد فرد و خانواده قرار دارد، متمایز است. زمان منبعی محدود است که نه قابل ذخیره کردن است و نه برگشت‌پذیر. آهنگ آن را نمی‌توان تندری کرد. لذا منبعی است که باید در قبال آنچه به دست می‌آید، صرف شود. از آنجا که انسان در قبال هرچه که در اختیار دارد، مسئول است، در مقابل زمان نیز مسئول است. با این نگرش نسبت به زمان، برنامه‌ریزی زمان برای خود و خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع برنامه‌ریزی خانواده بهمنظور

۳. افزایش سطح دانش اقتصادی خانواده

ابتدا باید ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی برای خانواده ها، کتاب‌ها و نشریات است. ارائه آموزش‌های لازم به فرزندان و ارتقای سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می‌تواند زمینه خوبی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی باشد.

۴. روحیه همکاری بین اعضای خانواده

تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همچنین اولویت‌بندی نیازهای اقتصادی سبب تقویت و سلامت اقتصاد خانواده می‌شود.

جایگاه فرزندان در اقتصاد خانواده

نقش کودکان و فرزندان به عنوان یکی از مصرف‌کنندگان عمده در خانواده‌ها از یک سو و همچنین جایگاه آنان در آینده اقتصاد خانواده‌ها از سوی دیگر لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می‌کند. با رهبری صحیح و بهجا در اقتصاد خانواده، خصوصیات جمع‌گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه‌جویی، مسئولیت‌پذیری و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می‌یابد. هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبودها و محدودیت‌های اقتصادی خانواده‌ها می‌تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت‌نگری آنان نقش مهمی ایفا کند.

زنان و مدیریت اقتصاد خانواده

زنان نقش اساسی در مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصاد خانواده دارند و در جوامع سنتی این نقش پر رنگ‌تر است. برخی از کارشناسان مصرف را کلید فهم تحولات اجتماعی بیان می‌کنند چرا که بر این اساس واقعیت خانواده را بهتر می‌توان شناخت. در قدیم مصرف صرفاً یک رفتار اقتصادی بیان می‌شد به‌طوری که افراد غنی به لحاظ درآمد بالا، از کالاهای بیشتری هم مصرف می‌کردند، حال آنکه امروزه مصرف وسیله‌ای شده که افراد شخصیت خود را با آن به دیگران نشان می‌دهند؛ در واقع مصرف به یک رفتار اجتماعی تبدیل شده است.

با توجه به جایگاهی که زن در خانواده به عنوان مادر و فردی که در انتقال ارزش‌های اخلاقی به نسل بعد مؤثر است، می‌تواند در اصلاح الگوی مصرفی نقش بسیار مهمی داشته باشد. اگر در خانواده‌ای مصرف و استفاده از کالاهای مصرفی توسط مادر



برنامه‌های بلندمدت، خانواده باید برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت هم تهیه کند. در برنامه میان مدت که در راستای برنامه بلندمدت تنظیم می‌شود خانواده باید نیازها و امکانات خود را شناسایی کرده تا بهترین شیوه را اتخاذ کند. مثلاً در موضوع دانشگاه رفتن بچه‌ها، خانواده باید زمینه تحصیل در محیط‌های مناسب پیش از دانشگاه، در دوره ابتدایی و لیسه را برای فرزندان در برنامه میان مدت فراهم کند. به همین ترتیب لازم است که برای دستیابی به اهداف برنامه میان مدت، چند برنامه کوتاه مدت نیز پیش روی خانواده قرار بگیرد.

کارشناسان اقتصادی معتقدند پس از این مرحله، یعنی برنامه‌ریزی و انتخاب خطمنشی برای تحقق اهداف این برنامه‌ها، موفقیت به روی خانواده‌ها لبخند می‌زند، فقط کافی است خودخواهی را از خود دور کنیم و چشم‌مان به جمال فدکار، با صداقت، همراه و همدم و جمع‌گرای اعضای خانواده‌ها روشن شود.

Resource: Taamolnews

استفاده بهینه از زمان، نخستین قدم در راه برنامه‌ریزی اقتصادی خانواده است.

خانواده‌ی بدون برنامه مانند نهادی است که به حال خود رها شده است. اهداف تشکیل‌دهندگان خانواده محقق نمی‌شود مگر آنکه رئیس و مدیر خانه برای رسیدن به اهداف مورد نظرشان با شناخت کافی از امکانات و منابع دست داشته خود، برنامه‌ریزی داشته باشند. نخست باید چارچوب اهداف کلی خانواده تعیین شود، آنگاه کل برنامه به برنامه‌ها و هدف‌های کوچک‌تر برای رسیدن به هدف اصلی تقسیم شود. از این‌رو برنامه‌ریزی در ۳ افق زمانی بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت ضرورت دارد. در برنامه‌ریزی بلندمدت خانواده، با توجه به منابعی نظیر ثروت و درآمد و زمانی که در اختیار دارد، اهداف بلندمدت خود را تعیین می‌کند.

طبعی است اهداف دراز مدت نمی‌تواند یک‌شیه تحقق پیدا کند بلکه احتیاج به پیش زمینه‌هایی دارد. از این‌رو به همراه



تمویل مالی و قرضه های غضنفر بانک
تجارت و اقتصاد شما را
استحکام و رونق می بخشد





وحید اسلام زاده

نقش پول در اقتصاد اجتماعی

حساس و ضعیفی برای زندگی انسان مدرن است. تا قبل از ۱۶۰۰ میلادی تصور عمومی این بود که پول مانند خون باید در رگ های جامعه جاری باشد. گرددش خون در انسان باید روان باشد، پول اضافی در جامعه یعنی چربی اضافی در رگ ها. در این زمان خون از حرکت روان باز می ماند.



پول برای سهولت مبادله اجناس و خرید و فروش متولد شد. در هر دوره ای و در مناطق گوناگون کالاهای مختلفی نقش پول را بازی می کردند، در برخی مناطق پارچه، در برخی دیگر نمک و الی آخر. کامل ترین بحث در زمینه پول و پیدایش آن را کارل مارکس در جلد اول کتاب سرمایه انجام داده است. هسته اصلی پول جدید در اروپا شکل گرفت. همانطور که پول ابتدایی خارج از اروپا وجود داشت، پولی که ما امروزه می شناسیم محصول اروپاست. پیروزی پول امروزی بر پول ابتدایی یعنی پیروزی اقتصاد اروپاست. پیروزی پول امروزی بر اولیه است اما این پیروزی دلیل بر آن نیست که اقتصاد اولیه از بین رفته باشد. امروزه نیز آثاری از اقتصاد اولیه در اقتصادهای پیشرفتی وجود دارد. در ابتدا پول فلزی را با چند نوع فلز ضرب می کردند اغلب از طلا، نقره و مس. ارزش هر کدام از این فلزات نشان دهنده مقدار پول بود. مثلاً پول مسی را به عنوان

بول واقعیتی است که تمامی روابط اقتصادی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. امروزه پول معیار بسیار قوی در تحلیل و برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر بدون پول نمی توان هیچ برنامه ای را تدارک دید. پول در تمامی زوایای زندگی انسان نفوذ کرده است. فرنان برودل در کتاب فوق العاده اش معتقد است پول کار انسانی را کالا و خود انسان را به یک شئی تبدیل کرده است.

مسلمان امروزه دیگر پول تنها عامل مبادله نیست بلکه وظیفه تغییر یافته اش تسلط بر انسان هاست. پول ناشناخته نبوده که نوآوری در قرون اخیر باشد. از زمان باستان تا به امروز اندیشه پول در ذهن بشر بوده است اما در قرون اخیر پول زندگی انسان را از آرامش خارج کرده و به تشویش دائمی انداخته است. چرا می گوییم تشویش دائمی؟ چون امکان حذف پول نه تنها از زندگی اجتماعی انسان ها وجود ندارد، بلکه اقتصاد بدون پول امروزه در اندیشه هیچ اقتصاددانی نمی گنجد. پول باعث شده اقلام کالاهای بسیاری در سرتاسر جهان به گردش درآید. حقیقتاً بسیاری از این کالاهای نه تنها نیازی را بر نمی آورد بلکه مشکل آفرین و باعث می شود انسان ها از زندگی منظم و آسوده خود دور شوند. پول از بالا تا پائین فاصله ایجاد می کند. پول اختلاف ایجاد می کند بین دو دوست اما می تواند در ظاهر بین دوست و دشمن ایجاد دوستی کند. این خطر بسیار بزرگ و مهم پول است. پول ناهنجاری می آفریند. پول عقده های پنهانی و نیازهای کاذب می سازد و همیشه انسان را در حالت بدھکاری قرار می دهد.

وقتی پول معیار سنجش شد، اصل و ماهیت اشیا از بین می رود. پول است که می سنجد چه کالایی خوب است و چه کالایی بد. قیمت و بهای نقدی می تواند ماهیت اشیا را تغییر دهد. اینجا نه دیگر هوش و استعداد و اندیشه انسانی مطرح است و نه ارزش نیروی کار انسانی. کالای کار انسانی توسط شئی دیگر قیمت گذاری می شود. حتی قیمت اندیشه و کار انسانی نیز توسط پول تعیین می شود. تلاش انسان همگی برای رسیدن به پول است، نه انجام کار انسانی بر پایه اندیشه انسانی. این نقطه بسیار



تنظیم پول می کنند، به تناسب نوسانات بازار، ارزش سکه طلا یا نقره را به این امید بالا می برند تا مگر تعادل و برابری دو فلز از نو برقرار شود. حال اگر این افزایش از لحاظ اقتصادی موجه باشد، هیچ اتفاقی نمی افتد اما اگر افزایش مثلاً سکه طلا خیلی باشد سکه های طلا کشورهای همسایه سیل آسا وارد کشوری می شود که طلا در آن گران تر است. اگر این موقعیت ادامه یابد، پول طلایی که بهای آن بی رویه افزایش یافته، نقش پول بد را بازی می کند به همین دلیل پول، نقره را از میدان بیرون می کند. قانون ساده اما اصولی در اقتصاد وجود دارد که اگر پول رایج یک کشور فراوان باشد دو بیماری نسبتاً لاعلاج به وجود می آورد؛

۱- خروج فلزات گرانبهای. ۲- بی ارزش شدن پول و عدم سرمایه گذاری.

مورد اول باعث خالی شدن پشتوانه پولی کشور می شود. مورد دوم همان تورم و افزایش بی حد قیمت هاست. اروپاییان در قرون وسطی حرص جنون آمیزی نسبت به فلزات و زینت آلات طلا پیدا کردند و بعد از آن به جمع آوری سکه های طلا پرداختند. مثلاً شاهزادگان هسپانیوی صندوق های مملو از طلا و جواهرات داشتند. این نوع جمع آوری باعث شد که در اروپا رکود پول به وجود آید. اروپاییان مجبور بودند برای اقتصاد پولی بهتر و مفیدتر پول معیاری را ایجاد کنند که به پول خیالی مشهور بود. این پول خیالی کم کم تبدیل به ارز شد. در مقطع های معینی از تاریخ، پول معیار همان پول واقعی بود مانند پوند استرلینگ. در خلال پیشرفت اقتصادی که با انقلاب قیمت ها از سده پانزدهم همراه بود، سرعت گردش پول با همان آهنگ سایر اجزای معادله افزایش یافت. قانون ایروینگ فیشر این نکته را بیان می کند که اگر تولید، حجم پول و قیمت ها پنج برابر شوند، سرعت گردش پول نیز پنج برابر خواهد شد.

اقتصاددان های کلاسیک، گردش پول را سرچشمه ثروت و توضیح دهنده تناقض های مبهم می دانستند. به نقل از فرنان برودل، یکی از این اقتصاددان ها می نویسد: در محاصره شهر تورنی در سال ۱۷۴۵ و قطع ارتباط، پول برای پرداخت حقوق افراد قرارگاه موجود نبود. یکی گفت که هفت هزار فلوون از خوارکه فروشان شهر قرض کنند و این همه پول موجود مغازه داران بود. نکته جالب اینجاست که در آخر هفته تمامی هفت هزار

بول خرد استفاده می کردند. هر فلزی با سکه هایش در رشته معینی از مبادرات به کار گرفته می شد. در یک نظام منحصر به سکه های طلا، انجام معاملات کوچک در معاملات خرید و فروش روزمره بسیار دشوار خواهد بود. از طرف دیگر انجام معاملات بزرگ در نظامی محدود به سکه های مسی نیز مشکلات عدیده ای را پدید می آورد. در حقیقت هر فلزی نقش خاص خود را ایفا می کرد. طلا در خدمت امرا، تجار بزرگ و حتی کلیسا بود. نقره در سطح معمولی و مردم عادی دست به دست می چرخید و مس نیز به پول سیاه معروف بود و به فقرا می رسید. نوع و مقدار فلزی که در نظام اقتصادی به کار می رفت نشان سلامت و قدرت آن نظام بود. در نیمه اول قرن هفدهم تجار اغلب پول مسی را از خود دور می کردند.

اگر مس را پول ارزشمندی به حساب نیاوریم رقابت بین طلا و نقره رقابت تاریخی است که تا به امروز ادامه داشته است. اصولاً معتقدند که در وزن برابر طلا ۱۲ برابر نقره ارزش دارد. این تفاوت برحسب موقعیت اقتصادی بالا و پایین می شود. اکثر موقع طلا در اوج بود اما نقره هیچ گاه ارزش و قدر خود را از دست نداده و حالتی ثابت داشته است. تا قبل از قرن پانزدهم رابطه این دو فلز ثابت بود اما از قرن پانزدهم تا شانزدهم پلۀ ترازوی ضریب ارزشی طلا بالا بود. اما باز دوباره نقره اعلام وجود کرده و خود را به طلا نزدیک کرد. از قرن سیزدهم تا شانزدهم (یا بهتر تا ۱۵۵۰) نقره یکه تاز میدان بود. علت این امر هم این است که دارندگان شمش نقره با رواج فراوان طلا موجب شدند که طلا به آسانی در دسترس قرار گیرد یعنی زمانی بود که سکه های طلا راحت تر از نقره به دست می آمد. اما از سال ۱۵۵۰ به بعد این وضعیت شامل حال نقره شد. نقره به حالت متورم درآمد و طلا کمیاب شد. در علم اقتصاد اینگونه نوسانات که به سهولت مشمول قانونی قرار می گیرند را قانون گریشام می نامند.

فرمول این قانون اینگونه است: پول بد، پول خوب را از گردش بیرون می کند. سکه های طلا یا نقره هر یک به نوبه خود این نقش را بازی می کردند که پول کمتر خوب، پول خوب تر را از بازار بیرون براند یا به عبارت دیگر، آن را درون کیسه محکران و پول اندوزان بریزد؛ بازی یی که به شرایط درازمدت بستگی دارد. طبعاً این فعالیت خود به خودی می تواند بر اثر اقدامات بی موقع دولت ها به خطر افتاد زیرا دولت ها که وقت خود را پیوسته صرف



تر خواهد بود و هر چه ضعیف باشد حرکت، کند خواهد بود. در اقتصاد نیز اگر پول و چرخش آن سریع باشد اقتصاد قوی خواهد بود و هرچه کند باشد اقتصاد ضعیف خواهد شد. اما رشد این دو باید همزمان باشد. اقتصاد وقتی دچار بیماری می شود که یکی از اینان رشد کند یا حتی پسرفت داشته باشد. اگر پول متورم شود ولی حرکتی نداشته باشد اقتصاد بیماری خواهیم داشت که نه تنها حرکت نمی کند بلکه ایستاده و در مدتی دیگر زمان مرگش فرا می رسد.

در بین سه نوع پول فوق الذکر، برات مهم ترین سند اعتباری است. روز به روز در مسائل اقتصادی برات مقبولیت بیشتری می یابد. به عنوان مثال در قرن هجدهم در تمامی بازارهای جهان برات رایج بود. در آن زمان ها عملاً برات به دو طریق استفاده می شد؛ طریق اول: وسیله پرداختی بود برای تجارت با فاصله های دور. این نقش رسمی برات بود. طریق دوم: برات ها شیوه عادی قرض گرفتن شده بود. کسی که در خرید و فروش برات ها دست داشت آشکارا رباخواری می کرد. به طور کلی اروپایی سده هجدهم بسیار پیشرفته بود خصوصاً در قلمرو پول. حتی مقیاس های این قرن نسبت به قرن شانزدهم تغییرات اساسی ۲۰ یا ۳۰ برابری یافته بود. این تحولات محدود به چند ملت و چند مقر بازار می شد. به طوری که در قرن هجدهم ضرب آهنگ زندگی از غرب تا شرق نه تنها یکسان نبود، بلکه تفاوت های اساسی داشت. برلین در فساد سفته بازی غرق بود و در روسیه سکه نقره و طلا نداشت، تنها سکه رایج آنجا مس بود. باز هم تصویر دنیاهای همزیست را می یابیم؛ دنیای مدرن و دنیایی بسیار مدرن، جهانی عقب مانده و جهانی بسیار عقب مانده را در کنار هم می بینیم که ظاهرآً بسیار از هم دورند اما در عین حال در پیوند اقتصادی با یکدیگر روزگار می گذرانند؛ گاه تصویر دنیای شهری در کنار دنیای روستایی و گاه کشوری پیشرفته در کنار منطقه ای ریشه دوانده در زندگی سنتی به چشم می خورد. در پایان شاید تاکید این نکته لازم باشد و آن اینکه تکان و جنبش سده های عصر جدید، اقتصادهای ابتدایی را به دنبال خود به حرکت درآورد. گاه در مناطق عقب مانده ای که به زور وادر می شدند به هر قیمت، به شاهراه ترقی و تجدد قدم نهند، این روندی مشقت بار و دردآور بود.

منبع : وبسایت

فلورن بار دیگر به جیب خوراکه فروشان سرازیر شده و دوباره از آنان قرض گرفته شد. هفت هفته داد و گرفت ادامه یافت تا اینکه شهر تسليم شد اما این هفت هزار فلورن کار ۴۹ هزار فلورن را انجام داد.

برای فهم بهتر و بیشتر پول و نقش اجتماعی - اقتصادی آن، واژه کلیدی، تهاتر است. تهاتر رویه متدال در داد و ستد منطقه مدیترانه محسوب می شد. قبل از سده پانزدهم مرج و ادویه در مقابل رخت و ترئینات شیشه ای در وینز مبادله می شد و پول نقد مطالبه نمی شد. بعدها پول، وارد مبادلات اقتصادی شد. به طور کلی تهاتر به سه مفهوم برداشت می شود؛ اول تهاتر ساده: مبادله رخت با غذا. دوم تهاتری که نیمی به پول بود و نیمی به کالا. سوم تهاتری که تسویه حساب مبادله به تاریخ معینی به آینده موكول می شود. اگر بتوان سه نوع پول در نظر گرفت؛ اسکناس، اعتباری و دفتری، مرزهای روشنی بین آنها وجود دارد. دفتر آنست که به فرض من برای شما کاری انجام می دهم و شما بعداً پولش را به من می پردازید.

اعتباری آنست که شما حواله یا قبضی بهادر دارید و آن را فروخته و پولی را دریافت می کنید. برای مردمان قرن پانزدهم پول معماًی حل نشده بود چه رسد به داد و گرفت و استاد مکتب که مسلماً به نظرشان مساله ای شیطانی بود اما مردم به زودی از این شوک بیرون آمده و پیشرفتهای فراوانی در راه بانکداری حاصل شد. نوآوری بانک انگلستان در آن بود که علاوه بر کارکردهای پس انداز و تسویه حساب، وظایف دیگری هم بر کار بانک ها افزود که صدور اسکناس و اعطای مقادیر زیادی اعتبار از آن جمله بود. این پیشرفت بانک ها کمک بزرگی برای دولت و بازارگانان شد چرا که حجم پول را افزایش داد. تئوری سوداگرانه به پول در گردش، توجهی خاص دارد و آن را به خودی خود ثروتی تلقی می کند که درست بسان رودخانه ای است که قدرتش باعث به جریان افتادن مبادله و تکمیل آن می شود و حجم آن موجب تنبدی یا کندی مبادلات مذکور می شود. پول یا اقلام پولی، در این تئوری هم حجم بود و هم نیروی محركه یعنی هم نیروی محركه خودش و نیز نیروی محركه تجاری که با آن انجام می شد؛ درست مانند موتوری که نیروی حرکتیش ماشین و تایر هایش باشد. هر چه ماشین و چرخ ها قوی باشند حرکت سریع



جشن صنایع ملی در مزار شریف

این نمایشگاه با حضور «عطاطا محمد نور» سرپرست مقام ولایت بلخ، «همایون رسا» وزیر تجارت و صنایع، «محمد قربان حقجو» رئیس اداره حمایت از سرمایه گذاری (آیسا) شماری از نمایندگان شورای ملی، بازارگانان و مسئولان ادارات دولتی برگزار گردیده بود.

محترم همایون رسا وزیر تجارت و صنایع کشور طی سخنانی گفت: اقتصاد و تجارت افغانستان نو پا است، به حمایت همه‌ی اقشار جامعه نیازمند است. وی افزد: عدم توازن در روند

نمایشگاه صنایع ملی تحت عنوان «جشن صنایع ملی» از سوی اداره حمایت از سرمایه گذاری (آیسا) در تاریخ ۱۶ ثور ۱۳۹۵ خورشیدی برای مدت ۴ روز در شهر مزار شریف برگزار شد.

در این نمایشگاه محصولات بیش از ۹۰ شرکت داخلی از بخش‌های مختلف صنعتی و تولیدی از جمله مواد خوارکی، صنایع دستی، قالین، سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی، محصولات کشاورزی، مشروبات غیر الکلی، لوازم خانگی، البسه، مواد ساختمانی و ادویه به نمایش گذاشته شده بود.

عطاء محمد نور، سپرپست ولايت بلخ در بخشی از سخنان خود گفت: "حکومت در جریان سال های گذشته و کمک های میلیونی جامعه جهانی، در امر خود کفایی و تقویت تولیدهای داخلی کار موثری انجام نداده است". آقای نور افزود: "اگر ما در طی ۱۵ سال گذشته از داشته ها و امکانات داخلی خود استفاده می کردیم، اکنون ما به پای خود ایستاده می بودیم و نیازمند دیگران نمی بودیم."

قریان حقجو رئیس اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان (آیسا)، در بخشی از سخنان خود گفت: تعهد حکومت وحدت ملی افغانستان در راستای پیشرفت تولید داخلی جدی است؛ زیرا میزان بیکاری، فقر و کسر بیلانس تجاری در حالت افزایش است.

قابل ذکر است که این گفته ها در حالی صورت می گیرد که بازرگانان و تاجران ملی همواره در نشست ها و کنفرانس های چند سال گذشته از بی توجهی حکومت در امر حمایت و پشتیبانی از این قشر انتقاد کرده و خواهان توجه حکومت شده اند.

واردات و صادرات کشور و واردات اکثریت کالاهای مورد نیاز از کشور های خارجی از عمدت ترین چالش هایی است که روند رشد اقتصادی کشور را تهدید می کند. وزیر تجارت اضافه کرد: گرچه برخی از تولیدات کشور نمی تواند با اموال وارداتی رقابت کند، اما بسیاری از تولیدات داخلی افغانستان از جمله قالین در بازارهای بین المللی از جایگاه خاصی برخوردار است و در چند سال اخیر رشد و توسعه چشمگیری داشته است. وزیر تجارت افزود: وزارت تجارت و صنایع افغانستان با همکاری سایر ادارات دولتی و نهادهای غیر دولتی که در زمینه رشد اقتصادی و تجاری کار می کند، برنامه های لازم حمایتی را طرح ریزی کرده تا تولیدات داخلی رشد و توسعه یابد.

وزیر تجارت و صنایع گفت: افغانستان توانایی آن را دارد که تا چند سال آینده ظرفیت صادرات خوبی را تا چند برابر افزایش دهد. آقای رسا به طرز العملی در وزارت تجارت و صنایع کشور اشاره کرد و گفت: این وزارت با همکاری سایر وزارت خانه ها یک پلان عمل را ساخته است که با تطبیق آن از یک طرف سرمایه گذاران در کشور حمایت می شوند از طرف دیگر وضعیت اقتصادی بهبود می یابد.





برگزاری نمایشگاه زراعتی در ولایت بلخ

این نمایشگاه شامل ۹۰ غرفه از ۵ ولایت شمال و شمال شرق بوده که توسط محترم احمد نوید برات معاول اول اتاق تجارت، محترم الحاج خیر الدین مایل عضو هیأت مدیره اتاق تجارت افغانستان، محترم نصیر قاسمی آمر اجراییه اتاق، محترم احمد ولی سنگر نماینده ولایت، محترم کاتب شمس رئیس زراعت بلخ، هیرمنوس مسئول دفتر GIZ و تعدادی از تجار و سرمایه گذاران افتتاح گردید.

قابل یادآوریست که بیش از ده هزار نفر از این نمایشگاه بازدید نمودند.

اتاق تجارت و صنایع ولایت بلخ همواره در تلاش رشد تجارت و جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در کشور به ویژه ولایت بلخ بوده و این بار نیز به سلسله برنامه های قبلی خویش نمایشگاه زراعتی بلخ را به همکاری دفتر محترم GIZ-SEDEP در تاریخ ۹ ثور ۱۳۹۵ خورشیدی برای مدت دو روز در مارکیت میوه خشک مزارشریف برگزار نمود.



پروژه انتقال برق "کاسا یک هزار" رسماً به کار آغاز کرد

هزارها خانه را در افغانستان و پاکستان روشن خواهد کرد و می‌شود آن را یک پل انرژی بین آسیای میانه و جنوب آسیا خواند.

مقامات وزارت انرژی و آب کشور گفته اند که یک دستگاه تبدیل ولتاژ بلند (قوی) در پلخمری، مرکز ولایت بغلان در شمال افغانستان ایجاد خواهد شد. این ایستگاه، برق مورد نیاز افغانستان را که بالغ بر ۳۰۰ مگاوات می‌شود، تامین و بقیه به پاکستان منتقل می‌شود.

قابل یادآوریست که هزینه این طرح حدود یک میلیارد و ۱۷ میلیون دلار آمریکایی پیش‌بینی شده است. تا کنون بانک جهانی، دولتهای آمریکا و بریتانیا، بانک سرمایه‌گذاری اروپایی و بانک توسعه اسلامی وعده پرداخت این هزینه را داده‌اند.

طرح انتقال برق موسوم به "کاسا یک هزار" در تاریخ ۲۳ تور ۱۳۹۵ خورشیدی با شرکت نمایندگان عالی‌رتبه تاجیکستان، افغانستان، قرقیزستان و پاکستان رسماً افتتاح شد.

طرح "کاسا یک هزار" برق قرقیزستان و تاجیکستان را از طریق خطوط انتقال انرژی با طول ۱۲۵۰ کیلومتر به افغانستان و بعد به پاکستان منتقل می‌کند. در چارچوب این طرح دهها کیلومتر خطوط جدید برق در این کشورها ساخته خواهد شد. مقام‌های این کشورها اجرای این طرح را تحول مثبت و سازنده در منطقه خوانده‌اند. هزینه طرح "کاسا یک هزار" بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده و نیمی از این مبلغ را بانک جهانی تأمین می‌کند.

این طرح که مقدمات آن ۱۰ سال پیش در کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (ریکا) بی‌ریزی شده بود، قرار است تا چهار سال دیگر مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ طرحی که





گشايش بند سلما

گامي به سوي خود کفائي
افغانستان در توليد انرژي

ترکمنستان و ايران تامين می شود. اين بند ظرفيت ذخیره بيش از ۶۴۰ متر مكعب آب را دارا است و پيش بینی می شود که حدود ۸۰ هزار هكتار زمين کشاورزی را در ولایت هرات آبياري کند. از بند سلما برای آبياري زمين هاي زراعتي و توليد برق، استفاده خواهد شد. اين بند داراي ۳ توربين خواهد بود که همه آنها ظرفيت توليد ۴۲ مگاوات برق را خواهند داشت. تمدید پايه هاي برق از اين بند تا مرکز شهر هرات که حدود ۱۷۰ کيلومتر فاصله است، تكميل شده است. کار احداث بند سلما با هزينه ۷۰ ميليون دالر از محل شروع به انجام رسيد. همچنان که اين بند سلما با هزينه ۲۹۰ ميليون دالري اين پروژه را تصويب کرد.

بند سلما از پروژه هاي بزرگ دولت محمد داودخان، نخستين رئيس جمهوري کشور بود که در سال ۱۹۷۶ به کمک هند آغاز شد. کار اعماري بند سلما پس از ۲۷ سال توقف، در ۲۰۰۵ دوباره آغاز شد. شركت 'اپکاس' هند برای بار دوم مسئوليت اعماري اين بند را به عهده گرفت. به باور تحليلگران بند سلما که يكی از بزرگترین پروژه هاي زيربنائي افغانستان در چند دهه اخير به شمار می رود، می تواند تاثير قابل ملاحظه بر وضعیت اقتصادي مردم و مخصوصاً کشاورزان غرب کشور بگذارد.

قابل يادآوریست که افغانستان همین اکنون بيشترین برق خود را از کشورهای ایران، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبیکستان وارد می کند.

منبع: بى بى سى و پیام آفتاب

بند سلما یا بند دوستی افغان - هند در تاریخ ۱۵ جوزای ۱۳۹۵ خورشیدی توسط محمد اشرف غنی رئيس جمهوري افغانستان و ناریندرا مودی صدراعظم کشور هندوستان در ولسوالی چشت هرات روی دریای هریرود افتتاح شد.

رئيس جمهوري محمد اشرف غنی با تفویض مصال غازی امان الله خان به صدراعظم هندوستان، از کمک و همياري آن کشور به افغانستان قدردانی نمود. رئيس جمهوري کشور در بخشی از سخنان خود گفت: گرچه برخی از کشورها در بي تخریب افغانستان هستند، اما افغانستان و هندوستان هميشه در تلاشند تا اين کشور را آباد بسازند. وی از تمام کمکهایی که کشور هندوستان در همه بخش‌ها در افغانستان صرف نموده بود، به نیکی يادآوری کرد.

صدراعظم هندوستان اعماري بند برق سلما و سفرش به افغانستان به منظور افتتاح اين پروژه را نشانی از حمایت دوامدار دھلي جديid از افغانستان خواند. وی با اشاره به بهبود روابط بين افغانستان و هند گفت: روابط ميان افغانستان و هند يك روابط دوامدار است که يك دليل آن همبستگي گسترده هند ظرف يك دھءه گذشته با افغانستان در بخش ملکي می باشد.

بند سلما در شرق ولایت هرات و در ولسوالی چشت شریف موقعیت دارد. برق هرات در حال حاضر از کشورهای



خدمات جدید غضنفر بانک

حساب ثروت

مفاد هر سه ماه بعد
پرداخت می گردد.

مفاد ۳٪ سالانه



حساب گنج

مفاد هر ماه
پرداخت می گردد.

مفاد ۳,۵٪ سالانه



+93 (0) 798 786 786 / +93 (0) 797 860 003

mainbranch@ghazanfarbank.com

سخنرانی محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در سمپوزیم بین المللی امیر علی شیر نوایی



افغانستان په خلکو باندې لوی حق لري، بلکې ټول بشري
تمدن یې د کوبنېښونو او خدمتونو مرهون او منت بار دی.
نوایي از ماست، مګر از تمام دنیاست.

امیر علی شیر نوایی بحیث یک نویسنده، شاعر،
مدبر سیاسی و شخصیت بزرگ عمرانی، به تمام بشریت خیر
رسانده و در تاریخ افغانستان مقام بلندی را کمایی کرده
است. وي در زبان ازبیکی- ترکی ما در تاریخ معاصر مقام
مشابه به خوشحال خان ختک دارد، لکه زمود د پښتو ژبې او
ادب په تاریخ کې یې چې خوشحال ختک لري. لکه خنگه
چې خوشحال ختک په پښتو ادب کې د عطف ټکی دی،

حرمتلی مهمان لر، عزیز وطنداشلر، اوز اوینګیز گه
خوش کلیب سیز لر، جلالتمآب الحاج عبدالرشید دوستم معاون اول
ریاست جمهوری افغانستان، جلالتمآب سرور داش معاون دوم
ریاست جمهوری افغانستان، اعضای محترم کابینه و شورای ملی،
سفراي محترم، مهمانان و دانشمندان عزیز و اعضای محترم
کمیسیون برگزاری سمپوزیم نوایی،

السلام عليکم،

خوشحاله یم چې د افغانستان او ټولې سیمې د یو
لوی شخصیت د هڅو، آثارو او افکارو د معرفی لپاره راټول
شوی یو او د هغه چا قدردانی کوو چې نه یوازې د سیمې او



بود. نام نوایی در هر گوشه و کنار هرات و خراسان ماندگار است. بزرگترین تاریخ نویس هرات میر خوند به فرمایش کی نوشت و چی نوشت، به فرمایش نوایی به و لفظ ساده تا تاریخ عام فهم شود. بنابرین نوایی تنها خود را ممکن نساخت بلکه یک فرهنگ کلی فکری و حرکت همه جانبه را ممکن ساخت و این فرهنگ از ستاره های دوران بود بخصوص مناسبات امیر علی شیر نوایی با مرشد و همفکرش مولانا جامی در طریقه نقشبنديه بود. مردم فراموش نکنند که امیر علی شیر نوایی زیادترین تاثیر را بالای طریقه نقشبنديه گذاشته است و زیادترین اوقاف را برای طبقه نقشبنديه ایجاد کرد و طبقه نقشبنديه آن طبقه است که در آزادی افغانستان در صف اول جهاد همپیشه قرار داشته است.

آقایان و خانم ها،

فرهنگ کنونی ما محصول تلاشی است که در خلال چند هزار سال از سوی اقوام مختلف این سرزمین به عمل آمده است. حضور اقوام، اقسام، مذاهب، و زبان های مختلف در درون یک تمدن و همزیستی میان آنها توanst فضایی از تحرک، پویایی و یکجا شدن توانایی ها برای تحقق آرمان های بلند را مساعد گرداند و آن وضعیت درخشان را پدید آورد. این فرهنگ مشترک خود را در ارزش های مشترکی نشان می دهد که با الهام گرفتن از دین مبین اسلام، بزرگان علم و ادب و هنر آن را در آثار خود ترسیم کرده اند. مروری بر اشعار بزرگانی چون سنایی، سعدی، جامی، نوایی، رحمان بابا و خوشحال خان و همچنین خواهان بزرگ ما از رابعه بلخی گرفته تا نازو انا و زرغونه انا نشان می دهد که همه به یک سپهر فرهنگی و تمدنی تعلق داشته اند، و توجه به عدالت و مراءات حقوق مردم از سوی حاکمان و سلاطین وقت در راس این ارزشها قرار می گیرد. امیر علیشیر نوایی در آثار مختلف خود به توصیه های اخلاقی می پردازد و به حاکمان گوشزد می کند که در مورد رعایای خود عدالت را مراءات، و از ظلم و بی انصافی اجتناب کنند. این، همان نیاز جاودانه ای است که بشریت پیوسته برای رسیدن به آن تلاش ورزیده، و با تحقیق آن به سعادت دست یافته است.

دریچه به نظام عادل از نوایی و سایر شخصیت های بزرگ الهام گرفته و هدف ما در این حکومت ایجاد یک نظام عادل است که خواسته های برق نوایی را جامه عمل بپوشاند.

دغسی امیر علی شیر نوایی هم په قول ترکی، او زیبکی ادب کې د عطف تکی او د نوی دوران پیل کوونکی دی.

ادبیات ترکی-او زیبکی در کشور ما همانند ادبیات دری و پشتو اهمیت دارد، اگرچه، متاسفانه، به اندازه ای که سزاوار بوده شناخته نشده، و گاه به فراموشی سپرده شده است، هرگز دوباره به فراموشی سپرده نخواهد شد. بالندگی فرهنگی ما محصول در هم آمیزی استعدادهای بزرگ اقوام و زبان های مختلف بوده است که همه در شکل گیری تمدن ملی این خاک مقدس سهم گرفتند. خوشبختانه قانون اساسی ما بر مساوات همه آحاد مردم ما اعم از هر قوم و زبان و منطقه تاکید نموده و بستر همبستگی ملی را به خوبی هموار کرده، تعهد ما مساوات هر افغان و هر زبان با زبان دیگر است.

کسانی مانند امیر علیشیر نوایی، علاوه بر اینکه خود کتاب هایی ماندگار از خویش به یادگار گذاشتند و گنجینه ای از دانش و حکمت را در آنها برای ما به ودیعت نهادند، همچنان زندگی، کارنامه و نقش تاریخی هر یک از آنان نیز به مثابه کتابی گرانبها است که ما می توانیم با خوانش آن، بر وفق نیازها و مقتضیات عصر خود، به آموختنی هایی تازه دست یابیم، و عبور از تنگگاههای امروز جامعه خود را، بخصوص در عرصه های فکری و فرهنگی، به کمک آنها، آسان و هموار گردانیم.

نهمه هجری پېرى د افغانستان د فرهنگ او ادب د تاریخ یوه خلاته دوره ده. مور په اطمینان سره ویلای شو چې د دغه دوران د فرهنگ او ادب په وده کې د امیر علی شیر نوایی برخه تر بل هر چا زیاته وه. دی نه یوازې پچله لوی شاعر او ادیب و ، بلکې د هنرمندانو او ادبیانو چېر لوی مشوق او حامی و. ده د یوه نهایت خیرمن او نیکوکار انسان په حیث د ګنو جوماتونو، مدرسو، خانقاہ ګانو، روغتونو، حوضونو، حمامونو، پلوونو، رباطونو او نورو عام المنفعه ودانیو په جوړولو کې برخه واخیسته او د خلکو د ژوند له بهتره کولو سره بې مرسته و کړه.

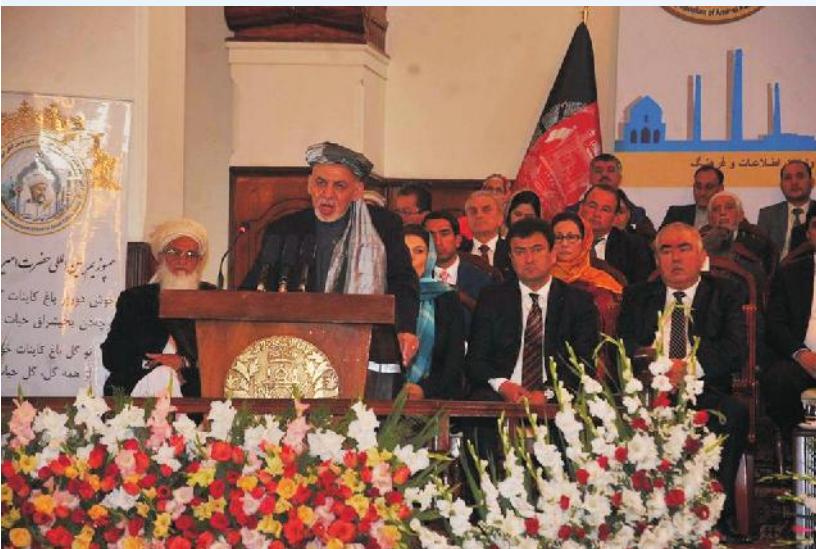
برای یک لحظه فکر کنید که اگر نوایی نمی بود بهزاد می توانست به آزادی کار کند، اگر نوایی نمی بود آیا هرات جاییکه با بر دو ماه گذشتاند و زیادترین تعریف آنرا می کرد، شکوفان می



گرفت، به دستاوردهای اهمیت داده می شد، از سوی آنان مورد تشویق قرار می گرفتند و برای ادامه فعالیت های شان حمایت مادی و معنوی صورت می گرفت. شاهزادگان وقت با عالمان و ادبیان روزگار خود محشور بودند، به مقام و منزلت آنان وقوف داشتند و در امور حکومتداری از دانش و مشوره آنان کمک می گرفتند. امکان ندارد بدون احترام به اهل دانش، گوش دادن به نظرات متخصصان، و اهمیت دادن به سخنان نخبگان و دانایان جامعه کارهای مهم را به پیش برد و به آرمان های بزرگ تحقق بخشید.

همکاری همه جانبی بین علوم دینی که دیدگاه عمومی را تشکیل میداد و علوم متداوله اساس همکاری فرهنگی را گذاشته بود، از همین جهت بود که افغانستان دوره تیموری در خطاطی، نقاشی، موسیقی، شعر و ادب برای پنج قرن آینده بر تمام ترک زبانها، فارسی زبان ها و پشتو زبان ها تاثیرات اساسی گذاشت.

خلاصت دیگر طبقه نقشبندي این است که نامش خلوت در انجمن است، خلوت در انجمن معنایش این است که آدم کار های دنیا را به شکل منظم و همه جانبی تعقیب می کند. قرن ها پیش از اینکه پرووتستانیزم روی اخلاق اگپ بزند، طبقه نقشبنديه اساس ارتباط دین و دنیا را به بهترین صورت ترتیب کرد.



آنان علاوه بر عدالت، به اخوت و همبستگی نیز توجه داشتند و در سخن و عمل می کوشیدند نشان بدھند که برای وصل آمده اند نه برای فصل. رهبران مذهبی که مولانا جامی، مرشد امیر علیشیر نوای در طریقت نقشبندی، یکی از سرآمدان شان بود، در دوری از تعصبات مذهبی زباند بودند و شعر و نثرشان بر این گواهی می دهد. امیر علیشیر نوای خود به دو زبان ترکی- اوزبیکی و دری شعر سرود و آثار ارزشی ای از خود به یادگار گذاشت. نبود شکاف های زبانی و وجود داد و ستد میان آنها از پدیده های قابل توجه در وضعیت فرهنگی آن روزگار است، و این بزرگان خود نمونه ای از آن یکدلی و همنوایی بودند.

ما می دانیم که دوران امیر علیشیر نوای، از دوره های درخشان تاریخ کشور و منطقه ما بوده است؛ دوره ای که گاه به مثابه رنسانس خاور زمین خوانده شده است. باید ببینیم چه عناصری به شکوفایی آن دوره کمک کرد و چگونه شد که آن نهضت بزرگ ادبی، علمی و فرهنگی در این منطقه به راه افتاد و چنان بزرگانی در میان ما پا به عرصه ظهور و حضور و نقش آفرینی نهادند؟

برای پی بردن به راز ظهور چنین نوابنی لازم است که بدانیم چه اوضاع و شرایطی به آن یاری رسانید. هرات در قرن نهم هجری به طور خاص و افغانستان و آسیای میانه به طور عام شاهد تحرک و پویایی بی سابقه ای بود. در آن دوران، هر شهر نقش یک حلقه فکری را داشت، و مردم از یک شهر به شهر در حرکت بودند. مثلا، مولانا جامی درس و تحصیلش را در سمرقند به پیش برد و سپس به هرات برگشت، و نوایی نیز در هرات و چند شهر دیگر به تحصیل علم پرداخت. جامعه شاهد ثبات و استقراری بود که نخبگان سیاسی و فرهنگی، رهبران قومی و اجتماعی، چهره های دینی و مذهبی و دیگر عناصر تاثیر گذار آن دوره بر آن به اجماع رسیده بودند. همه می دانستند که با اجتناب از تشنج آفرینی و کمک به آرامش جامعه می توان به شرایط بهتر رسید.

احترام به دانش و هنر از سوی حاکمان وقت و بها دادن به دستاوردهای علمی و فرهنگی یکی دیگر از مشخصات این دوره تاریخی است. وقتی که نورالدین جامی، کمال الدین بهزاد، میرزا حسین کاشفی، عبدالله لطفی و دیگران کاری در عرصه هنر، ادب و فرهنگ انجام می دادند مورد توجه مسئولان وقت قرار می



و روند اکتشاف و توسعه را با الهام از گذشته تمدنی خویش بر وفق نیازهای امروزین خود به پیش ببریم.

امروز به پاس شخصیت عظیم نوایی اعلام می کنم که بعد از این دولت افغانستان یک مдал خاص را به نام امیر علی شیر نوایی ضرب خواهد زد. چون امیر علی شیر نوایی هم در خانقه و هم در کاخ ها آرام بود و شما عکس اش را در این تالار نمی بینید، اعلام می کنم که بعد از این عکس اش در این تالار گذشته خواهد شد.

جوانان ما باید ریشه های عمیق فرهنگی خود را درکنند، از این جهت تالار سلام خانه برای سلام دادن نخواهد بود، بلکه برای سلام دادن به شخصیت های فرهنگی ما خواهد بود.

بویوک متفکر امیرالکلام علی شیر نوایی علمی سمپوزیم گه تشریف بویوگن لرینگیز اوچون منتدار من.

یشه سین افغانستان
تل دی وی افغانستان
زنده باد افغانستان

تجلیل از مقام و منزلت چهره های علمی و فرهنگی تاریخ ما، مانند امیر علیشیر نوایی، تجلیل از شکوه و شان تمدن ماست. اهمیت امیر علیشیر نوایی در این است که هم نقطه اتصال است و هم نقطه عطف. نقطه اتصال از این جهت است که با جریان های ادبی پیش از خود به خوبی کامل آشنایی داشت، و علاوه بر آن به گشودن دریچه های تعامل میان فرهنگ های زبانی و حوزه های ادبی همت گماشت، و نقطه عطف به لحاظ تأثیرگذاری بر دوره های بعد از خود است، که بر زبان های ترکی تأثیری گسترده گذاشت، و این تأثیر به پنج قرنی که از آن زمان گذشته است خلاصه نمی شود، بلکه در پنج قرن آینده هم شاهد تأثیر نوایی خواهیم بود.

باید به یاد داشته باشیم که فرهنگ پریار دوران تیموریان و آن شرایط اجتماعی بالنده در اثر سیاست های غلط برخی از حاکمان آسیب دید و دستاورد بزرگان علم و ادب و هنر مورد تاراج و یغمای روزگار قرار گرفت.

ما ضرورت داریم که به مبانی تمدنی گذشته و فرهنگ عظیم خود برگردیم و با الهام گرفتن از آن دوره های تاریخی درخشان، دوباره به شکوفایی علم و باوری فرهنگ همت بگماریم

شهلا لطیفی



امیر علیشیر نوایی

اشعار و فرآورده های ادبی امیر علیشیر نوایی به وضاحت می توان دید.

لهذا با کمال شوق، از امیر علیشیر نوایی با همه خصائص بلند انسانی و خلاقیت و روش فصیح ادیانه و اخلاص بزرگوارانه شان به دیگر صاحبدلان و سروده سرایان استقبال می نمایم.

و با ترجمه ای از شعر ترکی امیر علیشیر نوایی برگرفته از یک سایت ادبی، به چنان استعداد درود می گوییم که آراسته شده است با خلاقیت و نوآوری و حق شناسی دیگران.



غريب در غربت شاد نمي گردد

مردم ی آنجا با وی صميمی نيسنند

چنچه گل سرخ را در قفسی زرين نگه دارند

برايش مأوى مطلوبى نيسنت

و حكم خار برای هزارستان را دارد.

از امیر علیشیر نوایی مردی که با درایت و فضیلت انسانی در راه هنر ادبیات خدمات بزرگی نمودند با افتخار می نویسم. من همیشه پویاگری فرامین انسانی و ذهن متوجه را در گسترش هنر ستوده ام. ذهنی که با گرایش به زیبایی های معنوی و هنری بدون تعصب و تنگ نظری با دید و تعمق معانی عمل می نماید. پیشنهاد مبتنی به گفتنی های من در مورد ویژه گی و ارزشمندی امیر علیشیر نوایی مرا ودادشت تا درباره شان بهتر بیاموزم، با تأمل جذابیت شخصیتی و نفوذ وی را درک نمایم تا از ته ای دل در مورد ایشان چند سطری بنویسم.

گرچه با نام این بزرگ مرد آشنا بودم ولیکن درباره گوهر شخصیت شان بیشتر از نام ایشان چیزی نمی دانستم. اما با قدری پژوهش و مطالعه دقیق نکات برجسته ای را درمورد ایشان آموختم که اینجا به دو نکته مورد علاقه من اشاره نموده و ابراز نظر می نمایم:

۱- استعداد چند بُعدی امیر علیشیر نوایی را که واقعاً از اعماق ملکوتی و احساس فطری وی منشاً گرفته بود تحسین می نمایم. وی با همه جسارت و فصاحت زبانی توانستند به دو زبان (فارسی و ترکی) شعر بسرایند. و زبان ترکی که در اصل از عظمت ادبیات چندان بهره نداشت هویت تاریخی ارزنده ای بدهند. و با همت و اوج خودباوری توانستند زیبایی های شگفت انگیزی را به زبان ترکی از خود بجا بگذارند و باعث صیقل دهی زبان ترکی با فراخنای توجه ادبی شوند.

۲- مراتب اخلاص و وفای امیر علیشیر نوایی در مورد دیگر بزرگمردان گذشته و هم عصرش نهایت قابل قدر است. ارادت داشتن به اذهان روشن پیشکسوتان در پهنانی وسیع علمی، هنری و ادبی از بزرگ منشی شخص است. چون یک دانشمند و شخص فرزانه بی تأمل ارزش فرزانگان دیگر را با توانمندی ذهنی و عقلانیت میزان می کند. و به چنان افراد شیفته می شود. که آن شیفته گی و حس حرمت گذاری باعث الهام انگیزی و خلاقیت شگرفی در شخص می شود که مسلماً چنان تأثیرگذاری را در



پیش از
اعیان

تقدیر از کارمندان سخت کوش غضنفر بانک



تقدیر از کارمندان سخت کوش غضنفر بانک

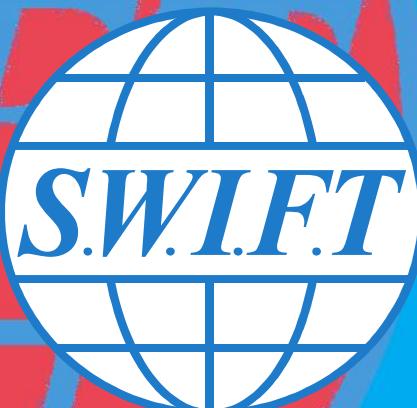


منتقال مصئون و سریع پول از طریق ویسترن یونین و سویفت در غضنفر بازی



سویفت (SWIFT)

غضنفر بانک یکی از بانکهای برجسته کشور و عضوکمیته سویفت می باشد که خدمات و امکانات مصئون و با اعتبار ذیل را پیرامون ارسال و دریافت پول به سراسر جهان در برابر بهای مناسب برای مشتریان خویش عرضه می دارد.



ارسال و دریافت پول

ارایه لیترآف کریدت

ارایه گرنتی های بانکی

دریافت چک های خارجی

ویسترن یونین (Western Union)



moving money for better

امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت بخش و مطمین در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.

دفتر مرکزی:

۵۹۸، سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۸۶۶
mainbranch@ghazanfarbank.com / ۰۷۹۷ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳



تهییه کننده: سید رحمت الله کاظمی



راه های تقویت خودباوری

و زیرینایی نقش مهمی در معنا دادن به فردیت و اجتماعی بودن اعضاً یک جامعه دارد. خودباوری است که هر جامعه ای می‌تواند با در نظر داشت حفظ ارزش‌ها در راستای پیشرفت و ترقی و موفقیت گام‌های بلندی بردارد. بر این اساس، هر فردی باید در جهت تقویت خودباوری خویشتن و دیگران بکوشد. رابطه خودباوری با پیشرفت علمی و تکنولوژی از یک سو و ضرورت تقویت خودباوری در پرتو خذاباوری از سویی دیگر، دو نکته مهم و ضروری در این بحث است. پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی می‌تواند ارتقا‌دهنده روحیه خودباوری در جامعه شود، بنابراین ضروری است در مسیر حرکت به سمت قله‌های علم و تکنولوژی و شکستن مرزهای دانش، هدف گیری ما به سمت علوم و تکنولوژی هایی باشد که بتواند خودباوری ملی را تقویت نماید،

یکی از رموز موفقیت هر فردی در زندگی، داشتن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس به معنای خوداتکایی و نقطه مقابل آن، اعتماد به دیگران است. کسی که اعتماد به نفس نداشته باشد، زبون، بیچاره و ناتوان است و نمی‌تواند از امکانات و استعدادهای درونی خود بهره برداری کند. از دست دادن اعتماد به نفس موجب فلجه شدن فکر و تحدیر روح انسان می‌شود. فرد خودباخته و فاقد اعتماد به نفس، همیشه از خود مأیوس و به دیگران متکی است. او در زندگی، پیشرفت چندانی نخواهد کرد و همواره سایه ناتوانی و شکست بر زندگی اش حکم فرما خواهد بود. مردان بزرگ تاریخ با دریافت این نکته، در همان اوان جوانی، ارزش خود را یافته‌ند و توانایی‌های درونی خویش را کشف کردند و با اتکا و اعتماد به همین توانایی‌ها راه پیروزی را سریع‌تر پیمودند. خودباوری به عنوان یک مقوله بنیادی



باید از اهل کمال و دانش الگو و بهره گرفت، اما این بدین معنا نیست که تمام لحظات عمر را به تماشای توان دیگران و حسرت خوردن بگذرانیم؛ زیرا ما فقط یکبار فرصت زندگی کردن داریم، فرصت ها چون ابر می گذرند. افراد خودشیفته همه را پر مشکل می بینند و همیشه به سرزنش دیگران مشغولند و دائم می گویند: «فلان شخص چنین است و فلان شخص چنان است.» این رفتار نشانه خبائث نفس و عیوب روان آن است. هر که عیب دارد طالب عیوب مردم است. «هر که بی هنر افتاد نظر به عیوب کند.»

کسی که همیشه از دیگران انتقاد می کند و فقط ضعف ها و عیوب دیگران را می بیند، مدعی است که خودش بدون عیوب خطاست و روح و روان او معتل است؟ نحوه ادراک ما از محیط اطراف مان می تواند زندگی را برای ما مشکل و یا سرشار از لذت مبدل سازد. به تلقین که سعی کنید گرفتار افراد خود باخته نشوید.

۳. افراد خودبادر

روح انسان نه دیدنی است و نه لمس کردنی، ولی در صورت صیقل خوردن خواهد درخشید. افراد خودبادر دارای روح صیقل یافته اند. انسان در موقعیت های مختلف، روحیات متفاوتی دارد. در برخی از شرایط تابع و فرمان بردار و در شرایط دیگر، سرکش و نافرمان است. در یک موقعیت، احسان درونی اش به او فرمان می دهد که فلان کار را بکن و گاه هم بی تفاوت می شود. ممکن است در یک لحظه، کیفیت کار برایش مهم نباشد و در لحظه دیگری در مورد کیفیت انجام کار به شدت احساس مسئولیت داشته باشد. نقطه شروع موفقیت هر انسانی، خودشناسی و خودبادری و اعتماد به نفس است. انسانی که خود را نمی شناسد، در مسائل فردی، خانوادگی و اجتماعی و در لحظات بحرانی و حساس زندگی دچار تزلزل و شکست خواهد شد. فرد خودبادر، خویش را می شناسد و این بزرگ ترین قدم به سمت تعالی است. انسانی که همه عواطف و احساسات خود را شناخت و آنها را به عنوان جزئی از وجودش پذیرفت، ضعف هایش را با تشویش کمتری جبران خواهد کرد و در مقابل، نقطه قوت شخصیتش را آسانتر و سریعتر شکوفا خواهد ساخت. انسان خودبادر به یقین می

یعنی ایجاد کننده غرور ملی، ارتقا دهنده امنیت ملی و افزایش دهنده ثروت و رفاه اجتماعی باشد.

از سویی دیگر، ضرورت دارد که «خودبادری» در پرتو «خداواری» باشد تا بتوان دستاوردهای خودبادری را در مسیر صحیح قرار داد و از این راه به جامعه ای دست یافت که هم واحد شاخص های توسعه یافته‌گی روز دنیا باشد و هم واحد شاخص های یک جامعه اسلامی. بنابراین، باید نهاد های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های خود خودبادری و خداباوری را در هم آمیزند تا بتوان همواره در مسیری گام برداشت که شاهد جامعه ای اسلامی و رو به پیشرفت باشیم. افراد از دیدگاه شخصیتی و رفتاری به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. افراد خودبادخته؛
۲. افراد خودشیفته و دیگر شیفته؛
۳. افراد خودبادر.

۱. افراد خودبادخته :

تعداد زیادی از انسان ها دچار «خودبادختگی» عمیقی اند، از آرامش فاصله گرفته و در گرداب هولناک نا امیدی و پاس گرفتارند. این افراد دارای خصوصیاتی مانند کمرویی شدید، احساس حقارت، احساس ناتوانی، احساس تنها و احساس پوچی اند. این حالات ناشی از احساس ناتوانی از کنار آمدن با زندگی اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی است. بنابر این، این دسته از افراد از انطباق خویش با شرایط موجود، عاجز و از رقم زدن آینده مطلوب درمانده اند. آنچه حائز اهمیت است، اینکه تعداد زیادی از این افراد، فکر می کنند مشکلشان ناعلاج و بزرگ ترین مشکل موجود در عالم هستی است و گاهی در این توهمندی به یقین می رسدند. حتی ممکن است توصیه دیگران به آنها برای غلبه بر این حالت، به نظرشان مضحك باشد.

۲. افراد خود شیفته و دیگر شیفته:

این دسته از افراد همیشه کامروایی و بهروزی ها را در خود و یا دیگر افراد مورد نظرشان می بینند و تمام لحظات خویش را صرف تماسا و الگوگیری از دیگران می کنند یا اینکه خود محورند.



۴. عدم ترس از ناکامی ها:

حقیقت این است که چرخ زندگی همواره مطابق میل ما نمی چرخد و روزگار بر وفق مراد پیش نمی رود. در زندگی، شکست و پیروزی، سختی و آسانی و شادی و غم، همراه هم اند. انسان باید یقین داشته باشد که همیشه در کنار سختی ها، آسانی هاست، یعنی همراه با سختی آسانی است. این نوید و وعده الهی است که به دل نور و صفا می بخشند و به پیروزی ها امیدوار می کند و گرد و غبار نالمیدی را از صفحه روح انسان می زداید. پیروزی از انسان شکیبا و بردبار جدا نمی شود؛ هرچند روزگار به درازا بکشد. ادیسون برای اختراع برق، هزار آزمایش انجام داد که تنها یکی از آنها به اختراع گروپ برق انجامید، اما برای او ۹۹۹ آزمایش دیگر شکست نبود. برای دست یابی به اعتماد به نفس، نباید هرگز از شکست ها و ناکامی ها بهراسیم و باید باور داشته باشیم که می توانیم شکست ها را جبران کنیم و همیشه شعار ما این باشد که شکست ما مایهٔ پیروزی ماست و هر ناکامی ما را یک قدم به پیروزی نزدیک می کند.

داند که "رشد و بالندگی، با رکورد و احساس شکست، سازگار نیست.

راه های تقویت خودبادوری

برای اعتماد به نفس راه هایی وجود دارد که انسان با پیمودن آنها، در این مسیر به موفقیت دست خواهد یافت.

۱. خودبادوری در پرتو خداباوری: از جمله این راه ها،

آن است که انسان در همه کارها بر خداوند توکل کند و از او یاری بجوید. کسی که بر او توکل دارد، هرگز یأس و نومیدی به خود راه نمی دهد؛ توکل به خدا، انسان را از انواع وابستگی ها که سرچشمme ذلت و بردگی است، نجات می بخشد. توکل به خدا موجب باورمند شدن شخص به خویش می شود.

۲. دوری از سستی و تنبیلی، بی حوصلگی و سهل

انگاری در کارها: دوری نکردن از این امور، نتیجه ای جز سرخوردگی و باختن اعتماد به نفس ندارد. حتی کسی که در امر دنیای خود بی رغبت باشد، در امر آخرت و امور معنوی نیز رغبتش کمتر است؛ هرگاه سستی و تنبیلی و بی حوصلگی، به صورت عادت برای شخص درآید، موفقیت، سعادت و خیر دنیا و آخرت را از او می سtanد. از بین رفتن موفقیتها باعث سستی اراده و ضعف خودبادوری می گردد. پس باید از بی حوصلگی و تنبیلی بپرهیزیم؛ زیرا این دو کلید هر بدی هستند. کسی که سستی و کسالت به خرج دهد، حق را ادا نخواهد کرد.

۳. استقلال فکری:

انسان باید بکوشد استقلال فکری داشته باشد و مشکلات خویش را خود حل کند و کمتر از کسی کمک بگیرد. البته نکته در خور توجه در اینجا این است که استقلال فکری در امور زندگی به معنای مشورت نکردن نیست؛ زیرا در آن صورت وی جزء انسان های خودشیفتنه می شود. عدم مشورت انسان را شخصی خودبین و متکبر بار می آورد و آن گاه شخص، شیفته خود می شود. انسان باید با پدر و مادر، اهل فن، مربی، استاد، دوستان و ... برای حل مشکلات خود مشورت کند و از آنان کمک بگیرد و پس از مشورت وقتی تصمیم گرفت، توکل بر خدا کند و کار را انجام دهد. مشورت امری پسندیده است که مورد تاکید قرآن مجید هم است.





تضییف اعتماد به نفس

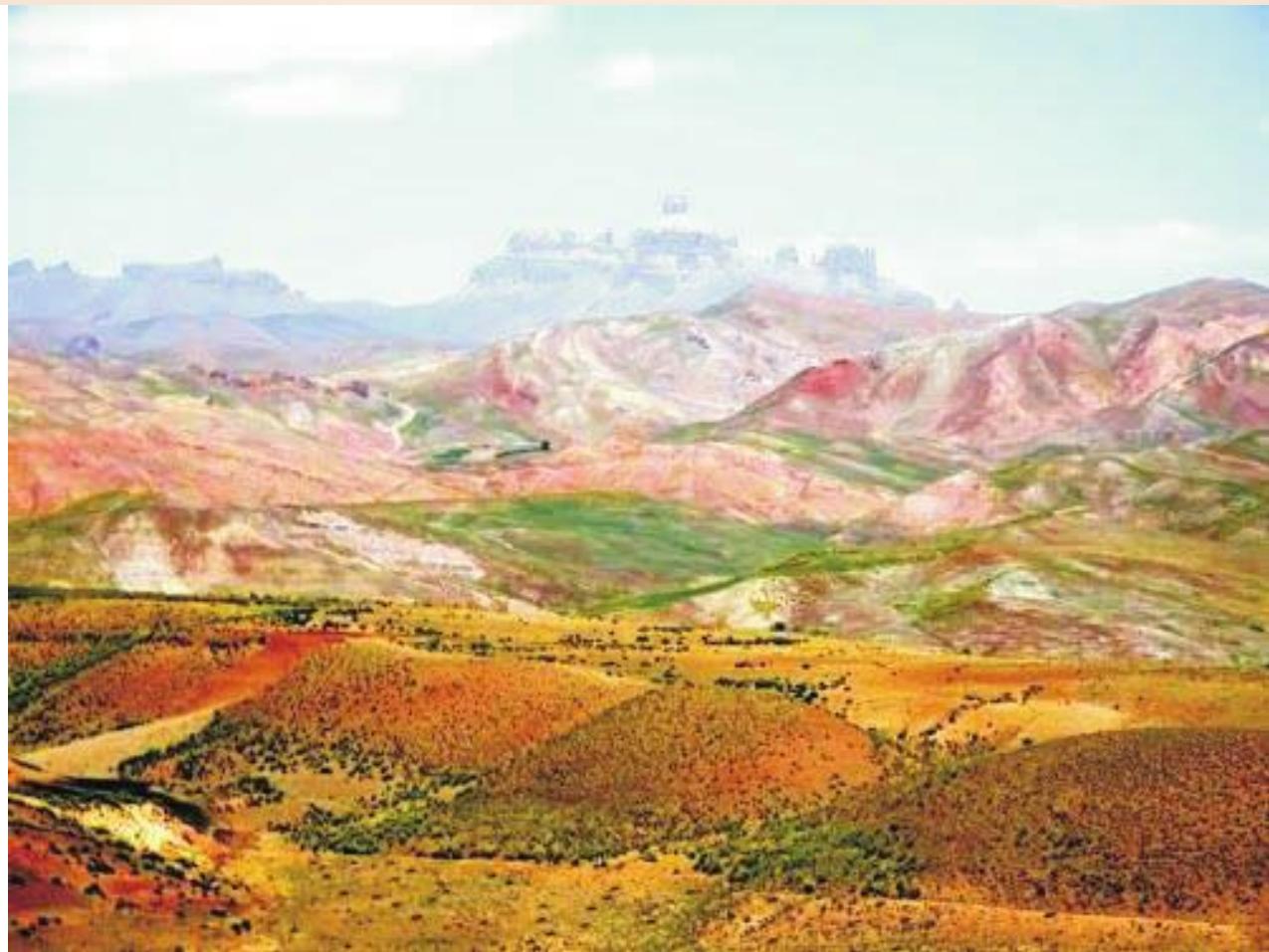
۶. همواره سعی کنید با خواسته های نفسانی و عادات بد و ناپسند مبارزه کنید، مثل تنبلی، بی حوصلگی، راحت طلبی و... .
۷. همواره داشتن اراده قوی و اعتماد به نفس لازم را به خود تلقین کنید برای مثال بگویید: «من می توانم من بر مشکلات پیروز می شوم. من اراده و اعتماد به نفس قوی و پولادین دارم». باید سعی شود از منفی نگری و منفی بینی دوری شود و با نگرش مثبت به مسائل در کسب موفقیت کوشید.
۸. نهادن از شکست و ناکامی، خود گامی به سوی پیروزی است.
۹. دقایقی از روز البته در وقت معینی مثل صبح ها را به ورزش و نرمش اختصاص دهید.
۱۰. همواره سعی کنید توجه خود را به یک کار معطوف دارید و آن را در زمان مشخصی انجام دهید و در یک زمان فکر خود را مشغول چند کار نکنید؛ مثلاً مطالعه همراه با تماشای فیلم و تلویزیون نباشد.
۱۱. در تصمیم گیری ها، سرعت عمل داشته باشید و امروز و فردا نکنید؛ البته عجولانه نیز تصمیم نگیرید (با مشورت و بررسی جواب کار).
۱۲. کارها را به طور کامل انجام دهید و از نیمه کاری و سرسری کارکردن اجتناب بورزید.
۱۳. این باور را به خود القاء کنید که خصوصیات اخلاقی، داشتن استعداد، همیشه ارشی نیست و با کوشش می توان همه آنها را به دست آورد.
۱۴. در انتخاب مدل و رنگ لباس، وسایل زندگی و تحصیل، آرایش سر و صورت و ظاهر و... مقلد دیگران نباشید.



منفی بافی و منفی گرایی در امور زندگی و تحصیل؛ تمام ما بدون استثنای در مدت زندگی خود در معرض برنامه نویسی های منفی قرار داشته ایم. از همان ابتدا تلقین شده ایم که بهراسیم. تلقین شده ایم که بدترین ها را انتظار داشته باشیم، تلقین شده ایم که موفقیت های خود را کوچک بشماریم و در برابر فریب خوردن گارد دفاعی داشته باشیم. به عبارت دیگر، عادت کرده ایم که به مسائل منفی نگاه کنیم. برنامه نویسی های منفی گذشته، می تواند به تصویر بد و احساس عدم امنیت منجر گردد. بنابر این تنها راه برخوردار شدن از روابط مثبت، انسان مثبت بودن است. همه چیز بستگی به ذهن و نگرش ما دارد. ثابت شده است که اگر به ذهن خودمان، مثبت بودن و شاد و موفق بودن را تلقین کنیم. از فرمان ما اطاعت می کند. انسان با هجده هزار میلیارد سلول مغزی متولد شده که در هر لحظه از حیاتش منتظر دستور و راهنمایی است. اگر تصمیم بگیرد به آنها دستور مثبت دهد، از دستورهای او اطاعت خواهد کرد؛ همان طور که از دستورهای منفی او اطاعت خواهد کرد. پس شخص منفی نگر می تواند به جای برنامه نویسی منفی، گذشته را با یک برنامه نویسی برای آینده مثبت تغییر دهد.

توصیه های برای تقویت خودبادوری

۱. توصیه بسیار مهمی که انسان باید نصب العین خود قرار دهد، توکل به خداست ضمن اینکه در راه رسیدن به کمالات، باید از تحصیل اسباب و موجبات آن هم غافل نشویم.
۲. موفقیت های روزانه خود را هرچند کوچک و کم اهمیت باشد یادداشت و علل آن را بررسی کنید و به دنبال موفقیت های بزرگتر باشید.
۳. به انجام وظایف و تکالیف شرعی و دینی پایبند باشید.
۴. پس از کسب موفقیت ها، هیچ گاه منتظر تأیید دیگران نباشید.
۵. سعی کنید استقلال فکری داشته باشید و مشکلات خود را خودتان حل کنید و کمتر از دیگران کمک بگیرید.



کوه عروس یکی از جاذبه‌های گردشگری بامیان

در انتهای دره سرسیز تکاب برگ ولسوالی پنجاب، مشرف به قریه‌های ترغی، مهر و ترپس و خاک چغیر سرقل یکاولنگ موقعیت دارد.

بلندترین نقطه این کوه که از شکوه و جلوه‌های شگفتانگیزی برخوردار است؛ به عروسی سوار بر اسب می‌ماند که گویا خیلی از جمعیت سواره و پیاده به نام خیشو او را بدرقه می‌کنند تا به خانه داماد برسانند.

زمانی که از سمت غربش باستیغ آن کوه دیده شود چنان به‌نظر می‌رسد که گویا نوعروسی سوار بر اسپ در حال فرار به پیش، گروه سواره و لشکر پیاده به قصد اسارت‌ش دورش را حلقه زده‌اند تا مانع رسیدن عروس به خانه بختش شوند.

کوه عروس در شرق کوتل شاطو و در حدود یک‌صد و چهل کیلومتری مرکز بامیان یکی از شاهکارهای طبیعت در این ولایت است که تاکنون کسی نتوانسته به آخرین قله آن قم بگذارد.

در بامیان تنها بند امیر، مجسمه‌های تخریب‌شده بودا، شهرهای تاریخی ضحاک و غلغله، غاریخ سرقاضان و آبشار دره هاجر نیستند که سالانه هزاران گردشگر داخلی و خارجی را فرا می‌خوانند؛ بلکه این سرزمین شگفتانگیز دارای دهها مناظر زیبای طبیعی است که از جذبه‌های ویژه گردشگری برخوردار می‌باشد.

یکی دیگر از جاهای دیدنی بامیان کوه عروس است که با حدود چهارهزار پنج صد متر ارتفاع در امتداد سلسله قلل‌های همیشه پربرف بابا،



افسانه‌های کوه عروس

موسفیدان دایزنگی قصه می‌کنند که در روزگار قدیم در غرب این کوه دختری زندگی می‌کرد که در زیبارویی، کمال و عفت شهرت عام بود، آن طرف کوه پسری می‌زیست که شغل آهنگری داشت، این پسر نیز در شجاعت، دلیری و سخاوتمندی یکه و بی‌مانند بود.

از قضا، روزی این پسر، جهت انجام کاری از غرب کوه به شرق آن سفر می‌کند، در لب چشم می‌نشیند تا جرعه آب بنوش که چشمش میان آب به عکس دختر ماهروی می‌افتد، بی‌درنگ پشت سر خود را نگاه می‌کند و دختر را به بالیش می‌بیند، در دم با تمام وجود عاشق و دلباخته او می‌شود.

پس از مدتی عشقش را به او اظهار نموده، دختر را از بدرش خواستگاری می‌کند. پدر دختر که میر منطقه بوده از شجاعت و سخت‌کوشی پسر خوشش می‌آید و دخترش را به او عقد می‌کند. بعد از هفت شب‌نوروز طوی، داماد از خرسش اجازه می‌گیرد که به زادگاهش برگردد.

او عروسش را سوار اسب کورنگ نموده عازم زادگاهش می‌شود و پدر دختر هم تعدادی موظف می‌سازد که سازوسورونی زده عروس را تا خانه داماد بدرقه کنند. اما گروه از کافران که همه لشکر دیو بودند، آن‌ها را تعقیب می‌کنند، در آخرین قله کوه که می‌رسد، داماد جلو اسب عروس را رها کرده به دفاع از او می‌پردازد.

وقتی داماد زخمی می‌شود، کافران به عروس نزدیک شده می‌خواهد و را اسیر و بی‌عفت کنند. در این هنگام آن عروس پاک‌دل پیش خدایش دعا می‌کند که آنان را از شر کافران نجات دهد و نگذارد دامن عفتش آلوه شود؛ پروردگار دعایش را مستجاب کرده عروس با همه همراهانش تبدیل به سنگ می‌شوند.

هم اکنون در میان مردم دایزنگی افسانه کوه عروس تبدیل به یک باور شده و نماد از عزت و سربلندی می‌باشد، علاوه بر کوه عروس، این ولایت دارای کوههای زیادی می‌باشد هر کدام از آن‌ها قصه‌ها، افسانه‌ها و جذبه‌های توریستی ویژه خود را دارند که از آن جمله می‌شود از کوه دو برادر، کوه لیلی مجnoon و کوه میخ در ولسوالی ورس نام برد.

منبع: با آثار تاریخی و باستانی افغانستان آشنا شوید

جذبه‌های توریستی کوه عروس

بلندی‌های کوه عروس تا نیمه‌های تابستان پوشیده از برف است. یک حوض آب در خمیدگی نزدیک به آخرین قله آن و چندین چشمه زلال نیز در کمرکش آن کوه خودنمایی می‌کند. در عین حال از شمال و جنوب چشمه‌های آب گرم دره علی در یکالونگ و خواجه میر در تگب برگ پنجاب جریان دارد که شکوه ویژه به کوه عروس بخشیده است.

چهار سمت کوه عروس در فصل بهار و تابستان پوشیده از انواع علف، زیره کوهی گل و گیاه است، وقت گل کمی چنان می‌نماید گویا که او پیراهن متحمل سبز گلدار به تن کرده است. این امر جلوه‌های بدیعی از طبیعت را در برابر چشم گردشگران به نمایش می‌گذارد.

احمدحسین احمدپور، امر اطلاعات و فرهنگ ولايت باميان مي‌گويد: «با آن که اطراف کوه عروس گردشگاهی سرشار از زیبایی و طراوت برای توریستان و علاقهمندان به طبیعت است؛ مالداران و زبور داران منطقه نیز هر سال برای چراندن گوسفندان‌شان و تهییه عسل به دامنه‌های آن بیلاق می‌روند».

گردشگران طبیعت از اطراف کوه عروس برای دوستان خود عسل سوغات می‌برند، چون عسل تولید شده در این منطقه که به نام عسل کوه عروس یاد می‌شود از شهرت ویژه‌ای برخوردار است.

کوه عروس مکانی برای حیات وحش

ملا خدابخش یکی از باشندگان دامنه غربی این کوه می‌گوید: «در کوه عروس انواع پرنده‌های مهاجر از جمله باز شکاری، کرکس، باد خورک، کیک، پوپوک، کبوتر کوهی، سنگ کوبیک، بلیل هزار دستان، سیاه گولی و جعد زندگی می‌کنند که گاهی پای صیادان را نیز به دامنه‌های این کوه می‌کشاند».

عبدالرحمان احمدی، یکی دیگر از باشندگان پنجاب علاوه می‌کند: «اطراف این کوه به باغ وحشی می‌ماند که آنجا انواع حیوانات مثل بز کوهی، گله‌های آهو، گرگ، روباه، تبرغون، پیشک کوهی، خرگوش و دله خفک بسیار زیاد دیده می‌شود».

احمدی علاوه می‌کند: «کوه عروس علاوه بر انواع حیوانات وحشی، پرنده‌گان مهاجر و گیاهان طبی، دارای سنگ‌های قیمتی مانند لاجورد، ذُر، فیروزه و ... نیز می‌باشد».



خواص درمانی توت



خواص درمانی توت

در طب چینی، توت ها به عنوان یک عامل تصفیه‌ی خون در نظر گرفته می‌شوند، به این معنا که خون را تمیز کرده، تولید آن را افزایش داده و به طور کلی موجب تقویت کل سیستم خونی می‌شود.

همچنان این عقیده وجود دارد که توت سفید موجب تقویت عملکرد کلیه‌ها می‌شود. یکی دیگر از باورهای موجود در طب چینی این است که توت سفید به طور موثری می‌تواند کبد را پاک و تمیز کند. خوردن توت سفید برای زخم معده نیز مفید است.

توت شیرین طبع گرم و مرطوب دارد. توت ها منبع خوبی از فیتونوتربنیتی توانا به نام رزوراترول (resveratrol) هستند که در انگور نیز یافت می‌شوند. محققان معتقد هستند که با کمک این ماده‌ی غذایی گیاهی می‌توانند هم از بروز سلطان ها پیشگیری کنند و هم این که با سلطان‌ها بجنگند.

توت ها به دلیل وجود رزوراترول می‌توانند موجب افزایش طول عمر افراد شوند. در مطالعات متعددی نشان داده شده است که رزوراترول موجود در توت ها موجب افزایش طول عمر موش‌ها شده است.



همچنین دم کرده برگ درخت توت خون را خنک می کند و التهاب را فرو می نشاند برگ درخت توت صاف کننده خون و خون ساز می باشد کسانی که رماتیزم دارند از چای برگ درخت توت برگ و میوه توت استفاده نمایید.



بهترین زمان مصرف توت قبل از غذا و با معده خالی است. به طور کلی بهترین موقع خوردن توت، صبح ناشتا و یا عصر در فاصله غذای ظهر و شام است که زود هضم می شود و مواد غذایی آن بهتر جذب بدن می شود. معمولاً اگر روی غذاهای سنگین مخصوصاً گوشت، آن را بخورند هضم آن مشکل می شود و تولید نفخ در شکم و روده ها می کند.

مضرات توت : کسانی که گرم مزاج هستند از خوردن توت خودداری کنند. به گفته ابوعلی سینای بلخی در صورتی که می خواهند توت بخورند بهتر است بعد از یک ساعت یا ۲ ساعت کمی سکنجین بنوشند. در هنگام حاملگی از مصرف انواع توت خودداری کنید زیرا ممکن است ایجاد حساسیت کند. زیاده روی در مصرف توت منجر به دل درد و اسهال می شود.

منبع: هفت گنج

توت به علت دارا بودن مقادیر بالای فیبر در درمان بیوست موثر است. در خیلی از کشورها از توت ها برای درمان و علاج سفید و یا خاکستری شدن زودرس موها استفاده می شود.

قند موجود در توت سفید برای کسانی که مبتلا به مرض قند هستند ضرر ندارد. به همین علت به آنها توصیه می شود به جای قند، چای را با توت خشک بخورند.

این میوه خوشمزه دارای آنتی اکسیدانی به نام آنتوسیانید است. آنتی اکسیدان موجود در این میوه فواید بسیاری برای سلامتی دارد که یکی از آنها کاهش میزان کلسترول بد خون و جلوگیری از ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی است. نقش دیگر آنتی اکسیدان ها پیشگیری از سرطان است، به همین دلیل مصرف توت برای پیشگیری از سرطان توصیه می شود. توت سفید حاوی فیبر فراوانی است، به همین دلیل ملین خوبی است. توت در سهل کردن جریان ادرار نیز نقش دارد.

صرف این میوه وزن را کاهش می دهد. طبق یافته های پژوهشگران فیبرهای نامحلول موجود در توت کالری جذب شده در بدن را کاسته و موجب کاهش وزن می شود.

توت حاوی مقدار قابل توجهی ویتامین C و آهن است، از این رو مصرف آن برای کسانی که کم خونی دارند توصیه می شود. توت به علت داشتن انواع ویتامین های گروه B در کاهش و رفع ترس، عصبانیت، خمودی، اضطراب و هیجان موثر است.

ویتامین A موجود در توت باعث رشد ناخن ها و تقویت چشم می شود. به خاطر داشتن کلسیم و فسفر در توت خشک برای لئه کودکان مفید است و تأمین کننده انرژی برای سالماندان استبرگ و میوه توت برای رفع سرفه مفید می باشد برگ و میوه توت برای کسانی که آسم دارند مفید می باشد.

کسانی که اسید اوریک یا اوره دارند بهتر است به جای قند از توت خشک استفاده کنند. مصرف انواع توت در بارداری ممکن است منجر به بروز حساسیت در جنین شود. لذا مصرف توت خشک در بارداری هیچ منع نداشته و فواید بسیاری دارد. همچنین مصرف توت در شیردهی باعث افزایش شیر مادر می شود. در چین، با برگ درخت توت سفید چای تهیه کرده و معتقدند که این چای به افراد کمک می کند تا بهتر ببینند و بهتر بشنوند.



نمایندگی های غضنفر بانک از شما استقبال می کند

کندھار

د کفтан مدد چوک، احمدی پلازه، د کندھار صرافی او سوداگری مارکیٹ ته مخامنخ - کندھار

آریک: 0797 86 00 12

kandahar@ghazanfarbank.com



شعبه مرکزی

۵۵۹۸ سرک عمومی شیرپور، صندوق پستی
شماره های تماس: 0797 860 003, 0775 786 786
0798 786 786

info@ghazanfarbank.com
mainbranch@ghazanfarbank.com



سرای شهزاده

منزل سوم، سرای شهزاده، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 10
shahzada@ghazanfarbank.com



شهر نو

شهر نو پلازه، مقابل ام تی ان پلازه، شهر نو، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 42
shahrenaw@ghazanfarbank.com



مزار شریف

جاده بیهقی، برج غضنفر
شماره تماس: 0797 86 00 80
mazar@ghazanfarbank.com



حیرتان

بازار پترولیم، مقابل اپارتمان عباس ابراهیم زاده
شماره تماس: 0797 86 00 22
hayratan@ghazanfarbank.com



هرات

شهر نو، جاده بهزاد، حفيظی پلازه
شماره تماس: 0797 86 00 70
herat@ghazanfarbank.com



جلال آباد

چوک مخابرات، مقابل گل فروش ها
شماره تماس: 0797 86 00 08

Jalalabad@ghazanfarbank.com



پلخمری

چوک پلخمری، فیصل مارکیت، منزل دوم
شماره تماس: 0797 86 00 38

polekhomri@ghazanfarbank.com



کندز

جاده شیرخان بندر، مارکیت حاجی امان، دست چپ
شماره تماس: 0797 86 00 75

kunduz@ghazanfarbank.com



تخار

شهر تالقان، چوک تخار، رسته مسجد جامع
شماره تماس: 0797 86 00 73

takhar@ghazanfarbank.com





لطف الله نجفی زاده برنده جایزه آزادی بیان شد

این درحالی است که نخستین جایزه آزادی بیان، در سال ۲۰۱۲ به روزنامه ۸ صبح نیز تعلق گرفته بود.

قبلی یادآوریست که سازمان ملل متحد، بر اساس پیشنهاد کمیته گزارشگران بدون مرز در سال ۱۹۹۲، روز سوم می رابه عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات به رسمیت شناخت و هر ساله، رسانه‌هایی که در راستای اطلاع‌رسانی فعالیت بیشتر دارند، صاحب جایزه گزارشگران بدون مرز می‌شوند.



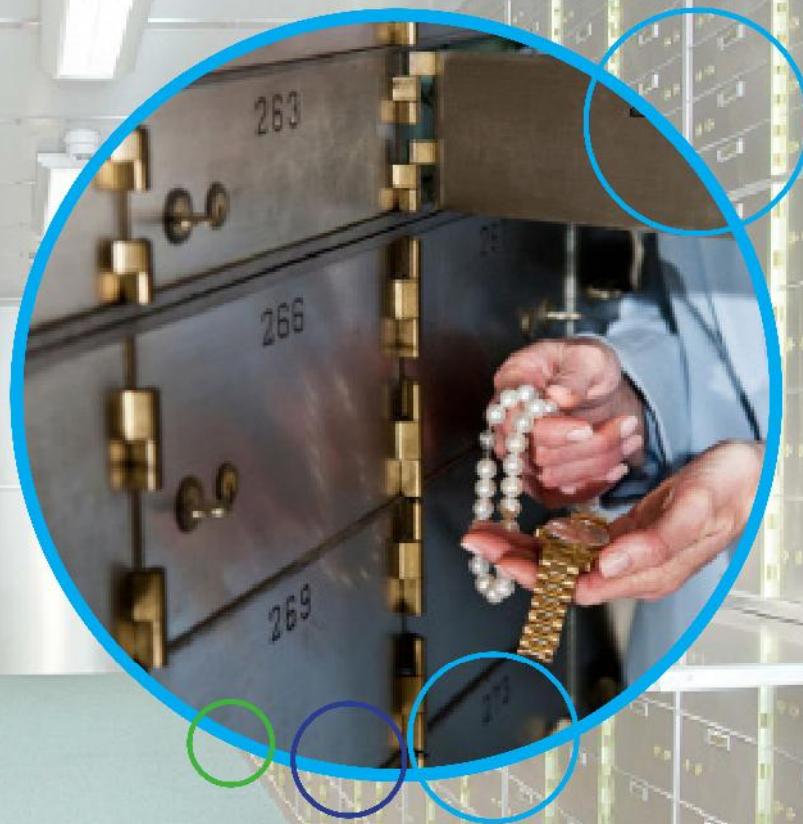
جایزه آزادی بیان، برای دومین بار به افغانستان تعلق گرفت و امسال مدار افتخار آن، به لطف الله نجفی‌زاده تفویض شد.

جایزه «آزادی بیان» همه ساله به استقبال از سوم می (روز جهانی آزادی مطبوعات) از سوی گزارشگران بدون مرز، به رسانه‌هایی که در راستای اطلاع‌رسانی فعالیت‌های بیشتری دارند اعطای می‌گردد.

«لطف الله نجفی‌زاده» مسئول نشرات تلویزیون طلوع، و سه روزنامهنگار مطرح کشورهای ایران، ترکیه و برونی، روز گذشته در مراسمی که از سوی شهرداری پاریس و کمیته گزارشگران بدون مرز برگزار شده بود، مدار افتخار را به گردن آویخت.

«رضامعینی» از مسئولان کمیته گزارشگران بدون مرز گفته است که وضعیت روزنامهنگاری در افغانستان برای گزارشگران بدون مرز، یک وضعیت خاص است. افغانستان به دلیل شرایط خاصی که با آن روبرو است، مورد توجه گزارشگران بدون مرز بوده و این کمیته، علاقمند است تا وضعیت روزنامهنگاران در افغانستان را در عرصه بین‌المللی، بیشتر مطرح کند. معینی با بیان اینکه خطر و تهدید بر روزنامهنگاران در افغانستان، روز به روز بیشتر می‌شود، افزوده است: از یکسو طالبان، داعش، نیروهای زورمند محلی و ... رسانه‌ها را تهدید به سانسور می‌کنند و از سوی دیگر، این رسانه‌ها را هدف می‌گیرند؛ در حالیکه برای تامین صلح و آرامش در افغانستان، نیاز است تا رسانه‌ها مورد حمایت و تقویت قرار گیرند.

«لطف الله نجفی‌زاده» مسئول نشرات تلویزیون طلوع گفته است: رسانه‌ها در افغانستان، با چالش‌های فراوان، از جمله تهدید و حمله‌های تروریستی روبرو هستند؛ ولی هیچ‌گاه این تهدیدها باعث نشده تا رسانه‌ها در مورد آزادی بیان برای منافع شخصی خود با فرد یا گروهی معامله کنند و به سوی سانسور رو بیاورند.



جعبه های محفوظ (Safe Deposit Lockers)

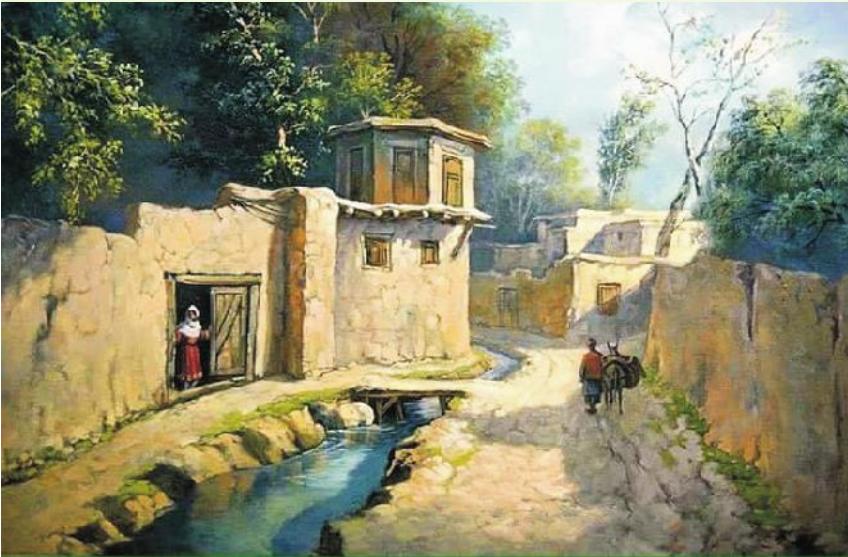
سهولت جعبه های محفوظ یکی از خدمات غضنفر بانک برای نگهداری اشیای قیمتی و اسناد معتبر مشتریان می باشد. این جعبه ها که در یک اتاق مستحکم قرار دارند، اسناد و اشیای قیمتی مشتریان را از خطر سرقت، آتش سوزی و دیگر حوادث طبیعی و غیرمنتقبه مسئون نگه می دارد. برخی از این صندوق ها با ترکیب دو کلید و برخی دیگر با ترکیب سه کلید باز و بسته می شوند، یک کلید به نام ماستر کلید نزد بانک و کلید های دیگر نزد کرایه گیرنده می باشد. این کلید ها توسط یک کد تعريفی مناسب شناسایی می گردند.

۵۵۹۸، سرک عمومی شیرپور، کابل ، افغانستان / صندوق پستی : ۸۶۶

+۰۷۹۷۸۶۰۰۳ / +۰۷۹۸۷۷۸۶۷۸۶

Mainbranch@ghazanfarbank.com

تهیه کننده: سمانه جلال



خود و قدرت یافتن آدمی برای تحمل کمبودها و صبر بر آنها، بر می گزیند و آن را به سود شخص می داند. گرچه انسان در ظاهر با قناعت، از امکانات ظاهری استفاده کمتری می کند، ولی به جهت عاقبت قناعت، این عمل مورد پذیرش عقل است. هر اندازه سطح دانش شخص نسبت به جهان و نفس خود بیشتر می شود و با عمق بیشتری به مسائل انسانی توجه می کند، در پذیرش صفات پسندیده انسانی، از جمله صفت قناعت، آمادگی بیشتری پیدا می کند.

۲- عفت نفس: عفت و پاکدامنی موجب می شود که عقل برخواسته های نفس نظارت کرده و آن را در استفاده از خواسته های خویش متعادل سازد. انسان عفیف گرچه بر انجام بسیاری از امور توانا است ولی خودداری می کند و افسار نفس را محکم نگه می دارد. یکی از ثمرات عفت در وجود انسان قناعت است. زیرا انسان عفیف زیاده خواه نیست و افراط نمی کند.

۳- در نظر داشت سفر به آخرت: یاد مرگ حب دنیا را می زداید، آدمی را به کفاف و عفاف می طلبد و از بهره برداری گزاف از نعمتها پرهیز می دهد و دلخوشیهای انسان را به غیر دنیا متوجه می سازد. هر که بیشتر به یاد مرگ باشد، به مقدار کم از مال دنیا راضی می شود.

۴- الگوگری از رهبران شایسته: رفتار قناعت آمیز رهبران و حاکمان صالح، در ایجاد و گسترش روحیه قناعت در جامعه نقش

نقش قناعت

در حفظ عزت و شخصیت انسان

یکی از عوامل اساسی عزت و افتخار انسان در اجتماع، قناعت است. چون قناعت موجب می شود انسان از حرص و طمع نسبت به دنیا پرهیز کند زیرا حرص و طمع از عوامل ذلت و خواری انسان هستند. حرص، طمع، عشق و علاقه به دنیا و مادیات موجب می شود که آدمی برای به دست آوردن دنیا دست به هر کاری بزند و خود را در مقابل هر کسی کوچک و ذلیل کند، اما قناعت موجب دوری از این امور و رسیدن به عزت و سربلندی است.

در علم اخلاق قناعت در مقابل حرص استعمال می شود. صفت قناعت موجب می شود که شخص به مقدار نیاز و ضرورت بستنده کند. ولی حرص صفتی است که موجب می شود انسان به گردآوری دارایی بیش از نیاز بپردازد. ریشه حرص حب دنیا می باشد و ممکن است انسان را به جهت اشتغال به دنیا و گردآوری دارایی، از آخرت و عمل نیک باز دارد. در مقابل، چون قناعت باعث اکتفا به مقدار کم و رضایت به آنچه هست می شود، انسان را در تحصیل آخرت و عزت نفس خود توانا می سازد. مواردی که انسان را به قناعت تشویق می کند قرار شرح ذیل است:

۱. عقل و دانایی: عقل عامل مهمی در گزینش قناعت است. یعنی آنکه خردورزی کند، قناعت پیشه می کند . عقل قناعت را به علت آثار ارزشمند آن، از جمله: بی نیازی انسان از غیر



اعتدال و دین داری ترغیب می کند، قانون را زیر پا می گذارد و حق خدا و خلق خدا را مراعات نمی کند. اما انسان قانع دین خود را به متاع اندک دنیا نمی فروشد و خود را برای کسب مال و مقام و شهرت در مسیر حرام قرار نمی دهد.

۵- زیبایی در کسب و کار: انسان قانع در انتخاب کسب و کار از مسیر درست دور نمی شود و کار او سبب نادیده گرفتن حقوق عمومی نمی گردد. چون به اندک ازمال دنیا راضی است، کار خود را اگر در مسیر خدا باشد زیبا می داند، به آن علاقه دارد و از این رو با کسب حلال عزت خود را بدست آورده و از درخواست و سؤال از دیگران بیزار است.

۶- صلاح نفس: انسان های متدين همواره صلاح و درستی نفس خویش را می خواهند زیرا بهترین چیزی که انسان را برای صلاح و درستی نفس کمک می کند، قناعت است. آدمی بر اثر طمع و حرص، زیر بار هر ذلتی می رود و خود را می فروشد و حق را زیر پا می گذارد و بردگی هر متکبری را می پذیرد، ولی قناعت اراده او را تقویت می کند و با آن عزت نفس خود را باز می یابد.

۷- آرامش و آسایش در زندگی: قناعت انسان را از اینکه خود را در بدست آوردن آنچه قسمت او نیست به سختی و رنج بیاندازد نجات می دهد، تشویش و نگرانی را از او دور می کند و از درگیری و کشمکش درباره متاع بی ارزش دنیا جلوگیری می کند، از این رو انسان در پرتو قناعت آسایش می یابد. زیرا آنکه به روزی کفاف بستنده کند، آسایش می یابد و در آرامش به سر می برد. اما طمع و میل، سختیها، موارتها و ذلت را در پی دارد.

اساسی دارد. زیرا جامعه به رهبر خود می نگرد. اکثریت مردم از ویژگیهای اخلاقی و رفتاری رهبران و شخصیت های شایسته و برازنده خود تقليد می کنند. پس چه نیکوست که هر فرد مسلمان از سیره پیامبر اکرم (ص) و دیگر رهبران و شخصیت های برازنده جهان تقليد کنند و در عین تلاش و مجاہدت در راه خدا و خدمت به مسلمانان، خود به اندکی از مال دنیا اكتفا کنند. زیرا آن حضرت به دو جامه فرسوده و از خوردنیش به دو قرص نان بستنده کرده است.

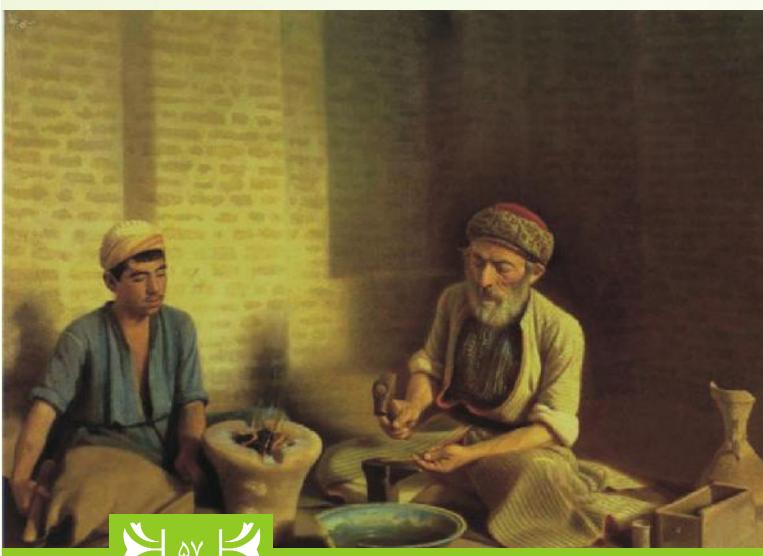
آثار قناعت

۱- عزت نفس: طمع و توقع ذلت نفس را در پی دارد و آدمی را بردگی می کند، طمع ورزی، بردگی همیشگی است. ولی شخص قانع و راضی از داشته های خود از دیگران بی نیاز می شود و دست برای درخواست به سوی دیگری نمی گشاید. از این رو عزیز گشت، دچار ذلت نفس نخواهد شد.

۲- شکر گذاری نسبت به داشته های خود: انسان قانع، شکرگزار آفریدگار متعال است و به روزی او بستنده می کند. از این رو هم عزت خود را در دنیا نگه می دارد و هم برای برخورداری از دنیا، دین خود را در معرض خطر کسب حرام قرار نمی دهد. و در نتیجه خدا نیز از عمل کم او راضی می شود و این سعادت آخر است.

۳- توانایی بر انفاق مال: انسان قانع از آنچه به دست می آورد، به حد نیاز استفاده می کند و از مازاد آن برای کمک به دیگران بهره مند می شود. مصرف گرایی مفرط موجب می شود که انسان از میان درآمدهای خود محلی برای انفاق نداشته باشد، اما قناعت و بستنده کردن به اندک و ضروریات دنیا موجب می شود که دست انسان برای بخشش به دیگران باز شود. زیرا در دین مبین اسلام تاکید شده است که هر فرد مسلمان باید به کم قناعت کند و زیادی را به نیازمندان ببخشد. بر این اساس، قناعت باعث بهبود وضع فقیران و نیازمندان می شود و ضمن پرهیز از مصرف بیش از حد، به گسترش رفاه عمومی می انجامد. انفاق فقط با تمكن مالی تحقق نمی یابد، بلکه مهم، قطع علاقه از مال است و این قطع علاقه، با ایجاد روحیه قناعت بدست می آید.

۴- سلامت دین: در پرتو طمع و حرص بر دنیا، نیازهای کاذب و زودگذر بر زندگی انسان چیره می شود و او را به خروج از مسیر





گلستان

(ویژه شعر و ادب)

زنم

زنم، شاخه بهروزی و غریزه در میان آتشم
نعمتمن، سبز گلسته ز باغ پرنیان، درمیان بنیست هوسنم
شوقم، موج پر نغمه از صداقت و مهر در لابلای لذتم
عشقم، شهپر از دیار حیرتم
دوستم، خوش بافت عاطفه ز حریر سرمست فطرتیم
مادرم، لطف و راستین در برم
کارگرم، بهر آسایش افکار خسته ات من یاورم
آری من زنم، و ز برای بودنش مفترخم

شهلا لطیفی

بلیل آهسته به گل گفت شبی
که مرا از تو تمنائی هست
من به پیوند تو یک رای شدم
گر ترا نیز چنین رائی هست
گفت فردا به گلستان باز آی
تا بینی چه تماشای هست
گر که منظور تو زیبائی ماست
هر طرف چهره زیبائی هست
پا بهرجا که نهی برگ گلی است
همه جا شاهد رعنائی هست
باغبانان همگی بیدارند
چمن و جوی مصفایی هست
قبح از لاله بگیرد نرگس
همه جا ساغر و صهباءی هست
نه ز مرغان چمن گمشده ایست
نه ز زاغ و زغن آوانی هست
نه ز گلچین حوادث خبری است
نه به گلشن اثر پائی هست
هیچکس را سر بدخوئی نیست
همه را میل مدارایی هست
گفت رازی که نهان است بین
اگرت دیده ی بینائی هست
هم از امروز سخن باید گفت
که خبر داشت که فردایی هست

پروین اعتصامی

در کارگه کوزه گری رفتم دوش
دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش
ناگاه یکی کوزه برآورد خوش
کو کوزه گر و کوزه خر و کوزه فروش

از کوزه گری کوزه خریدم باری
آن کوزه سخن گفت ز هر اسراری
شاهی بودم که جام زرینم بود
اکنون شده ام کوزه هر خماری

خیام

التجا
اندرون کوره های آتشی
بگذرانم سال های سخت را
کاش آید روز آنکه باز من
تا زنم بر هم تمام بخت را
دفتر و دیوان شعرم در گرفت
در میان شعله تنها ی ام
جای هر چی را غم و اندہ گرفت
وای بر شیدایی و رسوابی ام
در کنار آدمان خود نگر
زنده گانی دوزخی سوزنده شد
هم ز پوچی های زشت زنده گی
اشک تلخ من به رخ لغزنده شد

نفیسه خوشنصیب غضنفر



خاوری په سر

خاوری په سر خیرې گریوان راغلمه
زه چې په سیمه د جانان راغلمه
ستره کې مې اوري په زړه وریځې ګرڅي
چې دې غوښتلمه باران راغلمه
ستا د کوڅې د نفتر تو سره خم
کلې خبر کړه چې طوفان راغلمه
تا به پتنګ غونډې پرې وسوزوم
زه چې لمبو ته ده جران راغلمه
کړې ما "نغمې" دیوې داونکو بلې
جوړ هدیرې ته دارمان راغلمه
نغمه

شپیلی

کله چې خوب ته مینه راغله، برستن مې نه وه
کله مې غږ په انګازوشو، شپیلی مې نه وه
په ساډه ژمی کښې و م تو د زه، دمینې په اور
له پاسه واوري اوږيدلي، کوتۍ مې نه وه
ماته زړکې مدام ویل چې، تود یم په مینه
په یخه شپه کښې خلاص ګریوان و م، تنه مې نه وه
نه پوهیدم چې زه په خبله، کوم لورته خم
نیما په لارکښې پښتوه خېرشوم، خپلی مې نه وه
لیونی تلم مینې کرم مخکې، دمینې اورته
په سره انګارکښې ولویدمه، سپرغی مې نه وه
یخ اسویلی مې رانه ووت، دمینې غیرکښې
ناڅاپه ویبن شوم په کین اړخ زه، تنکی مې نه وه
امرالدین سرحد

خدای دی وکی چې دوا شي
ما هم دی غوبشت دی دپاره
چې خدمت د قام وطن کړي
خان کړي خوار په دغه لاره
د نیکونو نوم ژونډې کړي
قام وزغوري له ناتاره
د پښتون جنډی کړي پورته
له خیبره تر خیساره
زه به هله دی زوی بولم
چې پاشرلي ولس غونډ کړي
د زمری زلمو پوځونه
و هر لوری ته ورپنډ کړي
ستانسي هم پالنه وکړي
ومو ژغوري له خواریه
و پوهنی ته مو مخ شي
شي مخ خټه له ناپوهه
هم هر پلار به خبر وي بل
د خپل لور له بیوزلیه

چې د لور غوبښې ونه خوری
شي بیزار له خونخواریه
هر میړه پوه کړي په دی
چې میرمن هم لري حقوقه
که میرمن په کور کې نه وي
څه به خوند وي له ژوندونه

احمد شاه بابا

خلوریزه

زه د وطن پیغله یم په سرو وینو رنګینه یم
بیانن چا وژلې د هیواد په پاکه مینه یم
ما لکه ملاله په تپو د میوند غرونه کړل
زه د خپلې خاوری ازادئ باندې مینه یم
امان الله نصرت



جمله های طلایی

(یک جمله ارزشمند می تواند زندگی انسان را دگرگون و هدفمند کند).

قسمت چهل و یکم:

- آسایش آدمی، در زندانی کردن زبان است. (یامبر اکرم ص)
- ما از جهانیان، هیچ نمی خواهیم، جز احترام. (وینستون چرچیل)
- اگر دل بخواهد هزار راه پیدا می کند و اگر نخواهد هزار بهانه میتوارد (مثل برنهو)
- کم داشتن و پر گفتن مثل نداشت و زیاد خرج کردن است. (نایپلئون)
- بهترین خوشبختی ها ، یاری به دیگران است. (آلبرت هویار)
- تجربه همیشه به سود انسان نیست، زیرا، هیچ رویدادی دوبار به یک شکل رخ نمی دهد. (وینستون چرچیل)
- آنان که می فهمند عذاب می کشند و آنان که نمی فهمند عذاب میدهند (دکتر شریعتی)
- بدون پول، آرامش به دشواری به دست خواهد آمد. (وینستون چرچیل)
- آنچه میگویی بکن و آنچه میکنی بگو! (ویکتور هوگو)
- آنکه در پی اثبات خویش است خود را نفی می کند و آنکه از خود میگذرد خود را اثبات می کند. (ایدی)
- از زندگی هر آنچه لیاقتمند را داریم به ما میرسد نه آنچه که ارزویش را داریم. (ناشناس)
- اگر می خواهید مردم درباره ای شما خوب فکر کنند از خودتان تعریف نکنید. (باشکال)
- بدینهای را فراموش کنید تا خوشبخت شوید (متبلینگ)
- باید زیاد مطالعه کنید تا بدانید که هیچ نمی دانید. (مونت کیو)
- به چیزی که گذشت غم نخور ، به آن چیزی که پس از آن آمد لبخند بزن. (ناشناس)
- به زور می توان چیزی را گرفت ولی به زور نمی توان آنرا نگه داشت. (دکتر شریعتی)
- بهترین رابطه بین دو نفر زمانیست که عشقشان به هم بیشتر از نیازشان به هم باشد. (یاپلو کولیو)
- آرزو دارم روزی این حقیقت به واقعیت مبدل شود که همه ای انسان ها برابرند. (مارتن لوثر کینگ)
- عمر آنقدر کوتاه است که نمی ازد آدم حقیر و کوچک بماند. (دیرانلی)
- زندگی گرهی نیست که در جست و جوی گشودن آن باشیم. زندگی واقعیتی است که باید آن را تجربه کرد . (سون کی بکگارد)
- پاکدل را کسی باور نمی کند ، مگر پاکدل. (هرمان هسه)
- بخواهید تا بدنه، بجویید تا بیایید، در را بزنید تا به روی شما باز شود. (انجلیل)
- از اندیشیدن به اینکه ژرف نگری کار ویژه ای است دست بردارید. (سوریا سینگر)
- انسان برای بر خورداری از شادی باید خودش را باور کند. (توماس باین)
- سرافیش یک بند درست از زندگی ، نیاز به سفری ، هفتاد ساله دارد . (حکیم ارد بزرگ)
- انسان عاقل همیشه از بدگویی هایی که از او میشود استفاده میکند. (ژرژانه)
- زندگی یعنی جستجوی دائم . (لامارتین)
- هرگاه بتوانم بعد از هر شکست لبخند بزنم شجاع خواهم بود. (نایپلئون بنیاپارت)



- اگر بزرگی و عظمت را آرزو می کنی آن را فراموش کن و دنبال حقیقت برو ، آنگاه به هر دو خواهی رسید ، هم حقیقت و هم عظمت. (سنگا)
- برای کشوری که خردمندانش خانه نشین باشند ، یايد گریست . (حکیم ارد بزرگ)
- بهترین مصلح کسی است که اصلاح را از خود شروع کند . (جرج برنارد شاو)
- بزرگترین عیب آن است که از عیب خویش اگاه نباشیم. (توماس کارلایل)
- انسان دانا به جای آنکه در انتظار رسیدن یک فرصت خوب در زندگی باشد خود آن را به وجود می آورد . (فرانسیس بیکن)
- به شخصی که به هیچکس اعتماد ندارد اطمینان نداشته باشید!. (شکسپیر)
- هر کجا مردی یافت شد که به مقامات عالیه رسیده یقیناً زنی پاکدامن او را همراهی کرده است. (شیلر)
- از مردم طماع راستی مجوی و از بی وصل وفا مخواه. (امام غزالی)
- هر کس مرتکب اشتباہی نشد اکتشافی هم نکرد. (گالیله)
- سعادتمند کسی است که به مشکلات زندگی بخندد. (شکسپیر)
- هر کودکی در گهواره بالقوه یک گاندی است. (گاندی)
- عشق مثل ساعت شنی است همچنان که قلب انسان را پر میکند مغز او را خالی میکند. (انشتین)
- کوچکتر که بودیم ، دل بزرگتری داشتیم . امروز که بزرگتریم ، چقدر دلتنتگیم . (فوئنس)
- عظمت زندگی در علم نیست، بلکه در عمل است. (توماس هنری هاکسلی)
- بهترین موقیت این است که زندگی را به دلخواه خود بگذرانید. (کریستوفور مولری)
- هیچ کس نمی تواند ما را بهتر از خودمان فریب دهد. (گوته)
- اگر شیفته کارت نباشی، روانت بیمار می شود و در نهایت پیکرت از پای در خواهد آمد . (ارد بزرگ)
- بیشتر کسانی موفق شده اند که کمتر تعریف شنیده اند. (امیل زولا)
- هر قدر به دیگران احترام بگذاریم ، به ما احترام خواهند گذاشت. (ارد بزرگ)
- اندیشه کردن به این که چه بگوییم، بهتر است از پیشیمانی از این که چرا گفتمن. (سعدی)
- از دیروز بیاموز برای امروز زندگی کن و امید به فردا داشته باش. (آلبرت انیشتون)
- کسی که می تواند انجام می دهد و کسی که نمی تواند به دیگران یاد می دهد . (جرج برنارد شاو)
- همان بخش زندگی ارزشمند است که صرف خدمت به دیگران شود . (آلبرت انیشتون)
- سکوت بهترین تحقیر است. (برنارد شاو)
- خود را فدا کنیم بهتر است تا دیگران را نابود کنیم. (گاندی)
- رقابت تا زمانی پسندیده است که کار به حسادت نکشد. (دکارت)
- بدگویی ، رسایی در پی دارد. (ارد بزرگ)
- خدایا تو چگونه زیستن را به من بیاموز من خود چگونه مُردن را خواهم آموخت. (علی شرعیتی)
- بیشترین تأثیر افراد خوب زمانی احساس می شود که از میان ما رفته باشند. (مرسون)
- گوش شنونده همیشه در جست و جوی سخن خردمندانه و حکیمانه است. (فردوسی)
- سعی نکنیم بهتر یا بدتر از دیگران باشیم، بکوشیم نسبت به خودمان بهترین باشیم. (مارکوس گدایر)
- غذایی را بخور که می پسندی، لباسی را پوش که مردم می پسندند. (ادیان)



محاوره اوزبیکی (۲۳)

عزیز الله ارال

از کتاب "محاوره دری - انگلیسی - اوزبیکی"

خلق ارا قورولتایلر،
کنفرانسلر و اوچرهشولر

**International congresses,
conferences& meetings**

کنگره‌ها، کنفرانسها
و جلسات بین المللی

ما رج آیی ده کابل ده خلق ارا
کنفرانس بولیب اوتمدی

There will be an International
conference in Kabul in March

ماه مارچ در کابل کنفرانس بین
المللی دایر میگردد

تورکیه‌دن کنفرانس‌گه کیم اشتراک
اپته‌دی؟

Who from Turkey will be at the
conference?

از تورکیه به کنفرانس
کی اشتراک میکنند؟

اولر کنفرانسیمیزده بوندن ایککی
ییل الـدین اشتراک اپتیشـگـن
پروـگـرام جوده هـم تولـهـ

They participated in our conference
2 years ago
The schedule is very busy

دو سال قبل ایشان به کنفرانس
ما اشتراک نموده بودند
برنامه گنجایش ندارد

بیزده یلپی مجلس‌لر، بیغین‌لر، دوره
صحبت‌لری، مناظره‌لر او تکریله‌دی

We'll have plenary sessions,
sittings, roundtable talks,
discussions

ما جلسات عمومی، نشست‌ها،
میزگردها و بحث‌ها خواهیم
داشت

قیسی تیل ده سوـلـماـقـچـیـسـیـزـ؟

What language are you going to speak
in?

به کدام زبان بیانیه میدهید؟

هیئت اعضاـلـرـی بیـلـنـ تـنـیـشـتـرـیـشـگـهـ
رـخـصـتـ اـپـتـسـنـگـیـزـ

Let me introduce the members of
our delegation

اجازه بدھید عضای هیئت را
معرفی نمایم

تشکیلی قومیـه اـیـکـیـنـچـیـ قـهـوتـدـهـ
جاـیـلـشـگـنـ

The organizing committee is on the
second floor

تیم تشکیلاتی در منزل دوم
قرار دارد

مـبـنـ اـفـغـانـسـتـانـ هـیـئـتـیـ نـینـگـ وـکـیـلـیـ منـ

I am a representative of the Afghan
delegation

من نماینده گروپ افغانها استم

بـیـزـ بوـ بـیرـ گـهـ تـجـرـبـهـ المـهـشوـ
پـروـگـرامـیـ بـوـبـیـچـهـ کـېـلـدـیـکـ

We came here in accordance with
the exchange program.

ما اینجا به اساس برنامه تبادل
تجارب آمدیم

خـوـشـ کـېـلـیـبـسـیـزـ!

You are welcome!

خوش آمدید!

فـیـسـتـیـوـالـ شـعـارـیـ - تـینـچـلـیـکـ

The motto of the festival is peace

شعار فیستوال، صلح است



کون ترتیبی ده بیشته مسأله بار	There are 5 items on the agenda	دستور کار (آجندا) شامل بنج مسأله میباشد
کنفرانس آچیق دېب اعلان قیلیندی	The conference is declared open	کنفرانس افتتاح شد
کنفرانس جوده هم قیزیقرلی	The conference is very interesting	کنفرانس بسیار دلچسب است
قوشیچه	Addition	علاوه (اضافه)
کون ترتیبی	Agenda	دستور کار (آجندا)
توزه تیش	Amendment	اصلاح، تصحیح
نامزد، کاندیداتور	Candidate	کاندیدا، نامزد
باشلیق	Chairman	رئيس
یکون لوچی سوژ	Closing speech	بیانیه اختتامیه
مناظره	Debate	بحث، مباحثه
لایحه	Draft	مسوده، طرح
رساله، بروشور	Leaflet	بروشور، جزو
یکون، یېچىم	Minutes	خلاصه (نتیجه) جلسه
شعار	Motto	شعار
تکلیف	Motion	پیشنهاد
دولت مدحیه سی (ملی سرود)	National anthem	سرود ملی
قرشى چيقماق	To object to	مخالفت کردن
کىريش نطقى	Opening speech	بیانیه افتتاحیه
اعلان	Placard	اعلان
بىتىم بؤلۈمى	Protocol department	بخش موافقتنامه
درە ك	Report	گزارش
تبرىك سۈزى	Salutary speech	سخن تبریکیه
سوژلۇچى	Speaker	نطاق، گوینده
موضوع، مقاله	Theme	موضوع، مطلب
علمى مقاله افادە سى (تىيزىس)	Theses	تىيزىس (مفهوم مقاله علمى)
وېزىت کارت	Visiting card	وېزىت کارت (کارت ملاقات)
آواز بېرماق (اوىي بېرماق)	Vote	رأى دادن

ادامە دارد...



- | | |
|---|--|
| 5. Payment & Settlement
6. Agency Services
7. Asset Management
8. Retail Brokerage | -Beta (18%)
-Beta (15%)
-Beta (12%)
-Beta (12%) |
|---|--|
- Capital Charge for each business line is calculated by multiplying Gross income by a Beta Factor assigned to a business line
 - Total Capital charge is calculated as three year average of simple summation across each business line each year.

Advanced Measurement Approach is the most risk sensitive of all the three approaches as mentioned above.

- Capital requirement is based on bank's internal operational risk measurement system.
- Focuses on both measurement & management of operational risk.
- Requires Supervisory approval based on qualitative and quantitative standards.
- Consistent with sound and rapidly evolving industry practices.

Operational Risk mitigation techniques:

- Natural / Manmade disaster – Insurance.
- Business disruption due to Electrical/Telecom/IT System failure – Establish redundancies/back-up.
- Loss due to internal reason – Strong Internal Audit process.
- Good Management Information System.



the amount of a fixed percentage, α (which as per Basel II Capital Accord is defined to be 15%), multiplied by the amount of gross income.

Basic Indicator Approach (BIA)

Under this approach, banks must hold capital charge equal to the average over the previous three years of a fixed percentage of positive annual gross income.

$$KBIA = [\{ (GI_1 \dots n \times \alpha)] / n$$

Where, KBIA= the capital charge under Basic Indicator Approach

GI = annual gross income, where positive, over previous three years

n = no. of the previous three years for which gross income is positive

α = 15% (set by BCBS)

Standardised Approach represents a further refinement along the evolutionary spectrum of approaches for operational risk capital. This Approach requires classification of Gross Income into eight Business Lines as defined by Basel II Capital Accord and multiplication of Gross Income in each Business Line by β factor as defined by Basel II Capital Accord. The total capital charge is the sum of regulatory capital charges across each of the business lines. For the purpose of computing Operational risk capital charge using Standardised approach assumptions, if any, it is required to map income streams to the eight business lines as outlined in the Basel-II Capital Accord for assessing gross income for each of the business lines.

Standardized Approach (SA)

Banks activities are divided to eight Business Lines

- | | |
|-----------------------|-------------|
| ۱. Corporate Finance | -Beta (18%) |
| ۲. Trading and Sales | -Beta (18%) |
| ۳. Retail Banking | -Beta (12%) |
| ۴. Commercial Banking | -Beta (15%) |



System Risk -

- **Technology Risk-** system failure, system security, programming error, communications failure.
- **MIS Risk.**

Legal and Regulatory Risk - Failing to comply with laws and regulations (e.g. company, industry, environment, data protection, labor, taxation, money laundering) to protect fully organization's legal rights and to observe contractual commitments.

Reputational Risk - The loss of esteem in which customers, staff, regulators and the public hold the organization, due to the failure to conduct its business to the standards expected e.g. adverse publicity resulting from poor customer service, criminal activity of member of staff, unethical sales practice etc.

Event Risk - Operating Environment Risk (external factors risk) unanticipated changes in external environment other than macro-economic factors.

Management of Risk

Management of operational risk is about identifying, mapping, monitoring and controlling failures or inadequacies in systems and controls. It may often be the case that there is no clear boundary between its risk management systems for operational risk and all other systems and controls. The Bank shall try to distinguish between its systems and controls for credit, market, liquidity risks and systems and controls for operational risks. Where such a distinction is not possible, the Bank shall still try to identify those systems and controls that are used in the management of operational risk, even when they have other purposes as well.

Operational Risk Capital Charge Assessment

Basel-II Capital Accord has proposed following three methodologies for estimation of minimum capital requirement for Operational Risk.

- Basic Indicator Approach (BIA)
- Standardised Approach (SA)
- Advance Measurement Approaches (AMA)

Basic Indicator Approach allocates operational risk capital using a single indicator as a proxy for an institution's overall operational risk exposure. Gross income is proposed as the indicator, with the bank holding capital for operational risk equal to



Classification of Loss Events

While classifying an actual loss in different categories such as credit, market, and operational losses due consideration shall be given to the cause of loss. Thus, the definition of Operational risk losses has to be read carefully and understood in right perspective. If the loss is the result of inadequate or failed *internal* processes, people and systems *or from external events*, it's an operational risk loss. Where adequate distinction cannot be made between operational risk losses and other losses appropriate classification based on facts of the case shall be decided.

The assessment of operational risk can be quantified from the following viewpoints:

- Write-down: Reduction in the value of assets due to theft, fraud, unauthorised activity or market and credit losses arising as a result of operational events.
- Loss of recourse: Payments or disbursements made to incorrect parties and not recovered.
- Restitution: Payments to clients of principal and/or interest by way of restitution, or the cost of any other form of compensation paid to clients.
- Regulatory action: Fines, or the direct cost of any other penalties, such as license revocations.
- Loss or damage to asset: Direct reduction in the value of physical assets, including certificates, due to some kind of accident (neglect, accident, fire, earthquake)
- Legal liability: Judgements, settlements and other legal costs.

The operational risk could result from (for e.g.)

People Risk - Placement, competency, work environment, motivation, and Turnover/Rotation.

Process Risk -

- **Transaction Risk**- Transaction guidelines, errors in execution of transaction, product complexity, competitive disadvantage documentation/contract risk.
- **Operational Control Risk** –violation of controls, operational disruptions exceeding of limits, money laundering, fraud etc.
- **Model Risk**- mark to model error, model methodology error.

OPERATIONAL RISK MANAGEMENT IN BANKS

Contributed by: Jayanta Ray (Chief Risk Officer)



Background

Operational Risk differs from other banking risks in that it is not incurred in return for an expected reward but is implicit in the ordinary course of corporate activity. This apart, it has also the potential to affect the risk management process of the bank. Any failure to properly manage operational risk can result in a misstatement of a risk profile of the bank and expose the concerned bank to significant losses. 'Management' of operational risk is taken to mean the 'identification, assessment, monitoring and control / mitigation' of this risk. The 'International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards—A Revised Framework', issued in June 2004 by Basel Committee on Banking Supervision (Basel II Capital Accord) has formalised the discipline of operational risk management. This treatment of operational risk as a distinct risk category in the Basel II is a clear manifestation of the vital role played by the operational risk in impacting the risk profile of a bank. The Basel II Accord has suggested a common definition of operational risk across banks and financial institutions. It has also defined various approaches for operational risk capital assessment.

Definition

Operational Risk has been defined by the Basel Committee on Banking Supervision as the risk of loss resulting from inadequate or failed internal processes, people and systems or from external events. This definition includes legal risk but excludes strategic and reputational risk. This definition is based on the underlying causes of operational risk. It seeks to identify why a loss happened and at the broadest level includes the breakdown by four causes:

- People,
- Processes,
- Systems, and
- External factors